

حسین

پیوندا

جهان

شیوه‌های پیوند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دکتر عبدالحسین فخاری





# پیوند با جان جهان

شیوه‌های پیوند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف



دکتر عبدالحسین فخاری

تقدیم به جانِ جهان؛

حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

و همه پیوندیانِ آن قطبِ عالم امکان



سرشناسه: فخاری، عبدالحسین، ۱۳۳۶-

Fakari, Abdolhosein

عنوان و نام پدیدآور: پیوند با جان جهان: شیوه‌های پیوند با امام زمان عجلت  
عبدالحسین فخاری،

مشخصات نشر: تهران: نشر حلال، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص: ۹/۵×۱۹/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۰۷-۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: شیوه‌های پیوند با امام زمان عجلت.

موضوع: محمدبن حسن عجلت، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII

موضوع: مهدویت -- انتظار

موضوع: Mahdism -- \*Waiting

موضوع: مهدویت -- انتظار -- احادیث

موضوع: Mahdism -- \*Waiting -- Hadiths

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۶۶۲۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: پیوند با جان جهان

نویسنده: عبدالحسین فخاری

ناشر: انتشارات حلال

صفحه آرایشی: شیرین گوگانی

نظارت چاپ: مهفام گرافیک

لیتوگرافی: نقش‌آور

چاپ و صحافی: پنج‌رنگ

چاپ دوم: سال ۱۴۰۰

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

شماره

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۰۷-۶-۲

تلفن مراکز پخش: ۲۲۸۹۸۴۲۵

۶۶۴۰۸۴۴۱ - ۶۶۴۲۴۱۱۳

۹	مقدمه .....
۱۱	جان جهان کیست؟ .....
۱۴	پیوند به چه معناست؟ .....
۱۷	بخشش مالی .....
۲۱	مرزبانی .....
۲۵	مشق محبت .....
۲۹	پاس انتساب .....
۳۲	احساس حضور .....
۳۵	عرض اعمال .....
۳۸	اهتمام به هدایت .....
۴۱	اجتماع قلوب .....
۴۴	پرهیز از گناه .....
۴۷	تقدیم هدایا .....
۵۰	زندگی با امام .....
۵۳	اهتمام به دعا .....
۵۶	نجوی و همسخنی .....
۵۹	استغاثه به امام .....
۶۳	خدمت به امام .....
۶۶	اهتمام به تعلیم .....
۶۹	اهتمام به تبلیغ .....
۷۲	دفع دشمنان .....



۷۵	.....	معرفت افزایی
۷۹	.....	انتظار سازنده
۸۲	.....	تعظیم شعائر
۸۶	.....	بزرگداشت میلاد
۸۹	.....	احسان و نذر
۹۲	.....	اوقاف مهدوی
۹۵	.....	فضای مجازی
۹۸	.....	کاربرد رسانه
۱۰۱	.....	نگاه جهانی
۱۰۴	.....	تیم و تشکیلات
۱۰۷	.....	سفر و هجرت
۱۱۱	.....	راهبرد وحدت
۱۱۵	.....	راهبرد مشارکت
۱۱۸	.....	مجالس مهدوی
۱۲۲	.....	حماسه جمعه‌ها
۱۲۶	.....	معجزات و کرامات
۱۳۰	.....	شور حسینی
۱۳۳	.....	طرد شیطان
۱۳۷	.....	کسب و کار پاک
۱۴۰	.....	کتاب‌های مهدوی

از دیرباز، کتاب‌هایی در وظایف منتظران و گونه‌های پیوند با صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده که مشتاقان قطب عالم امکان را به وظایفی که بعضی فراگیر و بعضی مطابق شرایط زمان و دوران بوده، هدایت و راهنمایی می‌نموده است. اما امروز پرسیده می‌شود: چگونه در هزاره سوم و عصر رسانه و فضای سایبر و شرایط این زمان، می‌توان با آن موعود روزگاران، پیوند برقرار نمود؟

این قلم، تلاش کرده است برای نسل امروز از گونه‌های این پیوند، چهل‌گونه را با پشتوانه منابع دینی و ضرورت‌های دوران، معرفی نماید. عناوینی چون فضای مجازی، نگاه جهانی، کار تشکیلاتی، راهبرد مشارکت، کاربرد رسانه، اوقاف مهدوی و... در کنار عناوینی چون انتظار سازنده، اهتمام به تبلیغ، اهتمام به تعلیم، مرزبانی، معرفت‌افزایی و... مورد توجه قرار گرفته است. امید است شیفتگان مولای مهربان را به نزدیکی بیشتر با امام و پیوند افزون‌تر با حضرتش، رهنمون باشد.

دکتر عبدالحسین فخاری

پاییزه ۱۴۰۰

## جانِ جهان کیست؟

مرکز جان و روح ما، قلب است و او قلب عالم امکان است! او آن دردانه ای است که مسیحا نفس است یعنی چونان مسیح، با نفس جان بخشش، مرده‌ها را جان تازه می‌بخشد و احیا می‌کند: خوب گفتم هشام - آن تربیت شده امام صادق - در مناظره‌اش با آن غافل، که دست و پا و چشم و مغز و زبان، بدون قلب مرده‌اند و جهان بدون امام؛ اندامی است بدون قلب و جان! خدایی که يك بدن را بدون قلب رها نکرده، جهان را بدون قلب، رها ننموده و اگر زمین و زمان بدون قلب باشد، مرده است و بی‌توان؛ و بدون امام، زمین و زمان و جهان فرو خواهد ریخت (لولا الحجة لساخت الارض بأهلها). مگر خدا با ارسال پیامبران، قصد هدایت انسان‌ها را نداشته است؟ اگر داشته است - که چنین است - چگونه تا وقتی انسان بر روی زمین هست، زمین از وجود حجت و راهنمای الهی خالی ماند؟ پس زمین بدون راهنمای الهی، جسمی بدون روان است؛ بدنی بدون قلب است؛ اندامی بدون جان است.

امروز جان جهان، مهدی صاحب زمان است؛ چنین است که این‌گونه او را می‌خوانیم:

ای وارث پیغمبران؛ زیبا زخ و ابرو کمان؛ ای روح قرآن و اذان؛ وحی خدا را ترجمان؛ ای جانِ جانِ جانِ جان؛ ای یوسف کنعانیان؛ تنها ولی این زمان، در هر کجای این جهان؛ یعنی کران تا بی‌کران؛ ای مهر و قهرت توأمان؛ با دوستانت مهربان، قهر خدا بر دشمنان؛ ای دلبر پیرو جوان؛ ای دین حق را پاسبان؛ خونخواه عاشوراییان؛





در ادامه: «رحمت‌ها و درودهای خدایی بر او باد و بر همه نیکان پاک او. درود و رحمت و سلام و تحیت بر تو باد! ای وصی امام حسن عسکری، و ای جانشین شایسته شایستگان، ای امام زمان، ای مهدی قائم منتظران، ای زاده ختم رسولان، ای فرزند امیرمؤمنان، ای امام مسلمانان، ای حجت خدا در میان مردمان، ای سرور ما، ای مولای ما! ما به آبروی تو، روی به درگاه خدای آوردیم، و تو را نزد خدای شفیع ساختیم؛ و به اعتبار منزلت تو، حاجات دو جهان خویش طلبیدیم؛ ای سرافراز در نزد خدا، و ای آبرومند بارگاه کبریا، شما حاجات ما را از خدای عزیز جلیل، طلب کن و برآوردن آن‌ها را شما از او بخواه»<sup>۱</sup>.

---

۱. این صلوات، دارای چهارده بند است و در توسل به ذیل عنایات چهارده معصوم علیهم‌السلام صادر شده است و به «دوازده امام خواجه نصیر» شهرت یافته است. نسخه‌های خطی و چاپی آن، در دسترس است، از جمله در کتاب «مفتاح»، بند چهاردهم که ترجمه آن در بالا آورده شده است، تعلق به آخرین معصوم حضرت مهدی صاحب‌الزمان دارد. به نقل از: حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.



## پیوند به چه معناست؟

با پیوند آشنا هستیم: پیوند دوستی، پیوند فامیلی، پیوند شراکت، پیوند ازدواج، پیوند یاری، پیوند پیمان و بیعت... از کدام نوع و به چه معناست پیوند با جان جهان؟! می دانیم پیوند، پیوستگی و جوش خوردن و اتصال است در مقابل جدا شدن و بُریدن و انقطاع. هم باید با دوستان همراه، پیوند برقرار نمود، هم با فامیل و خویشان؛ هم باید به پیوند ازدواج پیوست و هم از پیوند با شریکان فکری و شغلی و اجتماعی، استقبال نمود. اساس زندگی انسان - که اجتماعی است - بر پیوند است و انزوا و انقطاع، مردود است.

يك نمونه مهم از صله و پیوند، پیوند با خویشان یا صله رحم است که بر آن بسیار تأکید شده است: عبدالعظیم حسنی از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هنگامی که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن می گفت، موسی گفت: خدایا! پاداش کسی که با خویشاوندانش پیوند داشته باشد، چیست؟ فرمود: مرگ او را به تأخیر خواهم انداخت و سختی های مرگ را بر او آسان خواهم نمود، و کارگزاران بهشت به او ندا خواهند داد: به سوی ما شتاب کن و از هردری که میل داری، به بهشت وارد شو!»<sup>۱</sup>

از همین جا پیوند با امام که جان جهان است، کلید می خورد: اگر در روایات آمده که «پیامبر و امیرمؤمنان، دو پدر امت اند»<sup>۲</sup> و فرزندان و ذریه ایشان، ارحام اویند، پیوند با آنان، به مثابه پیوند با خانواده بزرگ ایمان است که ما عضوی از آن هستیم زیرا پدران

۱. الامالی، صدوق/ ۲۷۶؛ بحار الأنوار ۳۸۳/ ۶۶ ح ۴۶.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۹۵.

معنوی ما پیامبر و امیرمؤمنان اند و پیوند با این خویشان، ضروری است. آیه‌ای در قرآن است در مدح کسانی که به دستور خداوند، اهل پیوند و اتصال اند - البته پیوند با کسانی که خدا دستور داده است :- «آنان که به آنچه خدا دستور به پیوندش داده، پیوند می‌گیرند»؛ در تفسیر این آیه، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که منظور از این پیوند را سؤال کرده بود، فرمود: «یکی از مصادیق آن، صله رحم است و تأویل نهایی آن، پیوند برقرار کردن تو با ما خاندان پیامبر است».<sup>۱</sup> این یعنی این که باید به خانواده پیامبر پیوست و با امامان، پیوند برقرار نمود و لذا است که صله با خاندان رسالت، يك امر ضروری برای اُمت می‌شود که خدا در قرآن به آن دستور داده است و این مقدمه تقویت بنیان اجتماع و وحدت جامعه حول محور رهبری خاندان رسالت است.

اگر بالاترین نعمت جهان، نعمت هدایت است، بیشترین حق را بر ما کسانی دارند که موجب هدایت ما شده‌اند. به همین خاطر، بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایات، هر مؤمن پیش از آن که به خویشان نسبی و سببی خویش اتصال و محبت آنان را در دل داشته باشد، باید پیوند استوار و محبت شدید نسبت به پیامبر و اهل بیتش داشته باشد. لذا بر ما است که همواره صله و پیوند با آنان را برقرار داشته باشیم و با انواع گوناگون پیوند که توضیح داده خواهد شد، این ارتباط را حفظ کرده و پیوند را مستحکم داریم. نخستین عامل پیوند، عمل به دستورات آنهاست که موجب خشنودی آنان می‌گردد و دیگر عوامل عبارتند از: دوستی

۱. رعد: ۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۸، ح ۴۰.



با دوستان و دشمنی با دشمنان شان؛ دفاع و پشتیبانی از باورهای آن‌ها، مبارزه علمی با مخالفان باورهای آن‌ها، نجات گمگشتگان، یادکرد آنان از طریق زیارت مشاهد مشرفه آنان، زیارت از راه دور و اهداء حسنات و نیکی‌ها به آنان و نیابت از ایشان در امور خیر و احسان و مستحبات و...

کسانی که صله و پیوند خود را با پیامبر خدا و اهل بیت ایشان قطع کرده باشند، مورد خشم الهی قرار می‌گیرند و از مصادیق بریدن از اوامر الهی در آیه «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» یعنی «آنان که آنچه را خداوند به صله و پیوستن بدان فرمان داده، می‌گسلند»، می‌شوند که از نظر قرآن، زیانکار و دوزخی هستند. ساده‌ترین و عمومی‌ترین پیوند در میان سایر روش‌های پیوند، درود فرستادن و صلوات بر آن‌هاست. با صلوات و عرض سلام از راه دور می‌توان این زیارت و صله رحم را انجام داد و از شرور قطع صله رحم در امان ماند؛ چنانکه خداوند نیز بر این مطلب در قرآن فرمان داده است و خود و فرشتگانش نیز بر آنان درود و صلوات می‌فرستد: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید»<sup>۱</sup> (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)؛ لذا باید همواره ورد زبان ما باشد: اللهم صلِّ على محمدٍ وآل محمدٍ و عجل فرجهم.

۱. بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۵.

## بخشش مالی

از مصادیق پیوند با خدا، انفاق و بخشش مالی است. انفاق چنان مهم است که قرآن فرموده است: «به مقام نیکی نمی‌رسید (و در جرگه نیکان در نمی‌آیید) مگر آن‌که از آنچه دوست می‌دارید، انفاق و بخشش نمایید»، صرف مال در راه دوست، نشانه دوستی حقیقی است؛ یعنی چیزی را از او دریغ نکردن و مال را در راه او بذل کردن. بنابراین بخشش مادی یک مصداق از پیوند با مولای زمان، حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله‌فرجه شمرده شده است.

در روایات برای ارزش این عمل، گاهی تا چندین برابر پاداش الهی را برشمرده‌اند و به این کار مترتب دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «یک درهم که امام به آن صله می‌شود از کوه احد سنگین‌تر است»<sup>۱</sup>؛ و نیز: «یک درهم که با آن امام علیه‌السلام صله شود از دو میلیون درهم در سایر کارهای نیک بهتر است»<sup>۲</sup>. یعنی نمی‌توان برای سنگینی و عظمت مالی که در راه امام، خرج می‌شود، حدی تعیین نمود، عظمتش بسان کوه احد است. امروز هرگونه کمک مالی به برنامه‌های مهدوی که به طور صحیح و علمی و بدون شائبه دنیوی، نام و یاد و راه امام را تبلیغ و ترویج می‌کنند، از گونه‌های صله مالی با آن حضرت است. مال که مسئله‌ای نیست، جان را هم در راه او باید بذل نمود.

۱. آل عمران: ۲۹.

۲. اصول کافی ۱/۸۳۵.

۳. همان ۲/۶۵۱.



نباید پنداشت که امام علیه السلام، نیازی به اموال ما دارد؛ خیر، این ما هستیم که نیازمند آن هستیم که با بخشش مال خود در راه آن حضرت، به خود آبرو بخشیم و مال خود را متبرک و پاک کنیم؛ لذا فرموده اند: «هر کس بپندارد که امام به آنچه در دست مردم هست احتیاج دارد کافر است، جز این نیست که مردم نیازمند این هستند که امام از ایشان بپذیرد. خداوند عزوجل فرموده: از اموال آنها صدقه بگیر زیرا آنها را به وسیله آن، پاک و تزکیه می‌نمایی.»<sup>۱</sup> خود امام عصر ارواحنا فداه هم فرمود: «ما را نیازی به اموال شما نیست، اگر می‌پذیریم برای پاک شدن شماست و گرنه آنچه خدا به ما بخشیده از آنچه به شما بخشیده بهتر است.»<sup>۲</sup> خداوند برای این بخشش مالی هم مقدار معین و مشخصی تعیین ننموده است. یک حدش واجب است که آن سهم مبارک امام از خمس است که در کتب فقهی آمده و حد دیگرش احسان و مبرات و بخشش‌های خیر است که در مسیر تبلیغ راه امام و نشر معارف مهدوی و تعلیم و تربیت مدافعان دین و دستگیری و رسیدگی به دوستان امام و رفع اختلاف بین آنها و تقویت نهادهای مهدوی که به راستی برای مرزبانی دین تلاش و مجاهده می‌نمایند.

آیا صله مالی و بخشش‌های مادی، فقط مخصوص ثروتمندان و متمکنین است؟ خیر! هر کس به اندازه توان خویش، کم یا زیاد، باید این صله مالی را انجام دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «صله آل محمد علیهم السلام را از اموال خود وا مگذارید هر که غنی است به مقدار مُکنتش و هر کس فقیر است به میزان توانش؛ پس هر که

۱. مکيال المکارم ۲/۳۵۳.

۲. احتجاج ۲/۲۸۱.

می خواهد خداوند مهم ترین خواسته اش را از او بر آورد، باید که آل محمد علیهم السلام و شیعیان شان را به آن چه بیشتر از همه به آن نیاز دارند، صله نماید.<sup>۱</sup> ترک کنندگان صله مالی نیز در کلام امام باقر علیه السلام این گونه توصیف شده اند: «هر کس یک سال بر او بگذرد در حالی که از مال خودش، کم یا زیاد، صله ما را ننماید خداوند روز قیامت به او نظر نخواهد کرد. مگر آن که مشمول عفو الاهی گردد».<sup>۲</sup> این صله ها، به علاقه بیشتر فرد به ساحت اهل بیت علیهم السلام می انجامد زیرا از چیزی که محبوب اوست (یعنی مال)، برای محبوب عزیزترش (یعنی امام) می گذرد و بدین وسیله محبتش افزون تر می گردد.

در روزگاران غیبت این بخشش مالی، ارزش بیشتری می یابد؛ زیرا بخشندگان مالی گویی نمایندگان امام اند که کاستی های مالی جامعه را برطرف می نمایند و نمی گذارند خللی در امور دین و مؤمنین، ایجاد شود یا حداقل آسیب ها را کمتر می کنند. عمار سبابطی می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کدام یک بهتر است: عبادت پنهانی با امام در دولت باطل، یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت امام آشکار از شما؟ فرمود: ای عمار! به خدا، صدقه در سراز صدقه آشکارا بهتر است؛ به خدا سوگند همین طور، عبادت شما در پنهانی با امام پنهان تان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنان تان، بهتر است از کسی که خدای عزوجل را در زمان ظهور حق با امام برحق و ظاهر در دولت حق عبادت نماید.<sup>۳</sup>

۱. بشارة المصطفی / ۶.

۲. البرهان / ۱/۲۹۷.

۳. اصول کافی / ۱/۳۳۳.



باید دانست همین بخشش مالی، معنویت خاصی به کسب و کار و دارایی‌های افراد می‌بخشد زیرا آن‌ها با این نیت به اموال خود می‌نگرند که بخشی از آن متعلق به محبوب‌شان یعنی همان جان جهان است و در راه او مصرف می‌گردد.

## مرزبانی

مرابطه و مرزبانی از حریم دین و میهن اسلامی از وظایفی است که بر عهده همه ایمان مداران است، چطور کسی که می خواهد با امام پیوند داشته باشد، از آن غافل باشد؟ مرابطه، از ریشه «ربط»، به معنای مواظبت کردن (از طریق بستن و منع کردن و جلوگیری نمودن و راه را بر دشمن سد نمودن) و در يك کلام مرزبانی کردن است تا دشمنان نتوانند به برج و باروهای دارالایمان وارد شوند. این مأموریت، از این آیه قرآن برآمده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید (در دین داری) صبور باشید و یکدیگر را به مقاومت [در برابر دشمن] سفارش کنید و از مرزها نگهبانی نمایید، و از خدا پروا بدارید، باشد که رستگار شوید»<sup>۱</sup>؛ امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «یعنی در راه خدا مرزبانی کنید و ماییم راه خدا که واسطه خدا و خلقیم و ما نزدیک ترین مرزیم. هر کس در راه دفاع از ما تلاش کند، او در راه دفاع از پیامبر و آنچه از جانب خدا فرود آمده تلاش کرده است»<sup>۲</sup>. امام در این حدیث روشن می فرمایند دفاع از امامت و حریم امامان، همان مرابطه و مرزبانی است.

از آنجا که معرفت امام، بر هر کسی واجب است و عدم شناخت امام، بی بهرگی از ایمان و بسان زندگی در عصر جهالت است، می توان گفت مرزبانی از دین، مرزبانی از باور امامت است. این سخن، ترجمان سخن پیامبر است که فرمود: «هر کس بمیرد و امام

۱. آل عمران: ۲۰۰.

۲. تفسیر عیاشی ۱/۲۱۲، ح ۱۸۱.

زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.<sup>۱</sup> این معنا می‌رساند که پاسداری از باورهای دین به ویژه امامت، چنان از اهمیت برخوردار است که عدم اعتقاد به آن با دوران جاهلیت، همانند شده است. يك مرزبانی، مرزبانی از خاك و نفوس است و مرزبانی دیگر، حفظ مرزهای اعتقادی و باورها در برابر یورش شیطان و دستیاران اوست؛ و این دفاع و جهاد هزاران برابر برتر از دفاع از مرزهای جغرافیایی است. امام عسکری علیه السلام در این زمینه از قول امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دانشمندان از شیعیان ما همانند مرزبانانی هستند که در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند. آگاه باشید ارزش آن دانشمندان که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند، هزار هزار بار بالاتر از سپاهیان است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر، پیکار می‌کنند، زیرا دانشمندان، نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام، و مدافع دین دوستان ما هستند، در حالی که مجاهدان حافظ بدن‌ها و مرزهای زمینی هستند.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در واقعه تاریخی غدیر خم، وظیفه سنگین دیگری را بردوش همگان نهاد و آن مأموریت تبلیغ بود: آن حضرت پس از ابلاغ فرمان خدا در تعیین تکلیف رهبری امت پس از خویش فرمود: «باید این پیام را تا روز قیامت، حاضران به غائبان

۱. صحیح مسلم، ۳/۱۴۷۸؛ مسند احمد، ۲۸/۸۸؛ مسند ابی داوود، ۳/۴۲۵؛ الکافی، ۳/۵۸ و ۱/۳۷۶.

۲. احتجاج، ۱/۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵، ح ۸.



و پدران به فرزندان برسانند.<sup>۱</sup> از آن روز تا کنون - یعنی در طول چهارده قرن - مرزبانی دینی و تبلیغ آموزه‌های وحیانی به عنوان يك مأموریت بر دوش مسلمانان قرارگرفت. اگرچه قرآن کریم پیش از آن از تبلیغ سخن گفته بود: «کسانی که رسالت‌های الاهی را ابلاغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است»<sup>۲</sup>. اما با مأموریت غدیر، مسئولیت انسان‌های باورمند به اسلام و پیامبر، مضاعف شد چون باید همراه ابلاغ آموزه‌های دینی، پیشوای برحق دین را هم معرفی می‌نمودند. بی‌تردید، پیشوایان و امامان معصوم به نصب الاهی، می‌توانستند جانشینان پیامبر باشند و دین خدا را آن‌گونه که هست بدون تحریف، به نسل‌های بعد منتقل سازند.

با این نگاه، هر انسانی که به مرزبانی فرهنگ دینی می‌پردازد، مجاهدی است که در مقابل لشکر ضلالت پیشه ابلیس، جهاد می‌کند و مانع اغوا و گمراهی مردم می‌شود. اگر او این مأموریت را انجام ندهد، راه نفوذ شیاطین باز می‌شود لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد این مرزبانان فرهنگی فرمود هر يك از دانشمندان امت اسلامی که از دنیا برود، نقطه‌ای که او از آن حراست می‌کرده خالی خواهد ماند به‌گونه‌ای که هیچ‌چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن گردد: «خداوند، عالمی را از میان این امت نبرد، مگر این‌که رفتن او رخنه‌ای در اسلام باشد که تا روز قیامت، این رخنه بسته نمی‌شود»<sup>۳</sup>. امروز بیش از هر زمان دیگر، فرهنگ امامت و مهدویت

۱. مناقب علی بن ابی طالب ح ۱۵۵. الفصول المهمه، فصل اول. المناقب الثلاثة ۱۸-۱۹ باب اول.

۲. احزاب: ۳۹.

۳. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵.

مورد هجوم دشمنان فرهنگی است؛ همه موظف‌اند به قدر توان، از امام عصر ارواحنا فداه و امامت ایشان، مرزبانی کنند و نگذارند جوانان ما زیر بمباردمان شبهات آن دشمنان از مولای زمان جدا شوند و به لشکر کفر و بی‌دینی افزوده شوند، بلکه برعکس از لشکر آنها، افرادی را نجات داده و مهدوی سازند. این از مهم‌ترین مصادیق پیوند با جان جهان است.

انسان، زیرا این آسمان کبود، چه کسی را مهربان‌تر از امام - که نماینده خداست - پیدا کند برای دوستی و پیوند؟! امام خلیفه خدا و راهنما و پیشوای انسان‌هاست؛ از او نزدیک‌تر به خدا نداریم؛ او مهربان‌ترین، عابدترین، داناترین و خوب‌ترین بنده خداست؛ اگر انسان به او نزدیک شود و حبل ولایش را به محبت او پیوند زند به معدن خوبی‌ها گره خورده است.

دستور صله و پیوند را خود خدا در قرآن داده است: «این مردم با ایمان هستند که به فرمان خدا با کسانی که باید پیوند دوستی نمایند، صله و پیوند می‌کنند»<sup>۱</sup> و اینان همان امامان از اهل بیت پیامبرند که مودت با آنان اجر رسالت است: «ای پیامبر! به مردم بگو: من از شما بر این (رسالت خود) هیچ مزدی جز مودت نزدیکانم را نمی‌خواهم»<sup>۲</sup>. امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «رَحِمَ مَا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به عرش الهی متصل بوده و پیوسته می‌گوید: خدایا رحمت کن کسی را که به من صله کرد و جدا و قطع کن هر کس را که صله ما را قطع نماید»<sup>۳</sup>. پیوند با امام زمان عجل الله فرجه الشريف به قدری مهم است که بعضی از دانشمندان، بابی از کتاب خود را به صله با امام اختصاص داده‌اند.<sup>۴</sup>

۱. رعد: ۲۱.

۲. شوری: ۲۳.

۳. تفسیر جامع ۴۷۹/۳.

۴. مکیال المکارم ۲/۳۵۰.



چگونه می‌توان قلب خود را مالا مال از محبت او کرد؟ چیست  
 معنای این فراز از زیارت آل یاسین که می‌گوید: «خدایا! از تو  
 می‌خواهم که سینه‌ام را از نور دوستی محمد و آل محمد، سرشار  
 کنی، تا آن زمان که تو را ملاقات کنم» (وَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ...  
 وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُؤَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى الْقَاكِ)؛ محبت و مهر،  
 گوهری است که قلب و وجود هر انسانی را سرشار از نشاط می‌کند.  
 ریشه این محبت، به محبت پیامبر اکرم ﷺ برمی‌گردد که حق  
 بزرگی بر همه ما دارد: حق وجود، حق هدایت، حق پدری و حق  
 حیات معنوی. خود ایشان فرمود: «خدا را دوست بدانید به خاطر  
 نعمت‌هایی که به شما ارزانی می‌دارد و مرا دوست بدانید به دلیل  
 آن که خدا را دوست دارید و خانواده‌ام را دوست بدانید به سبب  
 آن که مرا دوست دارید»؛<sup>۱</sup> همچنین فرمود: «هیچ‌یک از شما ایمان  
 ندارد، مگر آنگاه که مرا از فرزند و پدر خود و از همه مردمان دیگر  
 بیشتر دوست داشته باشد»؛<sup>۲</sup> و در سخنی دیگر فرمود: «هیچ‌یک از  
 شما ایمان ندارد، مگر آنگاه که مرا از خودش بیشتر دوست داشته  
 باشد و نیز خانواده مرا از خانواده خودش و خاندان مرا از خاندان  
 خودش و نسل مرا از نسل خودش بیشتر دوست داشته باشد».<sup>۳</sup>  
 نهایتاً فرمود: «هیچ بنده‌ای ایمان ندارد مگر آنگاه که مرا از خودش  
 دوست‌تر بدارد و خاندان مرا از خاندان خودش و خانواده مرا از  
 خانواده خودش و جان مرا بیشتر از جان خودش دوست بدارد».<sup>۴</sup>

۱. علل الشرائع، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ امالی، طوسی، ص ۲۷۸ و ۵۳۱.

۲. کنز العمال، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۹۳.

۴. علل الشرائع، ج ۳، ص ۱۴۰.

این یعنی این که مرا و خاندانم را عزیزتر از جان خویش دوست  
بدارد. (دل سراپرده محبت اوست / دیده آینه دار طلعت اوست /  
بی خیالش مباد منظر چشم / زان که این گوشه جای خلوت  
اوست / تو و طوبی و ما و قامت یار / فکر هر کس به قدر همت  
اوست).

چه کسی بهتر از امام که محبتش در قلب ما جا بگیرد؟ امامی  
که خوب ترین و مهربان ترین و دلسوزترین است به ما. کسی که  
محبوب ترین نزد خداست؛ کسی که محبوب همه انبیاء و  
اصفیاست؛ کسی که محبوب خاتم الانبیاء و علی مرتضی و  
فاطمه زهراست؛ کسی که محبوب امامان و اولیاست؛ این شما و  
قلب تان. ببینید مهر چه کسی در قلب شماست؟! دلتان برای چه  
کسی تنگ می شود؟ در خلوت و جلوت، یاد او می کنید؟

آری، کسی را که دوست می داری، دائم در فکرش می باشی و  
یادش می کنی و دلت برای او می تپد و برای سلامتی اش صدقه  
می دهی و به جهت مصون ماندنش از گزندها برایش دعا می کنی  
و دعا برای او را بردعای برای خودت مقدم می داری و برایش هدایا  
می فرستی و خانه را برای پذیرایی شایسته از او آماده می نمایی و  
اگر از تو دور است در جستجویش برمی خیزی و هر کجا بروی نشانی  
از او می جویی و اگر پیامی بدهد و از تو کاری بخواهد بی درنگ  
به انجام خواسته اش اقدام می کنی و در خلوت خویش با او سخن  
می گویی و با اشعار و سخنان زیبا با او نجوا می کنی و برای جلب  
رضایت او از هیچ کاری کوتاهی نمی کنی و در غمش، غمگین  
و در شادی اش، شادان می شوی و برای دیگران، خوبی هایش را  
می شماری تا به صف دوستانش بیفزایی و هزاران کار دیگر که

هرکس برای محبوبش انجام می‌دهد تا چه رسد به امام که محبوب  
خدا و محبوب همه انبیا و امامان و صالحان و پاکان است و  
محبوب منتظران و چشم‌به‌راهانش:

من که باشم در آن حرم که صبا / پرده دار حریم حرمت اوست /  
بی‌خیالش مباد منظر چشم / زان که این گوشه جای خلوت  
اوست / گر من آلوده دامنم چه عجب / همه عالم گواه عصمت  
اوست.



## پاسِ انتساب

فرزند شما به شما منسوب است، اگر نیکوکار شود موجب سربلندی شماست و اگر خدای نکرده نابکار شود، سرشکستگی و خجالتش برای شماست. ما منسوب به مولای خود هستیم. او پدر اُمّت است و اُمّت اگر صالح باشد، موجب خشنودی و رضایت امام است و اگر ناصالح باشد، این پدر است که اندوهگین و دل شکسته می‌شود. در نامه‌ای که آن حضرت به شیخ مفید نوشتند،<sup>۱</sup> از واژه «اشیاعنا» - یعنی شیعیان ما - استفاده نمودند یعنی شیعیان شان را به خود منسوب نمودند. این انتساب برای شیعیان بسیار مهم و افتخارانگیز است. چه افتخاری بالاتر از این که امام، ما را مال خود بداند! یک بار دیگر نیز آن حضرت در دعای خود که سید بن طاووس در سرداب از آن حضرت شنید،<sup>۲</sup> واژه شیعتنا - یعنی شیعیان ما - را به کار برده و جملات محبت‌آمیزی را بیان نموده که از علاقه شدید ایشان به پیروان شان حکایت دارد. بدون آن که بخواهیم وارد محتوای هر دو پیام بشویم، عرض می‌کنیم که این انتساب با این که برای ما موجب مباهات است اما مسئولیت سنگینی را هم بردوش ما می‌گذارد.

خوب است مثالی بزنیم و حدیثی را شاهد بیاوریم. یکی از منسوبین یا دوستان امام صادق علیه السلام به نام شقرانی، دچار مشکلاتی شد و از امام تقاضای کمک نمود. امام، مقداری پول که رفع مشکل او را می‌کرد به او دادند و یک جمله تاریخی بیان نمودند. به او

۱. احتجاج ۲/۳۱۵؛ بحار الأنوار ۵۳/۱۷۷.

۲. بحار الأنوار ۵۳/۳۰۲.

فرمودند: «ای شقرانی! کار نیک از هر کسی زیبا و ستوده است و از تو ستوده تر است به خاطر انتسابی که به ما داری؛ و کار بد از هر کسی زشت است اما از تو (که انتساب به ما داری) زشت تر است.»<sup>۱</sup> ظاهراً شقراوی مرتکب گناهی شده بود که حضرت خواستند به طور غیرمستقیم، ضمن برآوردن حاجت او، تذکری به او بدهند که مواظب رفتارهایت باش که اسیر وسوسه های شیطانی نشوی و مرتکب گناه نگردی، چون تو را منسوب به ما می دانند و تبعات کار تو دامن ما را هم می گیرد و موجب طعنه دشمنان می شود که مثلاً دوستان یا منسوبین امامان هم مرتکب چنین قبایحی می گردند. آن جمله تاریخی باید سرمشق همه پیروان امام زمان باشد که: کار نیک از هر کسی زیباست اما از منسوبین به امام زمان، زیبا تر است و کار بد، از هر کسی نکوهیده است و از منسوبین به آن حضرت، نکوهیده تر.

نفس این محبتی که امام به شیعیان خود دارد، امواج شور و نشاط را در قلوب آنان به جنبش می آورد. این که قطب عالم امکان کسی را بپذیرد و به خود منسوبش نماید و برای سرنوشت او نگران باشد و برایش دعا کند و به فکرش باشد و نزد خدا شفاعتش نماید و برای نامه اعمالش، از حسنات خود هدیه دهد، چقدر افتخار انگیز است؟ سید بن طاووس، آن عالم بزرگواری که توفیقات بسیاری در دیدار امام داشته و حتی آهنگ صدای حضرت را می شناخته است می گوید: برای زیارت به سرداب مقدس می رفتم، وسط پله ها صدای مناجاتی شنیدم، از لحن صدا متوجه شدم که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه در محراب، مشغول عبادت اند. دیدم حضرت

پیوند با جهان جهان

می فرمایند: پروردگارا! همانا شیعیان ما از ما هستند (متعلق به ما و منسوب به ما)، آنان از افزونی طینت ما آفریده شده‌اند، در شادمانی ما، شادند و در اندوه ما اندوهگین‌اند. خدایا گناهی را که آنان به چشمداشت شفاعت ما مرتکب شده‌اند بیامرزد... و در ادامه فرمودند: خدایا اگر روز قیامت، سیئاتشان زیاد بود، من طاقت ندارم دوستانم پیش چشم دشمنانم عذاب بشوند، اگر هیچ راهی نبود، از عبادات و حسنات من بردار و بر حسنات ایشان بیفزای تا راهی بهشت شوند!

آیا به چنین دریای رحمتی نباید پیوست و پیوند با او را محکم‌تر نمود؟ زیبا نیست کردارهایی از ما سرزند که دل آن حضرت را به درد آورد و موجب سستی پیوند شود. وفای به پیمانی که با امام دارند، همدلی و اجتماع قلوب، مهم‌ترین راهکار بیان شده است که در همان نامه به شیخ مفید آمده است: «اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم»<sup>۱</sup>. پیام امام گویاست و نیازی به شرح افزون‌تر نیست.

۱. نجم ثاقب، باب هفتم، حکایت ۱۹.

۲. احتجاج ۲/۶۰۳.



## احساس حضور

دیگر از گونه‌های پیوند و صله با امام، احساس حضور کردن نسبت به امام و ایشان را شاهد و ناظرِ خود دیدن است؛ امام اگرچه غائب است اما در همه جا و همه موقعیت‌ها حضور دارد. ممکن است بگویید ظهور و غیبت، دو مفهوم متضاد هستند و قابل جمع نیستند. اگر کسی حاضر باشد، دیگر غائب نیست و اگر غائب باشد، دیگر حاضر نیست. چطور می‌توان این دو مفهوم متضاد را با هم جمع نمود و کسی را «حاضر غائب»، نامید؟ می‌گوییم: در يك صورت می‌توان این تعبیر را به کار برد که یکی از این دو-یعنی حضور و غیبت- را معنوی بگیریم: گاهی غیبت، جسمانی است ولی حضور معنوی است مثل این‌که کسی خودش در مجلس حضور جسمانی ندارد اما از طریق بران مجلس کاملاً اشراف دارد و افراد حضور معنوی او را می‌توانند احساس کنند. گاهی هم فرد، در مجلس است اما دلش جای دیگری است و گویی در مجلس، حضور ندارد چنان‌که شاعر گفته است: هرگز وجود حاضر غائب شنیده‌ای؟ / من در میان جمع و دلم جای دیگر است!

امام، اگرچه در غیبت هستند اما به لحاظ مقام امامت و خلیفة‌اللهی، حضور معنوی داشته و بر همه امور به اذن الاهی مطلع هستند و مردم می‌توانند ایشان را حاضر تلقی کرده و حضورشان را احساس کنند. یعنی همان‌طور که مثلاً خدای عزوجل را در قلب خود حاضر و آگاه نسبت به همه امور می‌دانند، وجود نماینده و خلیفه او را هم حاضر بدانند که در این صورت می‌توان عبارت

«حاضر غائب» را برای ایشان به کار برد. یعنی غیبت امام، غیبت جسمانی و حضورشان معنوی است. همچون عطر و بوی گل که حضور دارد و دیده نمی‌شود! و شاعر، خیلی زیبا، حضور امام را این‌گونه به شمیم گل تشبیه نموده است: باز آئی ای چوبوی گل از دیده‌ها نهران / کز رنج انتظار تو پشت فلک خمید...!

چنین است که در دعای ندبه می‌خوانیم: «جانم به فدایت، تو پنهان شده ای هستی که از میان ما بیرون نیستی! (بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا) و ادامه می‌دهیم: جانم به فدایت، تو آن دوری هستی که از ما دور نیستی (بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا).

خود امام هم در نامه به شیخ مفید رحمته فرمودند: ما از همه اخبار شما مطلع هستیم و چیزی از امور شما بر ما پوشیده نیست (فإننا نحيط علمنا بأنبائكم ولا يعزب عنا شيء من أخباركم). لذا غیبت ایشان، فقط غیبت جسمانی است که با چشم ظاهری ایشان را نمی‌بینیم ولی کاملاً بر ما اشراف داشته و حضور معنوی دارند و این به خاطر مقام امامت و خلیفه‌اللهی ایشان است. آری آن عزیز، وجود «حاضر غائب» است. او همه جا حاضر است هرچند ظاهر نباشد.

چنان‌که گفتم غیبت او جسمانی است که یا ایشان را نمی‌بینیم یا می‌بینیم و نمی‌شناسیم اما او مظهر غیب خداست که این غیبت به معنای عدم احاطه علمی نیست. همان‌گونه که وجود خدا را احساس می‌کنی و با او سخن می‌گویی با ولی الله نیز سخن بگو و درد دل کن و نیازهایت را برشمر و حاضرش بدان و خود را در مشهد او احساس کن که شاهد رفتار و اعمال توست و مباد

که کاری کنی که مورد رضایت او نباشد و بدان که اگر در راه او به خدمت او مشغول باشی، او می بیند و خشنود می شود و یاری می کند و به دعای او سعادت مند خواهی شد.

اگر کسی حضور امام را احساس کند، حالتش، حالت دیگری خواهد شد؛ شما وقتی در اتاق، تنها هستید، يك حالت دارید اما وقتی فرد دیگری حتی يك نوجوان هم در اتاق باشد، شرایط دیگری خواهید داشت. چطور انسان خود را در محضر قطب عالم امکان حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه ببیند و اعمال و رفتارش تغییر نکند؟ این است که احساس حضور، يك عامل معنوی قدرتمندی می شود که فرد را به سوی ترقیات معنوی می برد و از او انسان دیگری می سازد و او را به يك منتظر حقیقی تبدیل می نماید دارای این ویژگی ها: توبه از خطاها و گناهان و تلاش برای طهارت نفس از محرّمات فکری و عملی؛ محاسبه خویش در پایان هر روز به این که امروز چه کارهایی در جهت پیوند و دوستی امام انجام داده ام؛ بذل مال و ثروت و تخصص و هنر و مهارت خویش در راه خدمات مهدوی، تربیت نسل منتظر و مرزبان و مدافع امامت و مهدویت و ازدیاد یاران و دوستان آن حضرت، از طریق تربیت و تبلیغ و تألیف و آموزش و همایش و مجالس مهدوی.

## عرض اعمال

کارمندان، همواره از این که گزارشی از خطاهای آن‌ها به کارفرمایان و مدیران شان داده شود، اندیشناک و مضطرب می‌شوند؛ هیچ کس دوست نمی‌دارد، گناهان و خطاهای او به ویژه آن‌ها که مستوجب جزا و تنبیهی باشد، در معرض دید افراد به خصوص بزرگان و اولیای امور قرار گیرد؛ از همین روست که در متون دینی بابی است به نام عرضه و ارائه و گزارش اعمال انسان‌ها به خدا و پیامبر و امامان؛ تا هشدار می‌باشد برای افراد از این بابت که بدانند رفتارشان در معرض دید خدا و اولیای اوست و این گزارش‌ها می‌تواند به خسران ابدی آن‌ها بیانجامد؛ لذا دقت کنند کاری که موجب ناخشنودی آن‌ها شود، مرتکب نشوند. آیه قرآن که به این امر، اشاره می‌کند، چنین است: «بگو: (هر گونه که می‌خواهید و می‌توانید) عمل کنید، زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان کار شما را می‌نگرند و بزودی به سوی دانای غیب و آشکار بازگردانده می‌شوید، پس شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد».<sup>۱</sup>

در روایات، مقصود از مؤمنان در این آیه را امامان گفته‌اند که خداوند آنان را از اعمال ما آگاه می‌سازد.<sup>۲</sup> عبدالله بن ابان زیات گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم که برای من و خاندانم دعایی بکنید. حضرت فرمودند: «مگر من دعا نمی‌کنم! به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شبی بر من عرضه می‌شود، لذا

۱. توبه: ۱۰۵: قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَتُسْرَدُونَ اِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.  
۲. تفسیر کنزالدقایق، ذیل آیه فوق.



در هر مورد که مناسب باشد دعا می‌کنم». عبد الله گوید: از این حرف امام تعجب کردم. امام وقتی متوجه تعجب من شدند، فرمودند: «آیا کتاب خداوند را نمی‌خوانی، آن جا که می‌فرماید (وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؟<sup>۱</sup> همچنین نقل شده که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به مردی که در مجلس آن حضرت حضور داشتند، فرمودند: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله را از خود می‌رنجانید؟ شخصی از حضرت سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا، ما چگونه رسول خدا را ناراحت می‌کنیم؟ حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانی که اعمال شما بر رسول خدا، عرضه می‌شود، پس اگر معصیتی در اعمال شما مشاهده نماید، باعث ناراحتی خاطر او خواهد شد؟ پس با اعمال بدتان پیامبر اکرم را ناراحت نکنید، بلکه سعی کنید با اعمال خوبتان او را مسرور سازید».<sup>۲</sup>

از امام مهدی علیه السلام روایت شده که اعمال امت در هر دوشنبه و پنج شنبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود و به آن آگاه می‌گردند. همچنین بر ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود و به آن علم پیدا می‌کنند.<sup>۳</sup> روایات عرضه اعمال بر پیامبر و امامان، به اندازه ای است که مرحوم شیخ کلینی رحمته الله در کتاب شریف کافی در جلد نخست، بابی را به همین نام به آن اختصاص داده است و روایات مربوط به آن را نقل نموده است. همچنین دیگر متون روایی نیز این روایات را قبل و پس از ایشان نقل کرده‌اند. در این میان این روایت، از روایات شگفت است: ابراهیم بن مهزم گوید: شبی با مادرم تند سخن گفتم و بر او خشمگین شدم؛ صبح که به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم، پیش

۱. الکافی ۱/۲۱۹ حدیث ۴.

۲. همان، حدیث ۳.

۳. ۳۶. نجم ثاقب، باب ۱۱.

از آن که سخن بگویم، امام فرمود: ای ابامهزم، چه شده که با مادرت خشمگینانه سخن گفتی؟ آیا نمی دانی که در بدن او خانه داشتی و در دامن او آرمیدی و از سینه او نوشیدی؟! عرض کردم: آری؛ حضرت فرمود: «با او با تندی و غلظت، سخن مگوی!»<sup>۱</sup> این روایت ضمن آن که احاطه امام را بر یک واقعه خصوصی زندگی یک فرد را می رساند، سند زیبایی بر مکانت مادر و ادب گفتگو با اوست و رعایت مقامش را گوشزد می نماید.

روایت جالب دیگری در همین زمینه از مزارم نقل شده که گوید در شهر بانویی را دیدم و محو او شدم و از زیباییش به شگفت آمدم؛ صبح هنگام که خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، آن حضرت به من فرمودند: «ای مزارم، از شیعیان ما نیست کسی که در خلوت، مراعات دل خویش را ننماید...»<sup>۲</sup> و بدین ترتیب هم اطلاع خویش را حتی از اخبار خصوصی حتی قلبی افراد نشان دادند و هم او را نصیحت فرمودند. در روایتی دیگر امام رضا علیه السلام به تشییع جنازه ای حضور پیدا کرده و صاحب جنازه را به بهشت بشارت دادند. موسی بن سیار عرض کرد: آیا این مرد را می شناختید؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما هر صبح و شام بر ما عرضه می شود، اگر در آن ها تقصیری باشد از خداوند برای آن فرد عفو می طلبیم و اگر عالی باشد شکر خدا را به جا می آوریم؟<sup>۳</sup> بنا بر این کسی که به عرضه اعمال خود به امام باورمند باشد، حالت مراقبه و حیا در او بیشتر می شود و خود موجب تهذیب بیشتر او می گردد.

۱. بصائر الدرجات/ ۲۶۳.

۲. همان/ ۲۶۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۹۹.

## اهتمام به هدایت

نوع دیگر صله و پیوند با امام، رساندن افراد دور افتاده و یا بُریده از راه، به امام است که از آن‌ها در روایات با عنوان «ایتام آل محمد علیهم‌السلام» یاد شده است: «یتیم‌تر از شخصی که پدر از دست داده، کسی است که دستش از امامش کوتاه است و از دست یابی به او ناتوان می‌باشد و نمی‌داند وظیفه‌اش در آن چه برای او پیش می‌آید، چیست؛ آگاه باشید! هر کدام از شیعیان ما که عالم به علوم ما باشد و این جاهل نسبت به دین و راه و روش ما را که از دیدار ما محروم است، تحت سرپرستی خود بگیرد و هدایت و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد، همانا در رفیق اعلیٰ، هم‌جوار ما خواهد بود.»<sup>۱</sup> انسان منتظر و اهل پیوند، هرچقدر در این راه هزینه کند که سطح آگاهی و بینش و دینداری ایتام آل محمد علیهم‌السلام، زیاد شود، باز هم کم است؛ و هر میزان انرژی و توانی که صرف تربیت محبتین امام عجل‌الله‌فرجه گردد، باز هم جا دارد و نباید حتی لحظه‌ای و ذره‌ای از آن غافل بود زیرا کوتاهی در این امر خطیر موجب گمراهی ایتام آل محمد و افتادن آن‌ها در دام دشمنان دین خواهد شد که موجب خسران دو گیتی است.

اعضای یک جامعه با همه گونه‌گونی، همه به نحوی با هم پیوند دارند. عوامل گوناگونی مانند فرهنگ ملی، منابع مشترک، نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی، نیازهای اقتصادی و مالی و امثال آن، باعث اتحاد و همکاری و رابطه افراد جامعه با یکدیگر می‌شود؛ اما وحدت و پیوند دیگری نیز وجود دارد که

بسیار برتر و عالی تر از پیوندهای معمولی اجتماعی است و عوامل و انگیزه‌های این وحدت نیز از انگیزه‌های آن اتحاد برتر است: وحدتی شکوهمند، پیوندی مقدس، رفاقتی صادقانه و رابطه‌ای صمیمانه و بر مبنای ارزش‌های معنوی. زیربنای این وحدت و پیوند، عقیده و ایمان است. هدایت افراد جامعه به این عامل مهم و تلاش برای گسترش هدایت بین احاد جامعه از مهم‌ترین کارهاست. زیرا با هدایت است که جامعه‌ای پویا، بالنده و کمال مند می‌شود. اعضای این جامعه انسان‌هایی هستند مؤمن، پارسا، متعهد، شکیبا، صادق، رازدار، ایثارگر، خیرخواه، امین و در اندیشه بهره‌رسانی به دیگران و نه بهره‌بری از آنان. مشکل‌گشای یکدیگر، مرهم زخم‌های هم و آینه همدیگرند.

شخصی از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد: معنای این آیه چیست که پروردگار می‌فرماید: هر کس یک نفر را زنده کند، گویی تمام مردم را زنده کرده است؟<sup>۱</sup> حضرت فرمود: کسی که یک نفر را از گمراهی به هدایت راهنمایی بکند، مانند این است که او را زنده کرده است.<sup>۲</sup> پیامبر خدا - هنگامی که علی علیه السلام را به یمن می‌فرستاد - به او فرمود: «ای علی! هرگز با کسی جنگ مکن مگر این که قبلاً او را [به اسلام] دعوت کرده باشی که به خدا سوگند، اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند؛ و تو بر شخص هدایت شده ولایت داری.»<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام نیز فرمود: چون روز قیامت فرارسد، خداوند عز و جل، عالم و عابد را برانگیزاند. وقتی آن دو نزد خداوند

۱. مائده ۳۲.

۲. المحاسن ۱/۲۳۱.

۳. الکافی ۵/۲۸.



عزو جل حاضر می‌شوند، به عابد گفته شود: «به بهشت برو!»، اما به عالم مقام شفاعت می‌دهند و به او گفته شود: همینجا بایست و مردم را به خاطر تربیت کردن نیکویشان، شفاعت کن!<sup>۱</sup> تفاوت عابد و عالم از همین جا مشخص می‌شود. عالم کسی است که بکوشد دیگری را از ضلالت و گمراهی نجات دهد و عابد کسی است که فقط خود را با عبادت ارتقا می‌دهد؛ لذا امام کاظم علیه السلام فرمود: عالمی که رهایی دهد یتیمی از ایتام آل محمد علیهم السلام را و برای مردم احکام و روایات را بیان کند، مساوی است با هزار عابدی که جز عبادت کاری ندارد.<sup>۲</sup> یتیم حقیقی آن کسی نیست که پدرش مرده باشد، ممکن است همین شخص یکی از بزرگان بشود. یتیم حقیقی آن کسی است که از علم و ادب محروم مانده باشد. فاصله عابد و عالم در همین نکته دقیق است: همت عابد، نجات خویش است و همت عالم، نجات دیگران. عابد می‌خواهد خودش را رهایی بدهد اما عالم می‌خواهد به بندگان خدا آگاهی بدهد. شغل عالم، شغل انبیاء است. عالم تلاش می‌کند که بندگان خدا را از دست ابلیس و کارگزاران او خارج کند. حال کسی که چون عالم، به فکر نجات دیگران است، مورد محبت امام است و با این کار، پیوندش با مولایش، مستحکم‌تر می‌شود.

۱. علل الشرایع ۳۹۴/۱۱.

۲. بحار الأنوار ۲/۵.

## اجتماع قلوب

اگر دوستان امام زمان، آن جان جهان، در دوستی و پیوند با آن حضرت، صادق اند، نباید بین خود اختلاف و تفرقه داشته باشند؛ بلکه باید در راه دوستی و محبت امام خویش، با یکدیگر، همدل و متحد باشند. «اگر شیعیان ما (که خداوند طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، و دل‌های آنان با یکدیگر مجتمع و متحد بود، میمنت ملاقات ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت غیبت ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.»<sup>۱</sup> این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه‌ی مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای شیخ مفید رحمته فرستاده شده است. حضرت در این نامه، بعد از سفارش‌های لازم به شیخ مفید و دستورهایی به شیعیان، نبود صفا و یک دلی در بین شیعیان را سبب غیبت خود می‌شمرد.

انسان، موجودی اجتماعی است اما ویروس تفرقه که ناشی از هوای نفس و القائات شیطان است آن را تهدید می‌کند و آن اجتماع و وحدت را به انشعاب و تفرقه و تشتت می‌کشد و آدم‌ها را از هم دور می‌کند. بلای تفرّق، مبنای فروپاشی بسیاری از اجتماعات و تشکل‌ها بوده و هست. قرآن می‌فرماید: به ریسمان الاهی چنگ زنید (و بر اساس توحید، با هم مجتمع باشید) و متفرّق نشوید (و اعتصموا بالله جميعاً و لا تفرّقوا) و می‌فرماید: با

۱. احتجاج ۲/۳۱۵؛ بحار الأنوار ۱۷۷/۵۳.

یکدیگر نزاع نکنید که سست می شوید و مهابت و قوتتان از بین می رود (وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ). در جنگ ها نیز، از طریق ایجاد اختلاف در صفوف حریف و دشمن، آن ها را به تحمل شکست مجبور می نمودند. ضرب المثل «تفرقه بینداز و حکومت کن» (فَرِّقْ، تَسُدْ) ناظر به همین اصل است. نباید نعمت اجتماع و وحدت کلمه را قربانی هواهای نفسانی کرد.

جمع و جامع از هر موضوعی، آن است که همه ابعاد و ویژگی های آن موضوع را در خود داشته باشد. مثلاً زیارت جامعه را از آن جهت جامعه می گوئیم که تمام مفاهیم زیارات دیگر را در خود جمع دارد. در مقابل آن تفرق و پراکندگی و شعث است. لقب «جامع الکلم» و «جامع الکلمه» برای امام عصر ارواحنا فداه، در روایات و زیارات به کار رفته تا نشان دهد توسط آن بزرگوار، اتحاد و اتفاق کامل و جامع در جامعه ایجاد می شود و اوست وحدت بخش صفوف و از بین برنده پراکندگی ها و تفرقه ها و جدایی ها. در سلام به آن حضرت می گوئیم: سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه که وعده خداوند عز و جل به امت هاست، آن وجودی که به اختلافات پایان می بخشد و بواسطه وجود مقدسش پراکندگی اهل ایمان خاتمه می یابد (السلام علی المهدي الذي وعد الله عز و جل به الامم ان يجمع به الكلم و يللم به الشعث).<sup>۱</sup>

وحدت کلمه و اتحاد و اجتماع، محور می خواهد. محور این اجتماع هم، تقوی است. در فراز دعای ندبه می خوانیم: کجاست آن که بر پایه و محور تقوی، همگان را مجتمع و متحد می سازد؟

۱. دعای ندبه و زیارات امام عصر عجل الله تعالی فرجه، مفاتیح الجنان.

(أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى).<sup>۱</sup> در زیارت دیگری، این گونه به آن حضرت سلام می‌کنیم: سلام بر مهدی هدایتگر امت‌ها و تحقق بخش یگانگی و وحدت کلمه‌ها (السَّلَامُ عَلَى مَهْدِي الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ). از همین روست که یکی از القاب آن حضرت را «جمعه» گفته‌اند. جمعه یعنی روزی که مردم کنار یکدیگر جمع می‌شوند و مجتمعاً نماز می‌گذارند. امام نیز محور این اجتماع است که همگان بر محور وجود مبارك او، مجتمع می‌شوند. لذا است که هفتمین روز هفته که روز جمعه است متعلق به آن وجود مسعود است که جامع الكلم است (هذا يوم الجمعة و هو يومك).<sup>۲</sup> آیا وقتی آقا و مولای شما، محور اجتماع و اتحاد و یگانگی است، شایسته است که شما اهل تفرقه و جدایی و تکروی باشید؟ تعالیم دین و روش امامان ما بر محور وحدت و اجتماع است، دور از عقل است که ادعای پیروی از دین و آیین کنیم و اهل تفرقه باشیم. به مختصر بهانه ای اجتماع را رها کنیم و تکروی نماییم یا با بهانه ای كوچك و دلخوری اندك، از صفوف جماعت جدا شویم و آهنگ انشعاب یا انزوا زنیم! آیا اگر چنین کنیم مولای خود را خشنود نموده‌ایم یا دل خون؟ او ما را در مقابل دشمنان دین و آیین، متحد و قوی می‌خواهد نه زبون و ضعیف و فُشل. باید تحمل خود را بالا ببریم و اختلافات را با حوصله و صبر و حلم برطرف کنیم و «ید واحده» باشیم.

۱. دعای ندبه و زیارات امام عصر علیه السلام، مفاتیح الجنان.

۲. همان.

## پرهیز از گناه

پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها، پیش‌نیاز مهم در پیوند با پیشوای صالحان و امام خوبی‌هاست. نمی‌شود که حلقه یاران و نزدیکان و علاقمندان به امام را در گناه و بداخلاقی غوطه ور دید و در عین حال آرزوی قرب و نزدیکی به امام را از آنان شنید! سنخیتی لازم است بین افراد تا بتوان آن‌ها را قرین و معاشر هم دانست. وظیفه هر منتظری، پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام گردد، باید منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است.»<sup>۱</sup> تقوی و ورع، اسم جامع همه خوبی‌ها و پاکی‌ها و آراستگی‌هاست و پیوندیافته با امام صالحان، باید به تقوی آراسته باشد. وقتی منتظر از این دو ویژگی یعنی تقوی و حسن خلق، بهره‌مند باشد، مژده دهدش که مورد پسند مولایش قرار گرفته و از یاران اوست.

این معنا به شکل‌های گوناگون از سوی خود امام مطرح شده است. تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب‌الامر به مرحوم شیخ مفید، صادر شده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از دیدار با آن



حضرت شمرده شده است و فرموده‌اند: «پس هر يك از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب ناخشنودی و خشم ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد».<sup>۱</sup> آیا منظور امام علیه السلام از اموری که موجب ناخشنودی ایشان می‌شود، جز گناه چیز دیگری است؟ آیا موضوع توبه در همین عبارت، چیزی جز توبه از گناهان است؟ «... فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ ... پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود».<sup>۲</sup>

باید توجه داشت که ما تنها زمانی می‌توانیم خود را منتظر امام عدالت گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنان‌که در نامه امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است: «آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که راه او را بپوید و از نور دانش او روشنی جوید؛ بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و از طعام و خوراك، دو قرص نان را خوردنی خویش نموده است. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن».<sup>۳</sup> رضایت و خشنودی امام زمان و جان جهان در چیزی جز آنچه در کتاب خدا یا کلمات رسول خدا و دیگر امامان معصوم

۱. بحار الأنوار ۱۷۷/۵۳.

۲. همان.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

به آن‌ها اشاره شده، نیست. به بیان دیگر اگر کسی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات معصومین به آن‌ها امر شده عمل کند و از همه محرّمات و گناهانی که در این دو منبع الهی از آن‌ها نهی شده، دوری جوید، خواهد توانست که رضایت امام عصر علیه السلام را چنان‌که باید و شاید به دست آورد.

بنابراین برای پیوند با امام به این نکته مهم باید توجه داشت که عامل تقوی مهم‌ترین عامل است. امام زمان علیه السلام به عوامل خرسندی و ناخرسندی خود اشاره کرده‌اند: در احادیث، زیارت‌ها و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغری و پس از آن به صورت توقیع یا به صورت‌های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است به صراحت تمام آنچه که موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می‌گردد بیان شده و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل و تدبیر در آن‌ها می‌توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از کژراهه‌ها باز شناخت.

## تقدیم هدایا

شما اگر کسی را دوست داشته باشید، به بهانه‌های مختلف برایش هدیه می‌برید و یادش می‌کنید و از این طریق پیوندتان را با او مستحکم‌تر می‌کنید. اگر این دوست، دوستی معنوی و پیشوایی الاهی باشد، هدیه‌های معنوی و الاهی را پیش می‌فرستید همچون ذکر و نماز و دعا و قرآن و زیارت حج و مشاهد مشرفه و دستگیری از نیازمندان و هدایت گمگشتگان و همه امور خیری که پسند خدای سبحان است. آیا نمی‌خواهید پیوندتان را با مولای زمان، حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله تعالی فرجه با این هدیه‌های معنوی، قوی‌تر نمایید؟ انجام این امور معنوی، به نیابت از ایشان توصیه شده است. حتی می‌توانید کلیه اعمال مستحبی خود را به نیابت از ایشان انجام دهید که آثار شگفت و بسیار ارزشمندی دارد و اشخاص زیادی از این طریق به نتایج خوبی رسیده‌اند.

امام کاظم علیه السلام در پاسخ علی بن مغیره که در ماه رمضان به روح یکایک معصومین علیهم السلام یک ختم قرآن هدیه می‌نمود، فرمودند: «پاداش توبه خاطر این کار آن است که با ایشان در روز قیامت باشی»<sup>۱</sup>.

مُحال است شما کسی را دوست بدارید و در طریق دوستی او کوشا باشید و او به شما توجه نداشته باشد. محبت، دو طرفه است؛ اگر به یک محبوبی، محبت پیدا کردید، آن محبوب هم محبت شما خواهد شد و اندک اندک این دوستی، دو طرف را به

۱. الکافی، ۴/۳۱۴.

هم می‌رساند. هر چه قدر هم که دوستی بالا برود، پیوند و اتصال محکم‌تر و فاصله و جدایی کمتر می‌شود. شما باید امام زمانتان را دوست بدارید. در هر مجلسی که نشستید، یاد او کنید و فضائلش را بگویید و سعی کنید دل‌ها متوجه او نمایند؛ اسمش را ببرید؛ دستگیری‌ها و کراماتش را بگویید؛ درباره‌اش دعا کنید. این‌ها اندک اندک شما را نسبت به آن حضرت مهربان‌تر می‌کند. در زمینه اعمال هم راه‌های زیادی وجود دارد، یکی از آن‌ها، بخشش مالی است. می‌توانید با بذل مال در راه آن حضرت، ارادت‌تان را بیشتر نشان دهید. باید در راه امام زمان از پول گذشت. این موضوع تجربه شده است و بسیاری از این طریق نتیجه گرفته‌اند.

راه عملی دیگر نیابت در زیارات است. مثلاً می‌خواهی به زیارت شاهد مشرفه بروی؛ به نیابت از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه له برو. فرض کنید امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به شما مأموریت داده‌اند که به نیابت از ایشان به زیارت جدشان امام حسین یا امام رضا یا دیگر امامان علیهم السلام بروی، وقتی چنین کنی، اولین اثرش این است که تو راه می‌دهند. شما اگر حامل نامه‌ای از فرد بزرگی باشید، شما را با احترام می‌برند و به طور خصوصی هم پذیرایی می‌کنند. اگر ما نامه‌ای و نیابتی از ناحیه امام زمان برای بارگاه امیرالمؤمنین، امام حسین، امام رضا و سایر ائمه علیهم السلام داشتیم، ملائکه استقبال می‌کنند که این فرد، نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است و این عنوان نیابت یک شوکت و جلالی به شما می‌دهد که تا قرب بارگاه الهی نیز شما را بالا می‌برند.

به هر کدام از مشاهد مشرفه و عتبات و امام زادگان، حتی زیارت اهل قبور از علما و اخیار و ابرار و مؤمنین که می‌خواهید بروید به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه له بروید. فاتحه و توحید را برای اهل قبور به

نیابت از حضرت بخوانید؛ برای ایشان صبح و شام صدقه بدهید  
اگر چه کم باشد؛ صله رحم می کنید، به نیابت از ایشان انجام دهید  
و همچنین سایر امور مستحبی.

امام جواد علیه السلام در جواب موسی بن قاسم - که در ایام حج به  
نیابت از یکایک معصومین علیهم السلام طواف انجام داده بود - فرمود:  
چنین کاری را بیشتر انجام بده زیرا این کار از این که برای خودت  
آن را انجام دهی، برتر است.<sup>۱</sup> در زیارت آل یس - که از جانب خود  
آن حضرت آمده است - به ایشان عرض می کنیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ  
یا بَابَ اللَّهِ وَ دِیَانَ دِیْنِهِ»، سلام بر تو ای باب و در خدا و نگهبان دین  
او؛. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در وصف برخی از شئون الهی خویش  
فرمودند: «أَنَا يَدُ اللَّهِ الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ»، من  
دست گشاده خدا هستم که به سوی بندگانش به رحمت و مغفرت  
باز شده است.<sup>۲</sup> چنین کسی وقتی ببیند شما به یاد او خدمتی  
انجام دادی، حتما جبران می کند. بهترین جبران آن حضرت هم  
این است که آن حضرت برای شما دست به دعا می شود و دعای  
ایشان در بارگاه الهی از دعای خود شما، مؤثرتر است و به اجابت،  
نزدیک تر و موجب حسن عاقبت شما می گردد.

۱. همان.

۲. التوحید/۱۶۵.



## زندگی با امام

زندگی کردن شما با امام، به این معناست که در لحظه لحظه از زندگی تان، حضور او ساری و جاری باشد. زندگی با امام یعنی این که فکرتان، زبان تان، گوش تان، بلکه همه قوای تان با امام باشد. این همان معنای معیت است که خدا در قرآن به شما دستور داده است که «با صادقین باشید» (کونوا مع الصادقین)؛ و مصداق اعلاى از صادقین، ائمه علیهم السلام می باشند. اگر می خواهید به مقام همراهی و معیت با امام عصره برسید، باید زندگی تان، رنگ و بوی حضرت را بگیرید. کسی که می خواهد با امام باشد باید در زندگی، معیار و ترازویش امام باشد، زیرا او میزان اعمال است. اگر امام، میزان انسان نبود، انسان با امام نیست؛ بلکه با ترازوها و با میزان های خودش است. اگر قرار باشد ما با امام خودمان باشیم و با او زندگی کنیم، این معیت، باید بر سراسر اعمال ما چه داخلی و چه خارجی، سایه بيفکنند. این معیت، يك معیت جامع است و سراسر زندگی انسان را در بر می گیرد.

منتظران واقعی امام عصره، وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با آن حضرت داشته باشد. آیا می توان منتظر قدم کسی بود؛ ولی با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت، اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. تنها در این صورت است که می توان ادعای

زندگی با امام جهان

محبت به آن حضرت را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان عجل الله فرجه باشد، شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با ولی عصر و حجة بیشتر باشد، محبت انسان به آن حضرت و متقابلاً محبت آن حضرت به او بیشتر خواهد شد. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را همچون امامش انجام دهد تا این سنخیت تحقق یابد.

بنابراین زندگی با امام، معیت امام، همراهی با امام، معنایش این است که شما چون سایه به دنبال امام و پیرو امام باشید و این معنا در همه عوالم وجودی و آنات زندگی شما اتفاق بیفتد. در اجتماع هم، اجتماع مؤمنان، جمع شان و جامعه شان باید با امام باشد و گفتیم با امام بودن معنایش این است که همه زوایای زندگی فردی و جمعی، ظاهر و باطن، قوای ظاهری و قوای باطنی سیر با امام داشته باشد. امام اصل باشد و حیات اجتماعی انسان فرع باشد، امام خورشید باشد و ما پرتوی خورشید باشیم. امام خورشیدی است که طلوع کرده و عالم را روشن نموده است، جمع مؤمنین، باید اشعه و شعاع امام و پیرامون امام باشند. این، معنای معیت و زندگی با امام است. نکته دیگر، معیت در حرکت و سیر است. همه ما به سمت خدای متعال حرکت می کنیم. اگر در این سفر می خواهیم به مقصد برسیم، باید با امام سیر کنیم. باید سیر ما، سیر با امام باشد؛ یعنی امام می رود، ما هم باید سایه امام بشویم و با امام حرکت کنیم.

چطور می شود انسان سایه امام باشد؟ اگر انسان از خودش و همه نفسانیات خودش خالی شد و رو به امام آورد، همه وجودش را امام پرمی کند و همه قوایش تحت تصرف امام قرار می گیرد. همچنان که خود امام نسبت به حضرت حق، این گونه است: همان طور که آن ها در یک مقامی هستند که خدای متعال گوش و چشم و زبان آن ها است؛ ما هم در یک مقامی خواهیم بود که امام، گوش و چشم و دست و زبان ما می شود. نه به معنای این که امام در ما حلول کند و ما امام بشویم! ما که امام نمی شویم، اما شعاع امام در ما می افتد و نورانی به نور او می شویم. همه قوای ما پُر از نور امام می شود. این معنای سیر با امام است. به تعبیر دیگر این معیت با امام، معیت در سیر و معیت در سفر است، چون همه ما مسافر به سوی خدا هستیم و در این سفر الی الله، باید همراه با امام باشیم. اگر این همراهی، همراهی تام شد، همه قوای ما قوای امام می شود و در واقع شعاع امام می شویم. شیعه، شعاع خورشید است، اگر قلبش قلب سلیم شد، شعاع امام می شود و زندگیش به خاطر همراهی با امام، نورانی می گردد.

## اهتمام به دعا

اگر باور کنیم ما از خود هیچ نداریم و هرچه داریم، از خداست نه از غیر خدا، یقین می‌کنیم که اگر طالب هر چیز دیگری باشیم باید از او بخواهیم و این معنای «دعا» است. انسان بدون دعا، انسان غافلی است که سرنخ را گم کرده است! او نمی‌داند که راه خروج از بحران‌هایی که برایش پیش می‌آید و راه وصول به خواسته‌هایش، دعاست و عاجزترین انسان، کسی است که از دعا کردن، عاجز باشد! مهم‌ترین دعا، دعایی است که نفعش فقط برای خود انسان نباشد، بلکه نفعش شامل حال همه مردم شود. این کدام دعاست که اجابتش، همه مردم را فرا می‌گیرد؟ پاسخ آن را همه می‌دانیم: این دعا، دعا برای سلامتی و ظهور امام عصر ارواحنا فداه است که نجات جهان از ظلم و کفر به دست توانای او انجام می‌شود. این دعا، هم پیوند ما را با امام محکم‌تر می‌کند - زیرا نشان می‌دهد در اندیشه او هستیم - و هم در بارگاه الهی پذیرفته می‌شود چون دستور او را عمل کرده‌ایم. ضمن آن که مولای ما نیز ما را به دعا فراخوانده و فرموده: «برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید، همانا این دعاء موجب فرج و گشایش خود شما است»<sup>۱</sup>.

این دعاها بوده که پیامبران و پیروان آنان را از بحران‌های سخت، نجات داده است. آدم و نوح و ادریس و ایوب و ابراهیم و موسی و سایر پیشوایان الهی و امت‌های آنان، با دعا از مشکلات گوناگون نجات پیدا کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در پاسخ دعای حضرت ابراهیم برای فرزنددار شدن به او وحی فرمود: به زودی پسری برای تو از ساره متولد می‌شود. ساره گفت: که من پیرزن

و نازایم. خداوند فرمود: به زودی فرزندی آورد و فرزندان آن پسر تا چهارصد سال در دست دشمن گرفتار عذاب شوند. پس چون قوم بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند و کار بر آنان سخت شد، دست به دعا برداشتند و تا چهل روز در درگاه خداوند ناله و گریه نمودند. حق تعالی به حضرت موسی و هارون علیهم السلام وحی فرستاد که ایشان را از چنگال فرعون نجات دهند، و صدوهفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود که آن را بخشید. آن گاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر شما هم این گونه تضرع و زاری می کردید، حق تعالی فرج ما را مقدر می فرمود، و چون چنین نکنید، این امر به نهایت خود خواهد رسید.<sup>۱</sup>

دعا برای تعجیل فرج امام در همه جا و همه وقت، لازم است و در مشاهد مشرفه با تأکید بیشتر؛ ابوهاشم گوید: خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب بودم، در حالی که آن حضرت اندوهگین و بیمار بودند. به من فرمود: ای ابوهاشم یکی از دوستان ما را به طرف کربلا روانه کن تا آن جا برایم دعا کند؛ در اطاعت امر امام، از نزد ایشان خارج شدم و در میان راه به علی بن بلال برخورد کردم، به او فرمایش امام را بازگو کردم و از او خواستم که اطاعت امر امام کند و این کار را انجام دهد، علی بن بلال پس از آن که با دل و جان پذیرفت، به من گفت: آن حضرت که خود از کربلا برتر است و مقام و رتبه اش مانند کسی است که در آنجا مدفون است، و حتماً دعای ایشان برای خودش از دعای من برای او بهتر است. من گفتار علی بن بلال را به عرض آن حضرت رساندم، در جواب فرمود: «به او بگو: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کعبه و حجرالاسود، برتر بود ولی اطراف کعبه طواف

پیوند با جان جهان



می نمود و حجرالاسود را استلام می کرد و می بوسید، همانا از برای خداوند بقعه ها و مکان های مقدسی است که دوست دارد مردم در آنجا دعا کنند و او را بخوانند، و دعای آن ها را مستجاب گرداند.<sup>۱</sup>

دعا برای فرج در زمان غیبت فواید فراوانی برای دعا کننده دارد از جمله آن ها است نجات از سرگردانی های عصر غیبت. حضرت عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند: «به خدا سوگند! [فرزندم مهدی] غیبت خواهد کرد غیبتی، که در آن نجات نخواهد یافت مگر کسی که خدای - عز و جل - او را بر اعتقاد به امامتش ثابت دارد و به دعا کردن برای تعجیل فرجش توفیق دهد».<sup>۲</sup> در این زمینه کتاب های متعددی نوشته شده است. موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم در فوائد دعا برای قائم بجاء شیخ، برای دعا کنندگان فرج، ۹۰ فایده بر می شمارد که به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم: دعا کننده برای فرج حضرت مشمول برکات زیر می شود: اطاعت از امر مولایش کرده است، که فرموده اند: و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است؛ این دعا سبب زیاد شدن نعمت ها می شود؛ اظهار محبت قلبی است؛ نشانه انتظار است؛ زنده کردن امرائمه اطهار علیهم السلام است؛ مایه ناراحتی شیطان لعین است؛ ادای قسمتی از حقوق آن حضرت است (که ادای حق هر صاحب حقی واجب ترین امور است)؛ تعظیم خداوند و دین خداوند است؛ حضرت صاحب الزمان در حق دعا کننده دعا می کند. شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می شود.<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار ۱۱۳/۱۰۱ ح ۳۴.

۲. کمال الدین ۲/۳۸۴.

۳. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، برای اطلاع از سایر فواید دعا برای آن حضرت، به کتاب مراجعه فرمایید.

## نجوا و همسخنی

نجوا و مناجات، سخن گفتن در خلوت، همسخنی با محبوب، در حضور یا غیبت اوست که شرح اشتیاق، شرح نیکی‌ها و فضایل و درخواست وصال و دیدار و عرض حاجت محب به محبوب است. مناجات‌ها با خدا، پهنه وسیعی از ادبیات دینی ما را تشکیل می‌دهد. مناجات با برگزیدگان حق و پیشوایان دینی ما نیز توصیه شده و آثار بسیاری دارد که مهم‌ترینش، تقویت پیوند با امام و توسعه محبت و ولایت است. مناجات‌ها و همسخنی‌ها با محبوب، می‌تواند با بیان معمولی باشد یا بیان فاخر و شعر که از بزرگان و شاعران به ما رسیده است. نوع اول آن‌ها، خطاب‌ها و بیان‌های حاوی مدح و فضایل است، همچون: اگر تو خنده کنی گل دهد طبیعت خاک / فضای گل جهان پر گلاب خواهد شد / به هر کجا تو نباشی چو شام تاریک است / تو هر کجا که روی آفتاب خواهد شد... آقا، تویی محول الاحوال عاشقان / جز تو کسی مدبر لیل و نهار نیست... برگوبه اسرائیلیان، آید موسی آمده / با پیروان عیسوی گویند عیسی آمده... جهان بدون حضورت چقدر پژمرده است / به قلب عالم امکان توجان جانانی...

بخش دیگری از مناجات‌ها، دلتنگی از هجران و آرزوی وصال است: برگرد ای طراوت سرسبز باغ‌ها / پایان بده به عمر دراز فراق‌ها... آدینه‌ها غروب که دلگیر می‌شوم / در انتظار ماه رخت پیر می‌شوم / افتاده‌ام به پای تو در اوج بی‌کسی / لطفی نما و گرنه زمین گیر می‌شوم... دل از نگاه تو مسرور می‌شود برگرد / غم زمانه زد دل دور می‌شود برگرد / چمن شود طرب انگیز با شکفتن تو / حریم کعبه پراز

نور می شود برگردد... دل هوای روی ماه یار دارد جمعه ها / دل هوای دیدن دلدار دارد جمعه ها... برای درک حضورت بگو چکار کنم / چگونه پیش تو آیم شبی به مهمانی / مرا گناه و معاصی ز چشم تو انداخت / بیا بیا که به این دردها تو درمانی / تمام عمر من اندر فراق یار گذشت / خدا کند که دهی بر دلم تو سامانی... قلبم چو کویر و چشم هایم دریاست / یک سال گذشت و غصه هایم بر جاست / ای کاش کنار هفت سینم بودی / این سفره ما بدون تویی معناست... جان می دهم برای همین لحظه وصال / بی خود که نیست این همه احساس و شور و حال / یا ایُّهَا الْعَزِيزُ بِهِ كَامَمٍ عَسَلٌ بَرِيْزٌ / آقا بده جواب مرا پیش از سؤال / کی می شود که سر بگذارم به پای تو / پس کی به این گدای حرم می دهی مجال / زیباترین سروده شب های شعر ما / ای کاش اتصال شود ختم انفصال...

موضوع بعضی مناجات ها و زمزمه ها، امید به آینده روشن وصال است: مرده ای دل که مسیحا نفسی می آید / که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید... یوسف گمگشته باز آید به کنعان، غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور... منتظر مانده زمین تا که زمانش برسد / صبح همراه سحر خیز جوانش برسد / ليله القدر بیاید لب آینه درك / سوره فجر به تأویل و بیانش برسد / نامه داده ست ولی عادت یوسف این است / عطر او زودتر از نامه رسانش برسد / ظهر آن روز بهاری چه نمازی بشود / که تو هم آمده باشی و اذانش برسد... هان تا نشوی ز صابری سست / گوهر به درنگ می توان جست / در نومییدی بسی امید است / پایان شب سیه، سپید است... دل از نگاه تو مسرور می شود برگردد / غم زمانه ز دل دور می شود برگردد / چمن شود طرب انگیز با شکفتن تو / حریم

کعبه پراز نور می شود برگردد... ز مکه سرزده صبح قیام ابراهیم /  
رسد به عالم هستی پیام ابراهیم / امام عصر که براو سلام ابراهیم /  
قیام کرده، کنار مقام ابراهیم / حرم رسانه آوازه «انا المهدی» است /  
جهان پراز سخن تازه «انا المهدی» است...

نوع دیگری از مناجات‌ها، راز و نیازهای عاشقانه با محبوب و  
بیان‌های حماسی است: تو آمدی بهار شد من از بهار عاشقم / دلم  
چه بی قرار شد، چه بی قرار عاشقم / هزار جمعه چشم من، شد دست  
چشمه‌ی غمت / نیامدی! هنوز هم هزار بار عاشقم... زیباترین  
بهانه برای سرودنی / تنها دلیل خلقت بود و نبودنی / برگرد تا که  
خنده شود گریه‌های ما / پیش خدا رود نفس «ای خدای ما»...  
در قلب ما حبیبی، بر زخم ما طبیبی / بر جان ما قراری، بر درد ما  
دوایی... از سرم‌آذنه کعبه اذان می خوانیم / قبله کج شده را سوی  
تو می چرخانیم / هر کجا می نگرم ردّ عبورت پیدا است / کوچه در  
کوچه نشانی ظهورت پیدا است / تازه این اول قصه ست، حکایت  
باقیست / ما همه زنده بر آنیم که رجعت باقیست / می نویسم که  
شب تار سحر می گردد / یک نفر مانده از این قوم که برمی گردد...  
ای چشمه زلال الهی ظهور کن / ما تشنه‌ایم، تشنه لب کوثر شما...  
قیامتی است گمانم قیامت مهدی است / جهان محیط وسیع  
کرامت مهدی است / همه کنید قیام و همه دهید سلام / زمان،  
زمان شروع زعامت مهدی است... هزاران شعر با این مضامین،  
بیان ارادت و نجوا و زمزمه‌های عاشقانه با مولا است که بهانه پیوند  
با ساحت ملکوتی اوست.

پیوند با  
کرامت مهدی

## استغاثه به امام

«غوث» به معنای کمک‌کننده، یاری رسان و فریادرس، از القاب امام زمان عجله تعالی فرجه، ذکر شده است و در برخی از دعاها از جمله دعای فرج و زیارت آل یاسین این لقب درباره امام مهدی عجله تعالی فرجه به کار رفته است. استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب در هنگام شداید و خطرات و بلاها و بیماری‌ها و فتنه‌ها و هجوم شبهات و گم شدن راه چاره و درخواست از حضرتش برای رفع آن‌ها زیرا آن جناب واسطه فیوضات الاهی است و دارای ولایت تکوینی و تشریحی و از رسیدگی به اُمت خود کوتاهی نمی‌نماید چنان که خود در توقیع شیخ مفید فرمودند ما از رسیدگی به شما کوتاهی نمی‌کنیم. استغاثه به معنای دادخواهی و یاری طلبیدن در حالت سختی و شدت است. فرق آن با دعا این است که دعا، هر نوع خواندنی را شامل می‌شود اما استغاثه، خواندن عاجزانه و بلند و یاری جستن در حال شدت است؛ درحالی‌که توسل، دو حالت سختی و آسانی را دربر می‌گیرد. آن‌که با امامش پیوند یافته است در هنگام ورود مصائب و سختی‌ها، مولایش را صدا می‌زند و به پیشگاه او استغاثه می‌کند.

مغیث، از نام‌های خداوند است که در برخی دعاها مثل دعای کمیل با عبارت «یا غیاث المستغیثین؛ ای فریادرس فریادخواهان». به آن اشاره شده است. در قرآن، استغاثه مجاهدان و استغاثه پدر و مادر مؤمن به خداوند، برای هدایت فرزند آمده است.<sup>۱</sup> در پاسخ کسانی که استغاثه به پیامبر یا ولی خدا در زمان حیات یا ممات برای



گرفتن حاجتی که در حیظه قدرت خداست، شرک تلقی می نمایند گفته شده اگر استغاثه کننده نگاه استقلاللی به معصومین داشته باشد، به این معنا که خداوند آنان را آفریده و تمام امور خلق را به آنان واگذار کرده و خود از کار برکنار شده است در این صورت در عقیده توحید به خطا رفته و مشرک شده است، اما اگر نگاه مستقل به آنان نداشته باشد شرک نیست. یعنی استغاثه کننده معتقد باشد که تصرفات ولی خدا به اذن الهی است. یعنی خدا به برخی بندگان ولایت تکوینی و اجازه تصرفات در عالم تکوین را داده است. مثل تصرفات حضرت عیسی علیه السلام در خلق پرنده، شفا دادن مریض و زنده کردن مرده و تصرف آصف بن برخیا زمان حضرت سلیمان در حاضر کردن و آوردن تخت بلقیس در یک لحظه از راه بسیار دور و... بنابراین درخواست حاجت از اولیای خدا و استغاثه به آنها و درخواست حاجت در زمان حیات و ممات به اذن خدا نه تنها شرک نیست بلکه به عنوان واسطه و وسیله، دستور هم داده شده است.

این باور ماست که خوان احسان و جود و کرم و فضل و انعام امام زمان علیه السلام همچون پدران بزرگوارش در گوشه گوشه زمین برای هر پیریشان در مانده و گم گشته و وامانده و متحیر و نادان و سرگشته و حیران، گسترده و باب آن باز است. هر مؤمنی که با صدق و اضطرار و حاجت به او استغاثه برد و «یا فارس الحجاز ادرکنی» گوید و «المستغاث بك یا صاحب الزمان» خواند، اگر نادان است شربت علمش بخشند و اگر گمشده است به راهش رسانند و اگر مریض است لباس عافیتش پوشند، چنان چه از گذشته و حال، نقلها

در این زمینه گفته‌اند و نوشته‌اند و فائزین به این مقام فراوانند. حاصل آن‌که حضرت صاحب الامر علیه السلام حاضر در میان عباد و ناظر بر حال رعایا و قادر بر کشف بلایا و عالم بر اسرار و خفایاست و به جهت غیبت از مردم، از منصب خلافتش عزل نشده و از لوازم و آداب ریاست الهیه خود دست نکشیده و از قدرت ربانیه خویش عاجز به هم نرسانیده و اگر خواهد حلّ مشکل که اندر دل افتاده، کند بی آن‌که از راه دیده و کوشش چیزی به آنجا رساند. و اگر خواست دلش را به آن کتاب یا عالمی که دوی دردش در آن و نزد آن است مایل و شایق کند، گاهی دعایش تعلیم کند و گاهی در خواب دوی بیماریش به او آموزد. پس استغاثه نزد او بردن، عین دیانت است البته بعضی برای استغاثه شروطی گفته‌اند از جمله اصلاح دل و قلب و پاک کردن آن از گناه و کینه و حسادت و توبه نزد خدای تعالی و ادب حضور و حاضر و ناظر دانستن ولی الله الاعظم بر خود و یقین به مقام امامت آن حضرت است.

در طریق استغاثه نیز اگرچه آدابی نوشته‌اند، اما انسان مضطر، چه بسا که بی آداب نیز به امام خود التجا برد و پناه خواهد و درمان طلبد و مولایش را صدا زند. از جمله آدابی که نوشته‌اند. در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر موقعی حاجتی داشتی که خواستی از خدا طلب کمک بکنی دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز در سجده بگو: «یا محمد یا علی؛ ای آقای مؤمنین و مؤمنات، به شما استغاثه می‌کنم به سوی خدا، یا محمد یا علی، استغاثه می‌کنم به شما، استغاثه به خدا می‌کنم و استغاثه می‌کنم به محمد و علی و فاطمه (و بقیه ائمه علیهم السلام را می‌شماری)؛ به شما توسل می‌کنم به سوی خدا. اگر این عمل را انجام دهی انشاء الله

در همان ساعت به فریادت می‌رسند.»<sup>۱</sup> بنا بر آنچه که در مصباح کفعمی آمده است. برای استغاثه به امام زمان باید دو رکعت نماز به جای آورد که در رکعت اول آن پس از سوره حمد، سوره فتح و در رکعت دوم سوره نصر را خواند. پس از نماز نیز دعایی که با عبارت «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ...» شروع می‌شود را قرائت کرد آنگاه حاجت خود را طلب نمود.<sup>۲</sup> نماز استغاثه دیگری به امام زمان مطرح شده است: این نماز دو رکعت است که باید در زیر آسمان و بر بالای بام یا سربرهنه خوانده شود و پس از نماز امام زمان را با «يَا حُجَّةَ الْقَائِمِ» به تعداد عدد ابجدش یعنی ۵۹۵ مرتبه صدا زد. این نماز را صدرالاسلام همدانی، مطرح کرده و گفته که آن را تجربه کرده است.<sup>۳</sup>

۱. طبرسی، مکارم الأخلاق/۳۳۰.

۲. بلد الامین/۱۴۵.

۳. تکالیف الانام فی غیبة الامام/۲۵۱.

## خدمت به امام

«اگر دوران او را درك می‌کردم، همه روزهای زندگیم را در خدمت به او می‌گذرانیدم»<sup>۱</sup>: این سخن يك فرد عادی در مورد امام زمان عجل الله فرجه نیست، بلکه سخن امام ششم است. آرمان مهدویت، چنان بزرگ و خطیر است که همه اولیا و پیشوایان دین و اولیای الاهی، برای تحقق آن، آماده فداکاری و خدمتگزاری هستند. مأموریت استثنایی و نقش ویژه امام زمان در عالم‌گیر ساختن حاکمیت توحید و برقراری عدالت، يك مأموریت خاص است که خداوند بر عهده او گذاشته و جهانی است. پیامبری همچون حضرت عیسی عليه السلام برای یاری او از آسمان فرود آید. و امامی هم چون امام صادق عليه السلام برای خدمت کردن به او آرزوی درك حضور او را دارد. راستی وقتی پیامبران و امامان در خدمت به امام زمان عجل الله فرجه پیشتازند، وظیفه شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر و چگونه است؟! بیشترین پیوندها و محکم‌ترین ارتباطها، پیوند از طریق خدمت است، زیرا این خدمت است که مولا را برای وصول به اهدافش، یاری می‌رساند به‌ویژه در ایام غیبت که به دلیل الزامات غیبت، آن حضرت بیشترین نیاز به یاور و خدمتگذار دارد. خود امام عجل الله فرجه بزرگانی چون شیخ صدوق رحمته الله را برای رفع مشکلاتشان به خدمت از طریق تألیف کتاب در معرفت امام و رفع شبهه‌ها دلالت فرموده اند.<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار ۵۱/۱۴۸.

۲. مقدمه کتاب «کمال الدین و تمام النعمه».

ویژگی خدمت در این است که خدمت از راه مباشرت و به طور مستقیم به دست می‌آید، یعنی خادم باید خود مباشرت داشته و مستقیم وارد عمل شود و به شخصه اقدام نماید، اما نصرت و یآوری را انسان می‌تواند به واسطه فرد دیگری انجام دهد. ویژگی دیگر خدمتگزاری این است که خدمت، در ضمن خود، تواضع و فروتنی و اظهار کوچکی خادم برای مخدم را در بر دارد. اگر نصرت و یآوری هم به نیت خدمت باشد و در آن مباشرت باشد، ارزش افزون‌تری می‌یابد. مصادیق خدمت به امام علیه السلام بسیارند که باید با قصد و نیت خدمت به آن حضرت انجام گیرند. یکی از وجوه خدمت، خدمت به دوستان، پیروان و شیعیان آن حضرت است همچون رفع حوائج و دفع مشکلات و حل و فصل امور آنها؛ هم چنین برپایی محافل و مجالس تعلیم و تبلیغ برای ازدیاد معرفت مردم نسبت به آن حضرت و ذکر مناقب و کرامات و خصائص به قصد اشتعال محبت ایشان در قلوب؛ تألیف یا نشر کتب مربوط به آن حضرت، دفع علمی دشمنان و شبهه افکنان و نجات گمراهان و جذب دگراندیشان و ازدیاد یاوران و مرزبانی از دین حنیف.

خدمت به امام عصر ارواحنا فداه، ادای حق کوچکی است نسبت به حقوق بزرگی که آن حضرت بر ما دارند مثل حق حیات، حق هدایت و حق ولایت و امامت، حق ابوت و... حقوق حضرت بر ما، حقوقی نیست که بتوان آن را با معیاری سنجید و ارزش‌گذاری کرد و بتوان آن را با دنیا و هر چه در آن است مقایسه کرد. بخشی از این حقوق را بدون تردید، می‌توان از طریق رعایت حق امامت او، مواظبت بر اطاعت او، نرنجانیدن قلب مبارک او، پاسداری از آرمان‌های او، مجاهدت در راه دفاع از او، و جان‌نثاری در راه تحقق

خواسته‌های او برشمرد که البته باید از خداوند برای ادای این حقوق، استعانت جست؛ لذا در دعاها آمده است: «وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقُوقِهِ إِلَيْهِ»، یعنی خداوندا! ما را در ادای حقوق او یاری فرما. با چنین دیدگاهی، اگر سخن از پرداخت حقوق شرعیه مالی مربوط به آن حضرت (سهم امام) و برخی وجوهات مادی دیگر نیز به میان می‌آید، باید آن را در همین راستا بررسی کرد؛ چنانکه خود آن بزرگوار در توقیعی فرمود: «همانا هر کس تقوای پروردگارش را پیشه کند و از آنچه که به عنوان حقوق شرعیه برعهده دارد به مستحقانش بپردازد، از فتنه‌های باطل کننده دین و دنیا در امان خواهد بود».<sup>۱</sup>

باز هم تأکید می‌کنیم بر اهتمام به خدمتگزاری حضرت قائم عجل الله فرجه که برترین طاعات و بالاترین وسایل تقرب به خداوند است. چنین می‌شود که بهترین پیروان و خدمتگزاران آن حضرت از سایر رعایای پیشوایان دین، برترند، و اصحاب او شرافتمندترین اصحاب می‌باشند، همچنان که امت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله، افضل امت‌ها و برترین امت‌ها می‌باشند، زیرا که مرتبه بستگان و پیروان هر شخص به حسب رتبه و مقام خود آن شخص متفاوت است و چون مقام والای مولایمان صاحب الزمان معلوم گردید، مرتبه بلند رعیت آن جناب و پیروانش و مؤمنانی که بر ولایتش پایدار باشند نیز ظاهر می‌شود. نباید ساعات زندگی خود را از خدمت به ایشان خالی نمود و به کارهای کم اهمیت تر پرداخت. پیشوایان دین، مقام آنان را از مجاهدان و رزمندگان بدر برتر شمرده و پیامبر صلی الله علیه و آله آرزوی دیدار آنان را داشته‌اند... خدای تعالی ما را از آنان به شمار آورد.

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. احتجاج ۲/۶۰۲.



## اهتمام به تعلیم

اگر نگران سرنوشت و آینده خود و فرزندان خود هستیم، باید به تربیت نسل منتظر، اهتمام کنیم. تربیت نسل منتظر بسیار مهم است؛ معنای این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «هر یک از شما باید خود را برای یاری قائم علیه السلام آماده کند، هر چند با فراهم کردن يك تیر»؛ فراهم کردن عده و عُدّه و ساختن یاورانی برای نصرت امام است. فراهم کردن يك تیر برای یآوری امام، در واقع نماد و مثال است برای انجام وظائف خودمان نسبت به امام. آیا نیاز به يك تیر مهم است یا نیاز به افراد کارآزموده و متخصص؟ معلوم است که اگر افراد کارآزموده و متخصص نباشند، تیر و تجهیزات جنگی بدرد نخواهد خورد و اثری نخواهد داشت. داشتن نیروهای کارآمد که بر اساس روایت نبود آن یکی از دلایل عدم قیام حضرت است، بسیار مهم است. باید برای پیوند بیشتر با امام، یاورانی از نسل حاضر و نسل آینده تربیت کنیم و با تعلیم آموزه‌های دینی و مهدوی، آنان را به وظایف‌شان برای یآوری امام، آماده کنیم.

تعلیم مردم در عصر غیبت به عهده عالمانی است که به معالم دین آشنا هستند. روایات متعددی درباره تحکیم ایمان مردم و نیز سرپرستی ایتام آل محمد علیهم السلام وارد گردیده که ناظر به این وظیفه خطیر یعنی مرزبان حوزه فکری و عقیدتی است. معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی است که از شما روایت بسیار نقل و در میان مردم انتشار می‌دهد و آن را در دل شیعیان تان استوار می‌کند و دیگر عابدی از شیعیان شما باشد که

در روایت چون او نباشد، کدام يك بهترند؟ حضرت فرمود: آن که احادیث ما را روایت کند و دل های شیعیان ما را استوار سازد از هزار عابد بهتر است.<sup>۱</sup> امام عسکری علیه السلام هم فرمود: «بدتر از یتیمی که پدر از دست داده، حال آن یتیمی است که از امامش جدا گشته و نتواند به حضور او برسد و نداند حکم آنچه از شرایع و احکام دینش دچار آن می گردد چیست، توجه کنید هرکس از شیعیان ما علوم ما را بداند و کسی که نسبت به شریعت ما جاهل و از دیدن ما محروم مانده است را هدایت نماید، یتیمی بر دامان نشانده است؛ آگاه باشید هرکس او را هدایت کند و شریعت ما را به او بیاموزد در رفیق اعلی با ما خواهد بود».<sup>۲</sup>

اگر عالمان به وظیفه تعلیم عمل نکنند، عالم نیستند! امام صادق علیه السلام در مورد این آیه قرآن که می فرماید: (تنها بندگان دانشمند خدا، از او خشیت دارند).<sup>۳</sup> فرمود: «مراد از این دانشمند کسی است که کردارش، گفتارش را تصدیق کند و کسی که چنین نباشد، عالم نیست».<sup>۴</sup> عالمان دین پس از تجهیز خود به دانش دین، باید به حفاظت از آن و تحکیم پایه های آن پردازند. در این راستا، مبانی دین را با براهین علمی مستحکم نموده و دین را آن گونه که هست تعلیم دهند تا شبهات و القائنات شیاطین آخرالزمان، افراد را گمراه نکنند. امام هادی علیه السلام فرمودند: «اگر نبودند کسانی از علما که بعد از غیبت قائم ما، به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند و از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند و بندگان

۱. الکافی ۱/۴۰، ح ۹.

۲. مکمال المکارم ۲/۳۸۸.

۳. فاطر: ۲۸.

۴. الکافی ۱/۴۴ ح ۲.

ضعیف خداوند را از دام‌های ابلیس و سرکشان او، رها سازند و از شبکه ناصبان خلاص نمایند، هیچ کس نمی‌ماند مگر این‌که از دین برمی‌گشت. ولی اینان هستند که زمام دل‌های شیعیان ضعیف را به دست می‌گیرند همچنان که ناخدای کشتی سکان آن را در دست دارد. آنان برترین کسان نزد خدای عزوجل می‌باشند.<sup>۱</sup>

دین‌داری در عصر غیبت، غریبانه است؛ همچون دینداری اصحاب کهف! یعنی چنان اوضاع، فتنه بار و سخت می‌شود که افراد برای حفظ دین خود باید کوچ کنند. در این هنگامه سخت، عالمان وظیفه سنگینی دارند تا هر طور شده مردم را از طریق کلاس‌های درس، حضوری یا مجازی، و از راه قلم و بیان و راه‌های ارتباطی دیگر آموزش دهند تا دین آن‌ها از دست نرود. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «وقتی پنجمین فرزند از هفتمین امام غایب شد، خدا را، خدا را مراقب در دین‌تان باشید، مراقب باشید هیچ کس شما را از دین‌تان جدا نکند، در این هنگام به دین‌تان تمسک کنید و به آن عمل نمایید».<sup>۲</sup> یعنی یک عده مترصد این معنا هستند که شما را از دین جدا کنند. باید حواستان جمع باشد فریب این‌ها را نخورید؛ بلکه دست دیگران را هم بگیرید و با تعلیم و آموزش، نگذارید آن‌ها از دین خارج شوند و طعمه گرگان گردند. حلقه‌های تعلیم را در خانه‌ها برپا کنید و معلمان ورزیده را برای تعلیم فرزندان‌تان و دوستان فرزندان‌تان و دیگر جوانان فامیل و همسایگان، دعوت کنید و پیوند آنان را با امام‌شان محکم گردانید.

۱. مکیال المکارم ۲/۳۹۳.

۲. الکافی ۱/۳۳۶؛ کمال الدین ۲/۳۵۹.

## اهتمام به تبلیغ

با تبلیغ است که افراد متوجه اهمیت امری می‌شوند و چه بسا با ویژگی‌های آن آشنا می‌گردند. هر روز از طریق رسانه‌ها یا تبلیغات شهری، امور و کالاهایی برای ما تبلیغ می‌شود و در ما اثر هم می‌گذارد به طوری که ناخودآگاه به سوی آن‌ها کشیده می‌شویم و به آن‌ها رغبت پیدا می‌کنیم. چطور است که از تبلیغ برای امور معنوی که حیات انسانی نیازمند آن است، استفاده نکنیم و دل و روح افراد را به سوی آن امور راغب ننماییم؟ در رأس همه امور معنوی، معرفت امام و پیوند با آن مقام امامت است که امروز ولی زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مظهر آن است. از سوی دیگر باور داریم که تبلیغ این امر مهم، مخصوص عده‌ای خاص نیست و همه موظف به تبلیغ آن هستند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر، بعد از ابلاغ امامت علی ع و امامان بعد از او، همگان را مأمور تبلیغ امامت نمود و فرمود: «حاضران این موضوع را به غائبان و پدران به فرزندان برسانند و تبلیغ کنند (فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ)»<sup>۱</sup>.

اما تبلیغ يك مهارت است که باید آن را فراگرفت تا با استفاده ناصحیح آن، تبلیغ به ضد تبلیغ، مبدل نشود. چون آثار سوء تبلیغ‌های نادرست را که موجب زدگی و تنفر افراد می‌شود، همگان دیده‌ایم و نیاز به آوردن مثال نیست... آموختن شیوه‌های تبلیغی صحیح در بیان و قلم و هنر و ابلاغ آموزه‌های مهدوی و سرمشق‌گیری از نمونه‌های الگویی ممتاز در عرصه تبلیغ مهدوی در ابعاد مختلف تبلیغ گفتاری و رفتاری، چگونگی برخورد مبلغان با

۱. بحار الأنوار ۱۱۳/۳۷.



به مهر امام منعطف نموده و پیوند قلبی بین آن‌ها و مولایشان برقرار می‌نماید.

روشن است که تبلیغ عملی، تأثیر و کارکرد بیشتری نسبت به تبلیغ گفتاری دارد. در این نوع از تبلیغ رفتار و کردار مبلغ، خود جریان مثبتی را در راستای اهداف تبلیغی او ایجاد می‌نماید. رفتار ائمه علیهم‌السلام در آموزش دین و برخورد با افراد جامعه نمونه و سرمشق مناسبی در این زمینه می‌باشد. امتیازات تبلیغ عملی بر گفتاری را این چنین بر شمرده‌اند: یکم، باعث جذب مخاطب می‌گردد و محبت او را برمی‌انگیزد. دوم، غیر از انگیزه دهی و آگاه‌سازی موجب ارائه طریق و الگودهی می‌گردد. سوم، شائبه تظاهر، تصنع و فریب‌کاری را کمتر می‌کند. چهارم، غیر از جنبه معنوی و ارشادی، مخاطب عموماً به رفع نیازهای مادی و اقتصادی زندگی خود دست خواهد یافت. پنجم، این تبلیغ چون با اخلاص همراه و با عمل نیک همراه است، مطلوب و محبوب خدای می‌گردد. در این زمینه سیرت و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کارساز است. بعضی موارد از تبلیغ عملی و رفتاری پیامبر را میتوان این‌گونه بر شمرد: براءت از مشرکین، عدم تسامح در اصول و فروع، تسامح در امور جزئی، مبارزه با سنت‌های غلط و خرافات، در جستجوی مخاطب و شکار دل‌ها، توجه به اقشار کم درآمد، مشورت و همراهی، برخورد کریمانه با دوست و دشمن و اخلاص در دعوت و توکل به خدا زیرا هدایت دل‌ها در اختیار خداست.



## دفع دشمنان

دفع مخالفان و دشمنان گوناگون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از حملات آن‌ها به مبانی فکری و اعتقادی مؤمنان، نشان از پیوند با آن مولای دوران و صاحب زمان است. برخی از دشمنان، آشکارا و یا در نهان، به آموزه‌های دینی می‌تازند تا افراد را از صفوف ایمانیان جدا سازند و گمراه نمایند. علاوه بر کافران و مشرکان، منافقان نیز به انگیزه نان و مقام، در صف دشمنان قرار دارند. مخالفت‌های این دشمنان، بسی سهمگین‌تر از مخالفت کافران و جاهلان و منافقان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن مواجه نگردید! زمان ایشان مردم بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند؛ اما زمان قائم، با تاویل کتاب خدا بر او خروج می‌کنند» یعنی در لباس دین و با استناد به قرآن و تأویل آن بر اساس رأی خود با او مخالفت می‌نمایند؛ و نیز فرمود: «قائم ما چون قیام کند، مردم از روی جهل با او برخورد می‌کنند؛ شدیدتر از آنچه رسول خدا از سوی نادانان جاهلیت روبه‌رو شد».<sup>۲</sup>

در طول دوران غیبت، این دشمنان بی‌کار ننشسته و با انواع ترفندها و بیان‌ها و کتاب‌ها و رسانه‌های گمراه‌ساز، به مقابله با مهدویت پرداخته و می‌پردازند. این وظیفه عالمان و منتظران است که اولاً به رصد فعالیت‌های فرهنگی آنان بپردازند و ثانیاً با تلاش علمی، خود را به پاسخ‌های مناسب، تجهیز نمایند و ثالثاً

پیوند با جهان جهان

۱. نعمانی، الغیبة/ ۲۹۷، ح ۳.

۲. همان، ۲۹۶، ح ۱.



از همان راه‌هایی که آن‌ها حمله را از آنجاها شروع کردند، رفته و  
مقابله نمایند و ترفندهای آنان را رسوا سازند. این سه مرحله یعنی  
رصد، تجهیز و مقابله نباید فراموش شود زیرا دشمنان لحظه‌ای  
خاموش ننشسته و دائماً به طراحی برنامه‌های جدید برای مقابله  
با ایمان و ایمانیان مشغول هستند و قلوب مؤمنان را نشانه رفته و  
می‌روند. انواع گروه‌های منحرف و فرقه‌های گمراه مثل قارچ سمی  
می‌رویند و با انواع سموم به جان اعتقاد مهدویت و بلکه اصل  
دین می‌افتند و بعد از مدتی که اثرشان از بین رفت، جای خود را به  
فرقه‌های دیگری می‌دهند. از رصد این گمراهان، نباید غافل شد.

در موضوعات مهدویت، بیشترین حمله‌ها به غیبت امام است  
که بسیاری از این طریق، گمراه شده‌اند. می‌گویند چرا باید امام  
غائب باشد و امام غائب چه فایده‌ای برای مردم دارد؟ عالمان  
در این موضوع صدها کتاب نوشته و پاسخ آن را داده‌اند. بعضی  
کتاب‌ها نیز همچون کتاب کمال‌الدین به دستور خود امام در تبیین  
این موضوع تألیف شده است.<sup>۱</sup> این عالمان توضیح داده‌اند که  
غیبت امام، غیبت جسمانی است نه معنوی و ایشان مأموریت  
امامت‌شان را مثل سایر پیشوایان الهی انجام می‌دهند و فقط  
دیده نمی‌شوند یا دیده می‌شوند ولی شناخته نمی‌شوند. ضمن  
آن‌که غیبت مختص ایشان نیست و پیامبران گذشته و امامان نیز  
غیبت داشته‌اند مثل غیبت یونس از میان قوم خود و غیبت سایر  
پیشوایان از مردم شهرهای دیگر وقتی در یک محل ساکن باشند؛  
و برای این‌که موضوع را برای مخاطبان ملموس سازند، امام غائب  
را به خورشید تشبیه کرده‌اند زمانی که ابرها آن را می‌پوشانند و از

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، مقدمه مؤلف.

دید مردم پوشیده می شود درحالی که فواید وجودی اش مثل نور و حرارت و سایر آثارش باقی است فقط رؤیت نمی شود و این رؤیت نشدن دلیل نبودنش و فایده نداشتنش نیست.

چنان که گفته شد، مقابله و مناظره، ورزیدگی و مهارت می خواهد. کسانی که در صف اول مبارزه فرهنگی با دشمنان و مخالفان هستند باید چنان توانا باشند که با مهارت کامل، انواع ترفندهای دشمن را در مناظره، شناخته و آن‌ها را خنثی نموده و با روش‌های حلی و نقضی، دلایل آنان را باطل سازند. این ورزیدگان که در واقع مجاهدان عرصه رزم فرهنگی هستند، لازم است تجربیات خود را به دیگران و به ویژه جوانان انتقال دهند و از آنان مرزبانی چون خود بسازند تا هیچ زمانی، عرصه دین از مرزبانان و مجاهدان فرهنگی خالی نباشد و شیراوژنان مجاهد، دفع متجاوزان کنند؛ هر بیشه گمان مبر که خالی است / شاید که پلنگ خفته باشد! این مقابله و مرزبانی گاهی با مناظره است، گاهی با گفتمان در فضای مجازی است؛ گاهی با قلم و گاهی در عرصه رسانه و هنر و گاهی هم میادین فناوری‌های نوین و تکنیک‌های ارتباطی و تبلیغی. به هر حال، نباید از دشمن غافل شد و تحرکات آن‌ها را زیر نظر داشت و همواره آماده مقابله با تهاجم فرهنگی آنان بود.

## معرفت افزایی

چرا بر معرفت امام، این همه تأکید شده و نشناختن او را برابر با دوران جاهلیت پیش از اسلام، دانسته و فرموده‌اند: «هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ دوران جاهلیت، مرده است»<sup>۱</sup> این تأکید، نشان می‌دهد معرفت امام، همسنگ اصل هدایت اسلام و شاکله دین است و اگر کسی بدین معرفت دست نیابد، گویی اصل دین را نفهمیده است. به عبارت دیگر، اگر کسی پیامبر و پیشوایان دین را - که خدا تعیین نموده و وحی و معارف الهی را بدانان سپرده تا به مردم برسانند - نشناسد و به آنها رجوع ننماید، چگونه به اصل دین دسترسی پیدا خواهد کرد؟ از آنجا که امامان معصوم، نقش محوری در شناخت خداوند دارند و آنها را درهای خداوند (ابواب الله)، راه به سوی او (سبیل الله) و راه نمایان بر او (ادلاء علیه) معرفی کرده‌اند، باید آنان را شناخت زیرا ایشان، چند نقش اساسی را بر عهده دارند: نخست این که انسان‌ها را به راه خدا رهنمون می‌شوند و آنها را در این مسیر راهنمایی می‌کنند. دوم این که خود، راهی به سوی خدا می‌شوند و سالکان طریق الی الله را یاری می‌دهند که با بهره‌گیری از این راه روشن، بی‌هیچ خطا و اشتباهی به هدف خود برسند و سرانجام چون دزی گشوده به سوی پروردگار، رهنوردان طریق هدایت را به سرای نجات و رستگاری داخل می‌سازند.

۱. بحار الأنوار ۸/۳۶۸.

۲. شیخ صدوق، کتاب الهدایة، باب الامامة، صص ۳۲ و ۳۳.

محمد بن علاء جرجانی نقل می‌کند که در مراسم حج، امام رضا علیه السلام را در حال طواف دیدم. به ایشان عرض کردم: فدایت شوم، معنای این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله چیست که فرمود: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است»؟ امام فرمود: بلی، پدرم، از جدم، از حسین بن علی، از علی بن ابی طالب این سخن را نقل فرمودند. از امام سؤال کردم: فدایت شوم، مراد از مرگ جاهلی چیست؟ فرمود: یعنی مشرک مرده است.<sup>۱</sup> این روایت پیامبر در منابع روایی اهل سنت فراوان با همین مضمون و عبارات، فراوان نقل شده و صحت آن مورد تأکید قرار گرفته است: «هر کس بمیرد و اطاعت از امامی برگردن او واجب نباشد، به مرگ جاهلی مرده است».<sup>۲</sup> این حدیث دلیل حقانیت مذهب اهل بیت علیهم السلام است چون عدم شناخت امام و اطاعت از او و بیعت با او، مساوی با مرگ جاهلی شمرده شده و معلوم است منظور از امام در این عبارت پیامبر، حاکمان جور نیست زیرا شناختن حاکمان ستمگر ارزشی ندارد که عدم آن مساوی مرگ جاهلی باشد. پس باید امام معصوم، مراد پیامبر باشد که جزائمه اثنی عشر، مصداق دیگری برای آن نمی‌توان یافت.

امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر واژه اعراف در قرآن آیه «ما بر اعراف هستیم و یارانمان را از سیمایشان می‌شناسیم»<sup>۳</sup>، فرمودند: ما همان اعراف هستیم که خداوند جز از راه معرفت ما شناخته نمی‌شود. ما همان اعراف هستیم که خداوند عز و جل در روز قیامت بر صراط

۱. ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب/ ۴۹۵.

۲. از جمله صحیح مسلم ۳/۱۴۷۸؛ بیهقی، مسند احمد ۲۸/۸۸؛ السنن

الکبری ۸/۲۷۰؛ ابن حجر هیثمی، مجمع الزوائد ۵/۲۱۸ و...

۳. اعراف: ۴۶.

ما را [به مردم] می شناساند. پس به بهشت نرود مگر کسی که ما را بشناسد و ما هم او را بشناسیم و به دوزخ نرود مگر کسی که ما را انکار کند و ما نیز او را از خود ندانیم. اگر خداوند تبارک و تعالی می خواست، خودش را [مستقیم] به مردم می شناساند، ولی ما را درهای خود، صراط خود، راه خود و مسیری که از آن داخل شوند، قرار داد. پس هر کس از ولایت ما سرپیچی کند یا دیگری را بر ما ترجیح دهد، از راه درست (صراط)، سخت منحرف شده است.<sup>۱</sup> آری مأموم، باید امام خود و حقانیت امامت او و صدق ولایت او را بشناسد تا بتواند از او پیروی کند و امام نیز مأموم را بشناسد تا او را هدایت نماید. بنابراین، داخل شدن در بهشت متوقف بر این است که امام، مأمومین خود را بشناسد و مأمومین نیز امام خود را. دیگر آن که معرفت امامان و معرفت حقانیت امامت و صدق ولایت آنها، رکنی از ارکان دین است و هیچ کس داخل بهشت نمی شود مگر این که این رکن را به درستی برپا دارد.

اولین تلاش ما در شناخت امام، استمداد از خود خداوند برای تسهیل این معرفت است که در دعاها از او بخواهیم ما را به گلزار این معرفت وارد نماید؛ لذا از همه ما خواسته اند پیوسته دعا کنید که خداوند امام و حجتش را به شما بشناساند؛ زیرا اگر حجت او را نشناسیم، از دین گمراه می شویم: «بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می گردم» (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي).<sup>۲</sup> تلاش بعدی، مطالعه آثا علمی دانشمندان

۱. الکافی ۱/۱۸۴.

۲. کمال الدین ۲/۵۱۲.



در معرفی صفات و کمالات و میراث علمی امامان است که با خواندن آن‌ها، هم امامان را بیشتر می‌شناسیم و هم با رهنمودهای آنان که در قالب روایات به ما رسیده است، آشنا شده و زندگی خود را بر اساس آن رهنمودها، تنظیم می‌کنیم؛ و گام سوم، توسل و تمسک به ذیل عنایات امام زمان خویش و پیوند قلبی با آن عزیز است تا خود به کمک ما آید و راه‌های معرفتش را به ما بنمایاند تا از این طریق او را بهتر و بیشتر بشناسیم.

## انتظار سازنده

انتظار، گواه خوبی برای پیوند است؛ انسان کسی را که دوست نمی‌دارد، میل دیدنش را هم ندارد و انتظارش را هم نمی‌کشد؛ بلکه دوست می‌دارد هرگز او را نبیند! انتظارِ یک مهمان دوست داشتنی است که ما را به تکاپو وامی‌دارد و خانه را برایش آب و جارو می‌کنیم و تابلویی را که او دوست دارد، بر دیوار می‌آویزیم و برای دیدنش، لحظه‌شماری می‌کنیم و برای وصالش، روز و شب را می‌شماریم روز و شب! منتظران گشایش الاهی، آنان که فرج را انتظار می‌کشند، همین انتظارشان که نشان دوستی الاهی است، ارزشمند است و در نظر پیامبر خدا ﷺ، عبادت شمرده شده است: «برترین عبادات، انتظار فرج است» (أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ).<sup>۱</sup> طپش قلب عاشقان برای دیدار محبوب، سرود منتظران برای رؤیت موعود، گلباران راه عبور معشوق، شعراشتیاق برای آن وجود مسعود، همه نشان انتظار آن مظهر جمال الاهی، حجت بالغه ربّانی، محبوب همه انبیاء و اولیا یعنی حضرت مهدی، صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که این چنین قلوب را به کمند محبتش تسخیر نموده است.

پیوند با جان جهان

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به آن حضرت بیشتر باشد، ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن

۱. بحار الأنوار ۵۲/۱۲۵.

حضرت، هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند؛ وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد / که در این آینه صاحب نظران حیرانند! برای آگاهی از مقام عظیم امامت، بهترین متن، زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق آن است تا کمالات نورانی آنان، برای طالبان معرفت روشن شود و بعد مطالعه کتب مهدوی و روایات آن وجود مسعود و احادیث امامان پیشین در باره ایشان. شرط دیگر، آمادگی است: به گونه ای که هر لحظه منتظر ظهور باشد که هرگاه این خبر را به او بدهند، خوشحال شود و آماده یاری آن حضرت باشد و با مال و جان خویش در راه آن حضرت جهاد نماید. و این آمادگی مختص زمان ظهور نیست بلکه در دوران غیبت نیز آماده فداکاری در راه امام باشد و ایشان را در رسیدن به اهدافش یآوری کند.

شرط دیگر منتظر واقعی، دوستی و محبت به امام عصر عجل الله فرجه الشريف است؛ تا محبت به امام زمان در وجود کسی شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد، نمی تواند دعوی انتظار کند و به وظایف منتظران عمل نماید. محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به دستور خدا از ما خواسته است؛ آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «بگو که من برای مزد رسالتم از شما چیزی نمی خواهم جز دوستی با نزدیکان و اهل بیتم» (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى).<sup>۱</sup> در روایت معراج از قول پیامبر صلی الله علیه و آله، چنین می خوانیم: در شب معراج، خداوند به من فرمود: آیا می خواهی جانشینان خویش را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: پیش بیا. چون پیش رفتم ناگاه علی بن

پیوند با جان جهان

ابی طالب و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم را که همچون ستاره‌ای درخشان در میان آنان بود، دیدم. گفتم: ای پروردگار من! اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این قائم است، حلالم را حلال و حرامم را حرام می‌نماید و از دشمنانم انتقام می‌گیرد، ای محمد او را دوست بدار که من او و دوست دارنده او را دوست دارم»<sup>۱</sup>.

شرط دیگر، ارتباط با دیگر منتظران است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، صاحب زمان و امام همه جهان است و نیاز به یاوران بسیار که همدل و متحد و همسو و توانمند باشند، دارد. منتظران باید در ازدیاد یاران آن حضرت از طریق تبلیغ و تعلیم بکوشند. کار فردی در خدمت به امام خوب است اما تأثیرش به اندازه کارهای گروهی و تشکیلاتی نیست. کارهای فردی باید به سوی کارهای گروهی و تشکیلاتی برود که شعاع تأثیرگذاری و ماندگاری آن بیشتر شود. شروط دیگر انتظار، دعای فردی و گروهی برای تعجیل در فرج است. منتظران واقعی در هر لحظه انتظار از خدا می‌خواهند که هر چه زودتر او را برساند. بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظران حضرتش می‌باشد که از سوی خود آن حضرت نیز توصیه شده است. دیگر ارسال هدایای معنوی و ثواب امور مستحبی و نیابت در کارهای خیر، و از دست ندادن روح امید - حتی در سخت‌ترین شرایط - و نیز امید دادن به دیگران است.

۱. ترجمه «الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه»، ص ۴۶۷.

## تعظیم شعائر

بدون شعار و نشان و عنوان و پرچم و نماد، شناخته نمی‌شویم. خداوند در قرآن چندین بار از «شعائر» سخن به میان آورده و به مسلمانان فرمان داده است که شعائر الاهی را بزرگ شمرده و آن را گرامی دارند و نیز تکریم و پیروی از شعائر را نشانه تقوی قلبی مؤمنان شمرده است (وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)¹.

شعائر خدا یعنی علامت‌هایی که انسان از آن علامت‌ها به یاد و نام خدا می‌افتد و او را بزرگ می‌دارد. مثلاً شعائر عبادی، مکان‌ها و نشان‌هایی است که خدا آن‌ها را برای عبادت قرار داده و انسان را به یاد خدا می‌اندازد مثل صفا و مروه که دو مکان و علامت برای عبادتند (انّ الصفا و المروة من شعائر الله). نماز، روزه، حج، زکات، اذان، اقامه و... نیز از شعائر الاهی‌اند. بسم الله الرحمن الرحیم از شعائر ماست که هرکاری را با آن آغاز می‌کنیم؛ اذان از مهم‌ترین شعائر ماست که با الله آغاز (الله اکبر) آغاز و با الله هم پایان می‌یابد (لا اله الا الله) و در آن، يك دور عقائد و شتاب برای عبادت، با صدای بلند اعلان و اظهار می‌شود.

تعظیم شعائر، نشانه تقوی است و امام متقیان حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه، تعظیم آن را دوست می‌دارد و دوستداران امام با بزرگداشت این شعائر، پیوند خود را با امام، محکم‌تر می‌نمایند. هر مکان و علامت و مراسم و اعمالی که برای عبادت

باشد و انسان را به یاد خدا اندازد، جزو شعائر اسلامی محسوب می‌شود همانند حج که یکی از مهم‌ترین شعائر اسلام است و مسلمانان از سراسر جهان برای عبادت در يك مكان مقدس اجتماع می‌کنند. نمازهای جماعت و نماز جمعه از دیگر شعائر است. بزرگداشت اعیاد و ایام الله مثل عرفه و قربان و فطر و غدیر و... نیز از شعائر مهم به شمار است زیرا در این بزرگداشت‌ها، یاد خداوند زنده می‌شود و نشان مسلمانی است و مسلمانان بر محور آن‌ها گرد آمده و با تعظیم آن شعائر از گمراهی و ضلالت مصون می‌مانند. برگزاری مجالس وعظ و دعا و قرآن و تعلیم دین و ذکر احادیث پیامبر و معصومین علیهم‌السلام، اجتماع بر محور هدایت و یاد خداست و بهترین مصادیق تعظیم شعائر الله است. همچنین، اعیاد اسلامی، بزرگداشت موالید و وفیات پیامبر و امامان علیهم‌السلام، به زیارت آن‌ها شتافتن و برقراری جشن و سرور در ایام شادی و برگزاری عزا و ماتم در ایام حزن آن‌ها، را از مصادیق تعظیم شعائر شمرده‌اند.

اما نکته‌ای که در تعظیم شعائر باید توجه داشت این است که خوب معرفی شوند و با تعلیم و تبلیغ، بعد معرفتی آن‌ها بازو تبیین شود تا این اقدام از روی آگاهی و ایمان و مهرانجام شود. از آنجا که این شعائر نقش مهمی در تقویت روحی و تحکیم باورها و جذب توفیقات برای برگزارکنندگان ایفا می‌کند، دشمنان هم سعی می‌کنند شعله آن را خاموش نمایند. البته آن‌ها معمولاً کار مبارزه با شعائر را، به‌طور پله‌پله شروع می‌کنند؛ نخست پاره‌ای از شعائر را مورد حمله قرار می‌دهند و پس از موفقیت، به مبارزه با بقیه می‌پردازند. دشمن، برای نابودی کل شعائر، همواره از مبارزه



با پرشورترین و چشم‌گیرترین آن‌ها (مثل عاشورا) آغاز می‌کند تا با شبهه‌هایی مردم را در برگزاری سست یا مردد کند. چنان‌چه در حمله به این‌گونه شعائر، با دفاعی سخت و جانانه روبه‌رو شد، جا می‌زند و عقب می‌نشیند و انجام توطئه را به فرصتی دیگر وامی‌نهد و اگر مقاومتی جدی و کوبنده ندید حمله را تا فتح خاکریزهای بعدی ادامه می‌دهد.

در دوران امامت امام عصر ارواحنا فداه، علاوه بر تعظیم شعائر اسلامی - مانند آنچه ذکر شد -، باید به بزرگداشت شعائر مهدوی نیز اهتمام نمود. از جمله آن‌ها می‌توان نام برد: بزرگداشت نیمه شعبان زادروز میلاد آن امام مهربان به بهترین و باشکوه‌ترین شکل؛ بزرگداشت آغاز امامت ایشان، بزرگداشت روز جمعه که متعلق به آن حضرت است و ظهور ایشان در این روز، متوقع است (هذا يوم الجمعة و هو يومك المتوقع فيه ظهورك) و خواندن دعاهای مهدوی در این روز، و نیز بزرگداشت روزها و ساعات خاصی که به نوعی به ایشان تعلق دارد؛ خواندن فردی و دستجمعی دعاهای فرج در مراسم و محافل و بعد از اذان‌ها و در آغاز و پایان مجالس مختلف عبادی و تعلیمی و خدمتگزاری و در اعیاد مختلف و مناسبت‌های شادی و سوگواری، جشن‌ها و تراجم به عنوان نماد و نشان شیعی و مهدوی، که مصداق تقوای قلوب است. نوع دیگر شعائر مهدوی، متبرک کردن فضای خانه و محل کار و مراکز عمومی و بیلبوردهای شهری و معابر و میادین به نام نامی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با طراحی هنری و گرافیک زیبا و پیام‌های دلنشین در باره آن وجود مسعود است. تابلوها و لوازم تزئینی و هنری مزین به نام و یاد امام که بر دیوار منزل یا محل کار، یادآور مهر مهدوی باشد، همچنین

پرچم‌ها، کتیبه‌ها، پارچه نگارها، فرش نوشته‌ها، تراکت‌ها، و آویزهای قابل نصب بر سردر خانه‌ها و داخل اتومبیل‌های شخصی و اتوبوس‌ها و نیز تراکت‌های هنری و نمادهای تجسمی در ایستگاه‌های مترو، میادین و معابر که افراد را متذکر حجت خدا حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نماید با الهام از شعار و شعور و پیام و ادبیات زیبا و روح حماسه و شور انتظار و طلب دعا برای تعجیل در ظهور سرور آفرین آن موعود رهایی بخش و صدها نمونه دیگر چون این‌ها، از مصادیق تعظیم شعائر مهدوی است که همه به آن وظیفه مندیم و انجام آن‌ها موجب جلب محبت بیشتر مولای زمان خواهد شد.

## بزرگداشت میلاد

امام عصر عجل الله فرجه و پدرانش، خورشیدها و انوار الاهی هستند که آفرینش را روشن و تابناک می‌کنند. یکی زیباترین تعبیرها از نور بودن امام، عبارتی است که در مورد صاحب الزمان عجل الله فرجه، در دعای شب نیمه شعبان آمده است؛ خطاب به آن حضرت و میلاد و برنامه‌هایش می‌خوانیم: «نور درخشانت، و پرتو فروزانت، و نشانه روشنت در شب تاریک، آن غایب پوشیده از نظر، که عظیم بوده ولادتش، و شریف است اصل و نسبش؛ فرشتگان گواه اویند، و خدا یاور و تأیید کننده‌اش؛ آنگاه که وعده ظهورش در رسد و فرشتگان مددکاران اویند، شمشیر خداست که کند نشود، و نور حق است که خاموش نگردد، و با بردباری است که کاری بی‌منطق انجام ندهند، مدار روزگار است...» (نُورِكَ الْمُتَأَلِّقِ وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقِ وَالْعَلَمِ الثُّورِ فِي طُخْيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاؤُهُ وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُؤُ وَذُو الْجِلْمِ الَّذِي لَا يَضْبُؤُ مَدَارِ الدَّهْرِ) چه فرخنده میلادی که این‌گونه آن را ستوده‌اند.

ما، يك نیمه شعبان می‌شنویم اما از عظمتش بی‌خبریم. انبیاء و اولیاء پیش از تولدش، سر برآستان این شب ساییده‌اند و شب زنده داری کرده‌اند؛ گرنخوانی نام شاه دادرس / کی رسد دستت به آن فریاد رس؟ تا نکوبی خانه اهل کرم / کی شوی محرم بر آن اهل حرم؟ / کی خورد نامت در آن دفتر رقم؟ ... می‌شود تو خاموش بنشیننی و از نشاط و شور و برکات این شب خود را محروم سازی. بیا و بنگر شور فرشتگان را در میلادش؛ حماسه شادی را در

منتظرانش؛ نورباران طاق نصرت‌ها را در زادروزش؛ سرود مادحان را در مدح صفاتش؛ گلباران مشتاقان را بر کوچه‌ها و خیابان‌ها و میادین به پاس قدومش. آری نیمه شعبان است؛ اگر محروم بمانی، زیان دیده‌ای! بیا و به جمع مشتاقانش پیوند و ارادتت را به جنابش نشان ده، پرواز کن در میدان خدمتش، شیرین کن کام همشهریانت را به شربتی و بخوان از او حدیثی و منور کن جان‌ها را به یادش و پرکن فضای مجازی را از پیام‌ها و تراکت‌های تبریک میلادش و نوید ده آمدنش را برای امیدوارانش.

می‌شود کسی طالب پیوند با امام باشد و نیمه شعبان، زادروز میلادش را تکریم و تعظیم نکند؟ بیا و بیعت خود را با امام تازه کن! بیا و با صدای بلند بگو که دوستش داری تا همه صدایت را بشنوند و بدانند تو یاور او هستی؛ بیا و به دشمنان و مخالفانش نشان بده که یاوران امام، کم نیستند و همه جا آماده یاری او و اعلا‌ی نام و یادش هستند؛ تمام سال قمری، یک نیمه شعبان دارد و به آن می‌بالد و حالا، آن روزها و آن ساعات است؛ نیمه شعبان را احیا بگیر که شب قدر است؛ آیا شب‌های قدر بیدار نمی‌مانی؟! کدام قدر، بالاتر از مولای توست که صاحب شب قدر است و فرشتگان و روح، بر او فرود می‌آیند و مقدرات خلاق را تقدیمش می‌کنند (تنزل الملائكة والروح بإذن ربهم من كل امر)؛ باید از روزها قبل خودت را برای این شب تجهیز کنی، حتی از ماه قبل. واقعه بزرگ در حال وقوع است؛ نباید دست خالی از آن بیرون روی؛ نباید غائب باشی؛ نباید دشمن را با غیبتت شاد سازی؛ نه، تو می‌آیی و حتماً می‌آیی! دوستان خدمتگزار منتظر تو هستند، زودتر بیا و دلگرمشان کن؛ اندك اندك نه، فوج فوج، جمع یاران می‌رسند!

وقتی در این ایام خدمت، بزرگداشت میلاد مولا، ساعاتی با او خلوت کردی دیدم داری به آن حضرت می‌گویی: لطف کردی و ما را به خدمتگزاری آستانت پذیرفتی، دانستیم دعا‌های پدر و نیایش‌های مادر به اجابت نشسته است؛ لیک از همان نخست دانستم قامت کوتاه من در این مسیر با انبوه قصورها و تقصیرها، و دردسرهای يك یاور بی‌تدبیر، زحمت شما افزون کند و بر مشکلات شما افزاید، اما مقام خلیفة‌اللهی‌تان اجازه طرد نمی‌داد و شأن کریم بودنتان راندن را بر نمی‌تافت... چمیدن در بوستان امامت و خرامیدن در گلستان مهدویت، از یاران شما مرزبانانی ساخت که شجاعانه به مصاف گمراهان و اضلالگران رفته با سرپنجه برهان، مرگ علمی‌شان را رقم می‌زدند و بطلان‌شان را آشکار و حرکت‌شان را سد می‌نمودند. آنان با استعانت از امدادهای شما، از هیچ میدانی نمی‌گریختند و همواره برای هر مبارزه تن به تن آماده بودند تا فریب‌کاران را رسوا کنند و متجاوزان را عقب رانند و دشمنان را از مرزهای اعتقادی دور نمایند. مرا از درگاهتان نرانید، می‌خواهم کنارتان باشم و یاورتان گردم؛ به کرامت‌تان، پشتم گرم است.

## احسان و نذر

در نیکی نیکی کردن به مردم، آنقدر ادیبان سخن گفته‌اند که نتوان به شماره آورد و کتاب‌ها و مقالات و اشعار در این موضوع چنان بسیار است که فهرست آن‌ها هم، کتابی قطور خواهد بود: دانی که خدا چرا تورا داده دو دست؟ من معتقدم که اندر آن سری هست / یک دست به کار خویشتن پردازی / بادست دگرزبی کسان گیری دست؛ توکز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی... اما سخن ما اکنون چیز دیگری است و آن احسان و نیکی کردن به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. یعنی امام تورا مأمور کرده باشد که به دیگران احسان کنی، یا این که ثواب احسان خودت را به امام هدیه کنی. امام، خود کان احسان و کرامت است و خوان احسانش همه جهان را در بر می‌گیرد. او هم احسان را دوست می‌دارد و هم اهل احسان را. بنابراین می‌توان گفت، اهل احسان، با امام پیوند دارند و در این امر به امام‌شان، تأسی نموده‌اند.

امیرمؤمنان علیه السلام، احسان را يك توفيق الاهی می‌شمرد که به برخی از بندگان عطا شده است: «خداوند، برخی از انسان‌ها را برای خدمت به مردم آفریده و آنان را مورد توجه مردم و شایسته نیکوکاری قرار داده و مردم در نیازمندی‌هایشان به آنان روی می‌آورند؛ آنان در روز قیامت، ایمن و آسوده‌اند». 'شاهدیم بعضی‌ها می‌خواهند احسان کنند اما یا مجال نمی‌یابند یا عمرشان کفاف نمی‌دهد، یا وسوسه شیطان نمی‌گذارد، یا دلبستگی به دنیا و تنبلی و بی‌حوصلگی مانع پدید می‌آورد، یا امروز و فردا می‌کنند، یا

عوامل دیگر مانع این کار خیر می شود؛ لذا فرصت های خیررسانی را باید غنیمت شمرد و از دست نداد. امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه تصمیم به کار نیکی گرفتی، درنگ مکن و در انجام آن بشتاب؛ زیرا نمی دانی که چه پیش خواهد آمد!». آن کسی را بستایید که اندر همه عمر/بهر آسایش مردم قدمی بردارد/ نیک مرد آن که نگردد دل او هرگز شاد/ مگر از خاطر کس، بار غمی بردارد.

نذر، نیز بابی از پیوند است و از دیرباز در میان اقوام و ملل بوده و آن عمل خیر و ثوابی است که فرد برای خدا برعهده می گیرد تا حاجتی از او روا شود. نذر در واقع یک نوع توسل به خدا و اولیای اوست برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات که روش های متعددی هم برای آن وارد شده و لازم نیست چیزی که نذر می کند حتماً مادی باشد بلکه نذر می تواند عبادت یا زیارت یا ذکر یا قرائت قرآن یا صلوات و امثال آن باشد. نذر، يك رابطه صمیمی میان خلق و خالق است به منظور تقرب و نزدیکی بیشتر با خالق و تقویت روح عبودیت و رسیدن به مطلوب و برآورده شدن حاجت و نجات از مصائب و تقویت انگیزش در سیر و سلوک معنوی و توسل و تمسك به اولیای الهی و کسب یاری از ایشان که مقربان حق اند. نذر سنتی است که مورد اهتمام تمامی انبیاء الهی و امت های گذشته بوده و در اسلام نیز سابقه دیرینه دارد.

قرآن کریم داستان نذر همسر عمران، یعنی مادر حضرت مریم علیها السلام را نقل می کند و می فرماید: و به یاد آورید هنگامی را که همسر عمران گفت: «خداوندا آنچه در رحم دارم برای تو نذر کردم که آزاد و در خدمت خانه تو باشد. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی» و در سوره



مریم پس از نقل داستان تولد حضرت عیسی علیه السلام خدای متعال به حضرت مریم علیها السلام می فرماید: هرگاه کسی از انسان ها را دیدی (با اشاره) بگو: «من برای خداوند رحمان، روزه ای نذر کرده ام؛ بنابراین با کسی سخن نمی گویم»<sup>۱</sup> و هنگام نقل نذر اهل البیت برای سلامتی حسنین علیهما السلام می فرماید: «آنان به نذر خویش وفا می کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می ترسند»<sup>۲</sup> نذر برای امام عصر ارواحنا فداه، از مجرب ترین نذرهاست؛ چه نذرهای مادی که در راه ترویج نام و یاد و راه آن حضرت خرج شود و چه نذرهای معنوی اعم از عبادات و زیارات و نیابت ها و دعاها و قرائت قرآن و برگزاری مجالس معرفتی و تذکری و تبلیغی، امروز امام حقی و خلیفه الله و واسطه خلق و خالق اوست و به دست او گره ها گشوده می گردد و اگر چیزی یا کاری، نذر آن بزرگوار شود، مورد توجه واقع شده و گره گشایی می شود و به پیوند عقیق ترمی انجامد.

۱. مریم: ۲۶.

۲. انسان: ۷.

## اوقاف مهدوی

وقف‌های مهدوی نیز یکی از نشانه‌های پیوند منتظران با امام است. واقف با رضا و طیب خاطر، چیزی از ملك مادی یا معنوی خویش را «قربة الی الله»، از ملکیت خویش خارج و با آداب وقف، آن را در راه خدا جهت استفاده افراد خاص یا عام وقف می‌نماید تا نشان دهد از مال نیز در راه اهداف الهی، می‌گذرد. وقف مهدوی، وقفی است که واقف در راه ترویج نام و یاد و راه مولایش و اهداف مهدوی، ثروتی را وقف یا موسسه و مدرسه و درمانگاه و خیریه ای را به نام نامی امام عصر ارواحنا فداه می‌سازد و وقف می‌کند تا در مسیر اعتلای نام و راه آن حضرت جریان یابد. «وقف» را «میراث جاویدان» گفته‌اند زیرا یادگاری است که برای همیشه از انسان باقی می‌ماند. کافی است به اطراف خود نگاه کنید تا ببینید چقدر درمانگاه، مدرسه، حوزه، دانشگاه، حسینیه، مهدیه، مسجد، صندوق قرض الحسنه، کتابخانه، بنیاد و مؤسسه خیریه و ده‌ها نوع از این امور عام‌المنفعه از دیگران به یادگار مانده است که ذخیره جاودان واقفانی است که پرونده اعمال آن‌ها با مرگشان بسته نمی‌شود و تا آن خیر، جاری است ثوابش در پرونده آن‌ها ثبت و ضبط می‌گردد. برای موقوفات هم می‌توان متولی تعیین نمود تا بر حسن اجرای مورد وقف نظارت و پیگیری نماید. یکی از بزرگ‌ترین موارد وقف، وقف‌هایی است که ایرانیان برای آستان قدس رضوی نموده‌اند که امروز در اختیار عموم است. حتی هنرمندان و ورزشکاران بهترین آثار و مدال‌های خود را وقف آن آستان نورانی کرده‌اند که در موزه رضوی قابل رؤیت است.

اما امروز سخن از اوقاف مهدوی است. منتظران آستان مقدس مهدوی که همه هستی خود را متعلق به مولایشان می‌دانند از دستاوردهای زندگی خود در راه مولایشان وقف‌هایی می‌نهند تا هم نام مولایشان را بیشتر در جامعه مطرح کنند و هم به مردم به نام آن حضرت، خیربرسانند چه خیر علمی یا درمانی یا عبادی یا انواع دیگری از امداد و نیکوکاری به این منظور که رایگان از آن بهره برند تا خود را بیشتر و امدار حضرتش شمارند و یادش نمایند و با او پیوند گیرند و برای ظهورش دعا کنند. وقف‌های مهدوی می‌تواند نقش جاودانی تبلیغ صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه را ایفا کند به نوعی که هر جا بنگری یادی از آن عزیز باشد و سفره کرامت ظاهری او همه جا گسترده باشد.

آنان که به لطف خدا دارای تمکن مادی خوبی هستند، به طور فردی یا مشارکتی نهادهای خیریه‌ای به نام صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه، ایجاد نمایند و با يك اساسنامه خوب و محکم و نیز تعیین متولیانی امین و هوشمند یا هیأت امنایی قوی، آن نهاد را در خدمت جامعه قرار دهند. این هیأت امنای نیز موظف باشند برای بعد از خود جانشینانی معین کنند تا این نهاد در آینده با مشکلی مواجه نباشد. تجربه‌های بعضی نهادهای وقفی موفق می‌تواند، راهنمای آنان باشد. اختصاص ثلث اموال به این وقف مهدوی از بهترین موارد ثلث در وصیت‌نامه‌هاست و البته بهتر است افراد این ثلث را خود در زمان حیات معین و اجرایی کنند و به عهده وارثان نگذارند. این‌گونه وقف، مصداق صدقه جاریه‌ای است که ثوابش سال‌ها و قرن‌ها برای فرد واقف یا گروه واقفین، ماندگار خواهد بود.

اهتمام به وقف مهدوی، فقط برای افراد دارای تمکن فراوان مادی نیست - اگرچه آنها بیشتر در این زمینه وظیفه‌مندند - وقف‌های کوچک نیز در جای خود بسیار کارساز و مفیدند. يك آبخوری برای تشنگان، يك مصحف قرآن یا کتاب دعا، وقف کتب شخصی، وقف يك طبقه یا يك بخش از خانه برای مراسم و جلسات آموزش دینی و قرآن، وقف حق التالیف آثار برای خدمات عام‌المنفعه، وقف تابلوها یا آثار هنری یا وسائل کاربردی برای مراسم مذهبی و هزاران نمونه دیگر از این نوع و البته به نام نامی حضرت بقية الله ارواحنا فداه، از جمله وقف‌هایی است که بسیاری از افراد قادر به انجام آن هستند و نباید از آن غافل بمانند. این وقف‌ها، یقیناً جاذب توجهات و عنایات مهدوی برای واقفین خواهد بود. وقف‌های مهدوی می‌تواند نقش جاودانی تبلیغ صاحب الزمان عجل الله فرجه را ایفا کند به نوعی که هر جا بنگری یادی از آن عزیز باشد و سفره کرامت ظاهری او همه جا گسترده و همه از خوان کرامت ظاهریش بهره‌مند باشند چنان‌که از خوان کرامت معنویش بهره‌مند هستند. الغرض، منتظران به اوقاف مهدوی بیشتر اهتمام نمایند که موجب پیوند عمیق‌تر آنان با مولای مهربانشان خواهد بود.

## فضای مجازی

در زمان ما از طریق اینترنت و فناوری‌های جدید آی. تی و آی. سی. تی، فضای مجازی برای ارتباط به وجود آمد که موجب پدید آمدن شبکه‌های اجتماعی و انواع سایت‌ها و فضاهای ارتباطی جدید گردید. پدیده فضای مجازی این امکان، را به اقشار مختلف با دیدگاه‌های متفاوت داد تا افکار خود را در این بستر، ارائه دهند و با افکار مخالف خود به ستیز پردازند. تقریباً همه مذاهب بزرگ و کوچک، قدیم و جدید، مشهور و ناشناخته، فرقه‌ها و گروه‌های فکری متفاوت و متناقض در این فضای سایبر حضور دارند و فضای کوچک یا گسترده‌ای را در دنیای مجازی اشغال کرده‌اند. این میان، آموزه‌های دینی به شدت از سوی مخالفان دین، لایک‌ها و دین ستیزها مورد حمله قرار گرفته و شبهاتی که تا به حال نمی‌توانستند به این گستردگی نشر دهند، با استفاده از این مجال، به نشر و پخش آن پردازند تا در اعتقادات و باورهای دینداران رخنه کنند و بر جمع خود بیفزایند. این حجم تهاجم فرهنگی به دین در گذشته سابقه نداشته و دغدغه‌های بسیاری را برای خانواده‌ها و گروه‌های دین مدار که خود و فرزندان‌شان در این فضا حضور می‌یابند، ایجاد کرده است.

این شرایط، همه فعالان فرهنگ دینی بویژه مرزبانان مهدوی را برانگیخت تا خود را به این فناوری تجهیز نموده و از آن برای ارتباط با اقشار عظیم مردم بهره گرفته و آگاهی‌های لازم را نشر داده و با انحرافات و تشکیکات مقابله نموده و هدایت‌گر باشند و معرفت مهدوی را در همه ابعاد از طریق این امکانات بگسترند. فضای

مجازی، اگرچه وسیله‌ای برای گمراه سازان شد اما مؤمنان و مرزبانان دین، به زودی دریافتند که این حوزه از حوزه‌هایی است که دین می‌تواند حضور جدی در آن داشته باشد؛ هم در زمینه اطلاع رسانی و آموزش و هم انجام مناسک و حفظ شعائر و توسعه فرهنگی و تمدن سازی. نسل اول این فضا، شامل ایمیل، وب‌سایت، موتورهای جست‌وجو، یلو پیج‌ها، دایرکتوری‌ها، چت‌روم‌ها بود و نسل دوم شامل شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، میکرو بلاگ‌ها، شبکه‌های دوست‌یابی، شبکه‌های اجتماعی، ویکی‌ها، سایت‌های اشتراک‌گذاری، پیام‌رسان‌ها، تالارهای گفت‌وگو، گروه‌های ایمیلی، خبرخوان‌ها، پادکست‌ها و لینک‌دان‌های عمومی که همه می‌تواند در نشر فرهنگ مهدوی، کارساز شود.

مرزبانان مهدوی دریافتند که می‌توان فضای مجازی را به تسخیر خود درآورد؛ مهم‌ترین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، پویایی آن‌هاست که سبب می‌شود تا افراد بهتر بتوانند گرایش‌های سیاسی و مذهبی‌شان را نشان دهند از طریق ایجاد هویت، اشتراک‌گذاری و یادگیری، بسیج‌کنندگی و سازمان‌دهی، دوستی و تعمیق آن، اعتماد، ایجاد حلقه‌های مخاطبان، استناد و تعمیم، قدرت کندوسازی از طریق لینک‌دهی، استناد و تعمیم به خاطر ارسال فیلم و عکس و متن، چند رسانه‌ای بودن، ادغام فناوری‌ها، گپ، نقد بی‌رحمانه، دنبال کردن و دنبال شدن، پرستیژ و تشخص، بازانتشار، خرد جمعی، جهانی بودن، انواع سرگرمی‌ها، جست‌جو شدن، قابلیت خبررسانی، ارتباط دو سویه، سفارشی شدن، ساختار دمکراتیک، قدرت سرمایه اجتماعی، تحرك اجتماعی،

ابتکار و نوآوری. این ویژگی‌ها حتی بخشی از آن‌ها، قدرت تبلیغ و تأثیرگذاری پیام‌های دینی را می‌تواند چند برابر کند و به مبلغان این امکان را بدهد که بتوانند رویدادها و برنامه‌های متنوع دینی را آزادانه با دیگران به اشتراك بگذارند و فرهنگ خود را جهانی نمایند و از همین طریق می‌توانند از برنامه‌های خود، بازخورد بگیرند و به پایش فعالیت‌های خویش پردازند.

افسران جنگ نرم و مرزبانان مهدوی دیدند که دشمنان در فضای مجازی بیشترین حملات را به آموزه‌های مهدوی از طریق تشکیک در مبانی اعتقادی مهدویت شروع کرده‌اند؛ آن‌ها نیز تشخیص دادند باید حضور جدی در این فضا داشته باشند و غیبت آن‌ها به معنی آن است که دودستی میدان را به مخالفان تقدیم و واگذار کرده باشند! این يك تکلیف برای همه ما شد که با دست پُر در سایت‌ها و شبکه‌ها و انواع فضاها گفتگوی مجازی حضور پیدا کنیم و از يك سو به شبهات مهدوی پاسخ دهیم و از سوی دیگر به تبیین دیدگاه‌های خود پردازیم. دوستان جوان باید این تهدید را به فرصت تبدیل کرده و با سایت و وبلاگ و اتاق‌های گفتگو و فعالیت‌های تعاملی در این فضا حضور یابند تا هم دوستان خود را با تبیین درست دین و آموزه‌های مهدوی، در برابر این هجوم‌ها واکسینه کنند و هم در مقابله با آن سایت‌ها و شبکه‌های دین ستیز حاضر شده و سستی براهین آن‌ها را اثبات نموده به طوری که مخاطبان خود را از دست بدهند و جذب این طرف بشوند و با امام دوران حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیوند یابند.



اگر روزگاری شعر يك رسانه بود، یعنی وقتی شاعری مفهوم جدیدی را در شعرش می‌سرود فوراً در افواه مردم جاری می‌شد و نشر می‌یافت؛ اگر روزگاری کنفرانس‌ها و خطابه‌ها و همایش‌ها يك رسانه بود؛ اگر بعدها نشریات، رسانه شدند و پس از آن رادیو و سپس تلویزیون و سینما و تأثیر رسانه شدند؛ امروز با رشد اینترنت و فضای سایبر، همه این‌ها در يك رسانه یعنی اینترنت مجتمع شدند و با ایجاد انبوهی از شبکه‌ها و کانال‌های اجتماعی تبدیل به رسانه گسترده‌ای شده‌اند که روزانه میلیاردها مراجعه به آن‌ها می‌شود و می‌توان گفت جدیدترین رویدادها ظرف چند ثانیه در اختیار همه مردم جهان قرار می‌گیرد و این شگفتی روزگار ماست. علاوه بر آن، از طریق ابزارهای مدرن، هرکس می‌تواند يك رسانه باشد و خبر یا مفهومی را برای انبوهی از مخاطبان در جهان ارسال نماید. عصر ما را عصر رسانه نامیده‌اند زیرا کسی را نمی‌توان یافت که به يك یا چند رسانه دسترسی نداشته باشد و از طریق آن رسانه‌ها تغذیه فکری و اطلاعاتی نشود. رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی به صورت گسترده در دسترس و مورد استفاده عموم مردم قرار گرفته و پیام‌های مختلفی را در موضوعات گوناگون از جمله باورهای دینی چه موافق یا مخالف و چه اهل ستیز با دین منتشر می‌کنند.

یکی از کارکردهای رسانه می‌تواند آموزش، تبلیغ و ترویج پیام‌های دینی باشد و مؤمنان می‌توانند از این فرصت برای دیندار شدن مردم استفاده کنند. بدون استفاده از وسایل ارتباط جمعی نمی‌توان به

توسعه و رشد پایدار در آموزش دین و دینداری رسید و از آن جهت که رسانه‌ها و مطبوعات و فضای مجازی در تلاش‌اند تا اهداف خود را که همانا جذب سلیقه مخاطب، آموزش، تبلیغ و جهت دادن به فکر مخاطبان و ساخت یک هنجار برای تعیین سبک زندگی باشند، بهترین فرصت برای دین‌داران محسوب می‌شود تا از طریق آن مخاطب خود را به سوی سبک زندگی ایمانی و مهدوی سوق دهند. این امکان - که امروز به مثابه يك معجزه است - اگر در اختیار نشر فضیلت‌ها باشد، خوبی‌ها و فضیلت‌ها را می‌پراکند و اگر ابزار فاسقان باشد، رذیلت‌ها را رسانه‌ای می‌کند. اختیار با ماست و اراده و همت ما که چقدر آن را جدی بگیریم و از آن بهره ببریم!

مبلغان دینی می‌توانند با استفاده از بستر رسانه‌ها و پایگاه‌های وسایل ارتباط جمعی نوین با شناخت سواد رسانه‌ای، نوآوری و بهره‌گیری از هنر تبلیغات و ارتباطات تصویری و نوآوری در تبلیغ، ایجاد جاذبه و انتقال پیام‌ها و ارزش‌های اسلامی در کمترین زمان و گستردگی و مشمولیت بیشتر ضمن تشویق، ترغیب و اقناع مخاطبان بویژه جذب حداکثری نسل جدید و جوان، منجر به ارتقاء و رفعت جایگاه دین در بین عموم مردم به ویژه جوانان شوند. همچنین با استفاده از ظرفیت رسانه و فضای مجازی، ضمن مبارزه با خرافات و انحرافات، در پاسخ‌گویی و رفع شبهات، سبک دهی زندگی اسلامی و مدیریت امور مسلمانان تأثیرگذار بوده و می‌توانند در دستیابی به اهداف، برنامه‌ها و آموزه‌های دین موفق‌تر عمل کنند. اصولاً وظیفه رسولان الهی همین رساندن

است: «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» بر پیامبر [خدا، وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست.

شاید در هر دقیقه‌ای میلیاردها کلمه توسط رسانه‌ها به زبان‌های مختلف در جهان نشر می‌یابد، سهم ما از این همه چقدر است و آیا در این مصاف و میدان، بازیگریم یا تماشاچی؟ آیا همت می‌کنیم در تبلیغ رسالت‌های الهی (که فرموده‌اند الذین یبلغون رسالات الله...) چنین رسانه‌ای باشیم که پیام پاکی‌ها و فضیلت‌ها و راستی‌ها را به همه گوش‌ها و چشم‌ها و جان‌های آماده شنیدن و دیدن و اندیشیدن برسانیم؟! امروز همه مردم جهان، خسته از نظامات بشری، به دنبال گمگشته آرمان‌های خویش در رسیدن به یک جامعه زیبا و برین و داد بنیان است اما نشانی آن را نمی‌داند و با ویژگی‌هایش آشنا نیست و گونه وصول به آن را نمی‌شناسد؛ آیا ما رسانه می‌شویم تا دست او را در دستان موعود رهایی بخش از جنس مسیح بگذاریم تا دردهای او را التیام بخشیم؟ آیا تلاش کرده‌ایم تا با قابلیت‌های رسانه و زبان و ساز و کار آن آشنا شویم تا بتوانیم نام و یاد و راه امام مهربانی‌ها را از طریق آن برای همه مردم هر جا که هستند تبیین کنیم؟ گفته‌اند وقتی حضرتش از کنار کعبه سخن آغاز می‌کند همه مردم جهان می‌شنوند (این یعنی رسانه) آیا اکنون که رسانه در اختیار ماست، پیامش را نرسانیم و دل‌ها را با او پیوند ندهیم؟! پیوند با جهان

## نگاه جهانی

انسان مسلمان به پیروی از قرآن، خود را متعلق به عقیده‌اش می‌داند و عقیده‌اش مربوط به سرزمین خاصی نیست و جهانی است: «نیست این [قرآن] مگر يك تذکر و بیدارباش برای تمام جهانیان»؛<sup>۱</sup> و «تورا نفرستادیم مگر آن‌که برای همه مردم بشارت دهنده و بازدارنده باشی»<sup>۲</sup>؛ و «ای مردم، من فرستاده‌ی خدایم برای همه شما».<sup>۳</sup> در قرآن هیچ آیه‌ای که نشان دهد، این دین منحصرأً برای اعراب یا قومیت دیگری باشد، وجود ندارد. خطاب‌ها گاهی به مؤمنین است (با یا أیّها الذین آمنوا) که می‌توانند صاحب هر ملیتی باشند و گاهی هم خطاب به همه مردم (با یا أیّها الناس) که تمام مردم جهان را در بر می‌گیرد. تاریخ هم نشان داده است که غیر از همان یکی دو قرن اول هیچ‌گاه حجاز بزرگ‌ترین مرکز اسلامی نبوده است، بلکه از آن تاریخ به بعد همیشه حوزه‌های بزرگ اسلامی در مصر و بغداد و نیشابور و ماوراء النهر و مراکز دیگر تشکیل می‌شد و همیشه ملت‌های غیر عرب پرچمداران اسلام بوده‌اند.

آموزه‌های دینی، نگاه ما را جهانی می‌کند و جهانی می‌خواهد! در آیات الاهی، سخن از «ناس» به معنای همه مردم است: پیامبر ما به سوی همه عالم مبعوث شده و رحمت برای همه جهانیان است (وما ارسلناک الا رحمة للعالمین)<sup>۴</sup>؛ همه زمین گستره دین الاهی است و سرانجام کل زمین به صالحان سپرده خواهد شد (أَنَّ الارض لله

۱. تکویر: ۲۷.

۲. سبأ: ۲۸.

۳. اعراف: ۱۵۸.

۴. انبیاء: ۱۰۷.

یرثها عبادی الصالحون)¹ و به دست صاحب الزمان عجل الله فرجه تمامی آن مهد توحید خواهد شد (لیستخلفنهم فی الارض... یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا)². دلیلی ندارد کسی در هر نقطه جهان از نعمت هدایت، محروم بماند. ما در دعاهامان آموخته‌ایم که برای رفع مشکلات همه مردم جهان دعا کنیم و شفای همه بیماران، ادای دین همه قرض داران، آزادی همه زندانیان، رفع رنج همه رنجوران را از خدا بخواهیم (اللهم اشف کل مریض، اللهم اقض دین کل مدین، اللهم فک کل أسیر، اللهم فرج عن کل مکروب...)³. این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوتش به ملت و قوم مخصوص اختصاص نداشته بلکه می‌کوشیده که با وسایل مختلف ریشه ملت پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن برکند؛ و این اختصاص به اسلام هم ندارد و همه ادیان بزرگ جهان، آن اندازه که در سرزمین‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفته‌اند در سرزمین اصلی که از آنجا ظهور کرده‌اند مورد استقبال قرار نگرفته‌اند؛ لذا نگاه، نگاه جهانی است نه نگاه ملی.

پیامد این نگاه جهانی، باید مطالعه و تحقیق باشد در اوضاع جهانی، فرهنگ ملت‌ها، مشکلاتی که بشریت با آن‌ها روبه‌روست، پیدا کردن راه حل‌ها، برنامه‌ریزی برای اقدام و شتافتن برای نقش آفرینی در هدایت هم‌نوعان خود و شهروندان جهانی. باید سفر کرد و دیگران را هم از جام هدایت نوشاند؛ باید از رسانه‌های مجازی بهره برد و داری دردها و آلام بشریت را در اختیارشان گزارد؛ باید

۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲. نور: ۵۵.

۱۰۲. مفاتیح الجنان، دعاهای رمضان.

برای سازمان‌های بین‌المللی تبیین کرد که چقدر در فرهنگ ما بر همبستگی انسان‌ها برای نجات جهان از فقر و تبعیض و محرومیت و جهل و ظلمت و گمراهی تأکید شده است؛ باید به آن‌ها گفت بیایید با هم متحد شویم و خود را برای نجات جهان تحت رهبری منجی جهانی آماده کنیم و همه يك صدا او را از خدا بخواهیم تا این جهان تاریک به ظهورش نورانی شود.

دغدغه هدایت همه انسان‌ها، انسان منتظر را وامی‌دارد که هرطور می‌تواند انسان‌های دیگر را در هر کجای این جهان که باشند، به راه خدا رهنمون شود و آموزه امیدآفرین مهدویت را در اختیار همه جهانیان گزارد. برای این هدف، آموزش زبان دیگر ملت‌ها برای گشودن راه ارتباطی، تجهیز به دانش حضور در فضای مجازی، مهاجرت به مناطق دیگر برای ارتباط و گفتمان‌سازی و هدایت، استفاده از رسانه‌های مختلف و امواج ماهواره‌ای برای رساندن پیام و تبیین باورها و رفع شبهات و خلاصه هرگونه اقدامی که به راهیابی و هدایت بیانجامد، اندیشه او را مشغول می‌دارد. او برای آشنا کردن و پیوند انسان‌ها با امام خوبی‌ها و موعود همه انبیاء و اولیاء یعنی حضرت بقية الله عجل الله فرجه، سرازیر نمی‌شناسد و تمام نقاط زمین را گستره این هدف خود می‌داند و برای آن برنامه‌ریزی می‌نماید.

## تیم و تشکیلات

مهارت کار تیمی، به معنای توانایی همکاری اثربخش با دیگران برای دستیابی به اهداف، یکی از کلیدی‌ترین مهارت‌هایی است که در برنامه ریزی برای توسعه فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. تیم، به تعداد کمی از افراد گفته می‌شود که دارای مهارت‌های تکمیل‌کننده یکدیگر بوده و دارای مقاصد، اهداف، و رویکردهای مشترک هستند و بر مبنای آن‌ها به هم پیوند خورده و به یکدیگر تکیه می‌کنند. اصول کار تیم‌ها بر نیت مشترك، پذیرش مسئولیت، مهارت‌های تکمیل‌کننده، همکاری و پاسخگویی همگانی است. موضوع همکاری تیمی می‌تواند ورزش باشد یا پژوهش یا سازندگی یا امور خیر و نیکوکاری و مسئولیت اجتماعی یا امور فنی و شغلی اما نقطه مشترك همه آن‌ها در باهم بودن و همکاری گروهی است. هر موفقیتی هم که به دست می‌آورند متعلق به تیم است نه يك فرد خاص؛ این تیم است که پیروز شده است و باور همه این باشد که با هم پیروز شده‌ایم. آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت.

بهره‌وری‌های بالا در هر نوع فعالیت گروهی، حاصل تیم‌های پویا، توان افزا، با اشتیاق و با انگیزه و دانش محور است. تلاش و کار گروهی در صورتی به نتیجه می‌رسد که ارکان آن مستقر شده باشد؛ پایه‌های این کار ارزنده شامل نیت پاك، تعاون و همکاری، نظم و انضباط و مشورت است. در آموزه‌های دینی هم داریم که «در نیکی و تقوا با یکدیگر تعاون و همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ



الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ).<sup>۱</sup> در روزگار جهش‌های تکنولوژیک، و در شرایط رقابتی سنگین در همه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که همه به مهارت کار تیمی خود را مجهز کرده و رقبا با استفاده از بهره‌های فعالیت‌های تیمی، پروژه‌های بزرگی را اجرا می‌کنند و هر روز قدرتمندتر می‌شوند، نمی‌توان به کارهای فردی روی آورد که نتیجه‌اش شکست در این رقابت‌هاست. باید در کار خیر به شکل *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا*.<sup>۲</sup>

تشکیل یک مؤسسه با افرادی همسو و مورد اعتماد اما با تفاوت‌های فردی و اختلاف سلیقه، کار ساده‌ای نیست اما اگر با بردباری و سعه صدر مشکلات آن را تحمل کنیم و سازمان را جلو ببریم کارهای بزرگی را می‌توان انجام داد که هرگز به شکل فردی به انجام آن قادر نخواهیم بود. یک دانشنامه و دائرةالمعارف که حاصل کار تیمی گروهی از محققان و نویسندگان و ویراستاران است هرگز از یک نویسنده با اطلاعات محدود به وجود نخواهد آمد. مقابله با گروه‌های فرهنگی مخالف که کار تیمی انجام می‌دهند جز با کار گروهی و تیمی انجام شدنی نخواهد بود. توسعه فعالیت‌های یک مؤسسه و ایجاد نمایندگی‌ها و شعبات کاری در مناطق مختلف جغرافیایی فقط از طریق کار گروهی میسر خواهد شد. کار تیمی برکات زیادی دارد از جمله سازندگی و تربیت و آموختن افراد از یکدیگر، بالا رفتن همت‌ها، روحیه گرفتن از هم،

۱. مائده: ۲.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

احساس تعلق به جمع، هم‌افزایی و تقویت فکر از طریق مشورت و جبران ضعف‌های فردی و کار تیمی و تشکیلاتی، در آیین ما یک فرهنگ است که باید نهادینه شود؛ نمونه‌های این فرهنگ: تأکید بر نماز جماعت و جمعه؛ تأکید بر دعای گروهی و آمین گفتن همه جمع به عنوان یکی از شروط استجاب (از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه چهار نفر مجتمع شوند و دعا کنند، خداوند اجابت نماید پیش از آن که از هم جدا شوند)؛ مشارکت و تعاون در امور خیر، اعتصام به ریسمان الاهی و اجتناب از تفرق؛ همیاری و انتخاب گروه برای رفتن به سفر؛ همیاری و همکاری و نذر گروهی برای طلب شفای بیماری، یا رسیدگی به توانخواهان (همانند نذر اهل البیت علیهم السلام و انفاق آن‌ها به مسکین و یتیم و اسیر)؛ همکاری گروهی برای هدایت مردم (همانند همکاری سه پیامبر برای هدایت قوم انطاکیه چنان که در سوره یاسین ذکر شده: إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ)؛ همکاری‌های جمعی و گروهی در عرصه‌های سرمایه‌گذاری و مسایل اقتصادی و تولیدی (همچون عقد شراکت و مضایبه و مزارعه و مسابقات و...) و تشکیل عصابه و گروه و تشکیلات منظم برای نصرت دین و امام معصوم و مرزبانی از دین در برابر هجوم دشمنان گوناگون؛ بکوشید و منتظر باشید؛ گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت شده (فجدوا وانتظروا ايتها العصابة المرحومة) خدا، از هر غم و رنج و شکستی / گروه خویش را ایمن بداراد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۸۷ ح ۲.

۲. انسان: ۷-۱۰.

۳. یس: ۱۳-۲۸.

۴. ۱۰۶. نعمانی، الغيبة/۲۰۰: بحار الأنوار، ۵۲/۱۴۰.

## سفر و هجرت

اگر سفر و هجرت نمی‌بود چه بسا اسلام از مکه، فراتر نمی‌رفت! انصاف نیست سرزمین‌هایی تشنه هدایت باشند و هادیان به سوی آنان نشتابند. روا نیست جایی وفور نعمت باشد و جای دیگر، محروم از آن باشند. باید همچون رود، روان گشت و تشنه کامان را در مسیر این رفتن، سیراب نمود؛ سفرهای تبلیغی با انگیزه الهی، اگرچه از رنج خالی نبوده اما همواره دارای برکت بوده است. در سفر پیامبر به طائف، علیرغم اعراض مشرکان و رفتار زشت طائفیان، در راه بازگشت، خدمتکاری به نام عداس، ایمان آورد و برکت این سفر شد. ایمان آوردن بسیاری از شهرها و حتی کشورها نتیجه سفرهای مبلغانی بوده که به آنجا سفر کرده و به دعوت مردم پرداخته‌اند. اسلام از همین طریق به کشورهای آسیای جنوب شرقی، همچون مالزی، اندونزی، تایلند و نیز اروپا و نقاط دیگر رفته است. هدایت‌گر با اخلاصی که از شهر خود کوچ می‌کند تا سرزمینی دیگر را از دانش خود بهره‌مند سازد از مصادیق همان «مهاجرالی الله» است که خدا خود پاداش او را به عهده گرفته است: «هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه‌اش به درآید سپس مرگش در رسد پاداش او قطعاً بر خداست و خدا آمرزنده مهربان است»<sup>۱</sup>.

در امر مرزبانی مهدوی، سفر یک امر راهبردی است. همه شهرها از امکانات کافی آموزشی و تبلیغی و مقابله‌ای در مصاف با دشمنان

مهدویت، برخوردار نیستند یا نیروهای آنجا نیاز به آموزش دارند. باید با سفر معلمان و هادیان به آن شهرها، این نقیصه را برطرف نمود و هرچندگاهی نیز برای سرکشی و تشویق و رفع اشکال و آموزش‌های جدید به آن شهرها سفر نمود. در سفرهای خارجی نیز با دعوت مقیمان آنجا و یا با برنامه‌های حساب شده برای هدایت ساکنان آن محیط‌ها، مشعل تبلیغ مهدوی را برای اعلای نام و یاد و راه آن مولای مهربان فروزان داشت و با فعالیت‌های معاندان و مخالفان مقابله نمود. دردمندان باید گفت در این زمینه برخلاف دشمنان که در این راه خیلی فعالیت می‌کنند، ما بسیار قصور و تقصیر داریم و چنانکه باید و شاید در زمینه سفرهای هدایتی و تبلیغی اهل برنامه و اقدام نیستیم و فرصت‌های زیادی را از دست می‌دهیم. باید متذکر شویم که اگر با کم کاری و قصور ما کسانی در مناطق دیگر به گمراهی در غلطند، چه پاسخی خواهیم داشت.

گاهی هم وظیفه هجرت داریم. نخست وقتی که در تنگنا هستیم و تلاش‌های ما در يك مکان به ثمر نمی‌نشیند و با موانع زیادی روبه‌رو هستیم و به بن‌بست رسیده ایم و قدرت غلبه بر مشکلات در محلی که اکنون زندگی می‌کنیم را نداریم. عاقلانه‌ترین کار در این شرایط، مهاجرت است. قرآن کریم، سخن فرشتگان را خطاب به کسانی که می‌گویند ما در ضعف و تنگنا بودیم و نتوانستیم کار کنیم می‌فرماید: «آیا زمین خدا وسیع نبودید که مهاجرت کنید؟!» (قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا). نباید خود را در يك نقطه فریز کرد و تن به هرگونه محدودیتی داد و قابلیت‌های خود را خشکاند و استضعاف‌ها را پذیرفت و هیچ کاری نکرد.

پیوند با  
ن. ۱۰۸

دوم، هجرت تبلیغی به منظور گسترش دامنه تبلیغ است که در این صورت خدا نیز برای شما سعه و گشایش فراهم خواهد نمود.<sup>۱</sup> این که به کجا برویم و چگونه کار کنیم البته نیاز به طراحی دقیق و هوشمندانه دارد. استفاده از تجربیات دیگران و مطالعه جغرافیای فرهنگی اجتماعی محل مورد مهاجرت و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل محیط برای پذیرش مأموریت شما، الزامی است. هجرت، منشأ بسیاری از تحولات تاریخی بوده است: هجرت قوم بنی اسرائیل همراه موسی و عبور از نیل و استقرار در سرزمین دیگر؛ هجرت پیامبر از مکه به مدینه و تأسیس نظام الهی در آنجا از این نمونه‌هاست. ورود اسلام به بسیاری از نقاط جهان، بویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی مثل اندونزی، مالزی، تایلند و... ثمره مهاجرت بازرگانان و مبلغان بوده است. باید از قفس محیط، خود را رهانید و به سوی فضاهاى دیگر پرکشید!

البته هجرت از سرزمین مادری، وطن مألوف یا محیط خوگرفته، مشکلات و چه بسا مصائبی دارد ولی نباید این تنگناها اصل مهاجرت را برای شما زیر سؤال برد. حتی اگر هجرت دائم میسر نباشد، می‌توان با اصطلاح هجرت‌های پروازی یا مقطعی یا کوتاه مدت را سامان داد. آنچه از استعداد و توان و مهارت که خدا به شما بخشیده است را در جاهای دیگر هم به ظهور برسانید. مهارت مهاجرت را تجربه کنید. گاهی تراکم نیروها در یک جا، خود موجب رکود و حتی دلخوری و بی‌تحرکی می‌شود اما اگر هرکدام آنها به سویی مهاجرت کنند منشأ کارهای بزرگ خواهند شد. امروز بسیاری از سرزمین‌ها تشنه پیام‌های مهدوی است تا چشم‌ها از

امیدهای کاذب به امید واقعی دوخته شود و دل‌ها با امام مهربانی پیوند گیرد، چرا باید اینجا بمانیم و آن‌ها را از این نعمت محروم سازیم؟ برای این کوتاهی چه پاسخی خواهیم داشت؟

مسلمانان اگرچه در مذاهب مختلف باشند، اما به خدای واحد معتقدند و پیامبری رسول اکرم ﷺ را باور دارند و قرآن را کتاب آسمانی و کعبه را قبله خود می دانند و به نماز و روزه و سایر احکام پای بندند. لذا باید بر مبنای این اشتراکات، در مقابل مخالفان و معاندان و کینه ورزان نسبت به اسلام همچون «ید واحده» باشند و رسم برادری و هم دینی را به جای آورند و اجازه ندهند اجانب بر سرزمین های آنها دست اندازی کنند و اگرچه پنج مذهب هستند اما چون پنج انگشت يك دست در مقابل دشمنان، مشت باشند و به یکدیگری رسانی.

در هر کشوری و در هر جای جهان که هستند امت واحده باشند و اختلافات خود را هم با گفتگو و مباحثه علمی حل کنند که اسلام دین علم و برهان و بینه و هدایت است. وقتی سخن از وحدت و اتحاد امت اسلامی می رود این معنا مورد نظر است نه این که همه، عقائد خود را رها کنند و به مذهب اکثریت درآیند. حقانیت مقوله دیگری است که سر در گفتمان علمی و مباحثه و تحقیق دارد و باید به آن پرداخت و آموزش داد اما امت واحده بودن نیاز به بحث ندارد و امری عقلی است و باید در مقابل دشمنان وحدت داشت و با هر کس که این وحدت را خدشه دار کند مقابله کرد.

هرگونه نزاع و جنگ داخلی موجب تحلیل قوا و ضعف توان و ایجاد شکاف و نهایتاً شکست است. قرآن می فرماید: از خدا و رسول اطاعت نمایید و نزاع نکنید، چون سست و مضطرب و



شکننده می شوید و نیرویتان تحلیل می رود (أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ).<sup>۱</sup>

حدود يك سوم جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می دهند که علاوه بر پنجاه و هفت کشور اسلامی (اعضای سازمان همکاری های اسلامی) در بقیه دو بیست کشور جهان هم به شکل اقلیت های پراکنده اما مورد توجه، زندگی می کنند. بیشترین ذخائر جهان در اختیار آن هاست و شایسته است با اتکا به آن، سیادت جهانی داشته باشند. اما عواملی چون استعمار و اختلافات داخلی آن ها را ضعیف نگاه داشته است. باید با رشد علمی، تلاش و همدلی این سیادت را محقق کنند که عزت و سربلندی از آن خدا و رسول و مؤمنان است (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ).<sup>۲</sup> امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به مردم فرمود: «بیایید دل هاتان را با هم صاف کنید، مگر با هم برادر نیستید؟! «حتی اگر تعدادتان زیاد هم باشد، با تفرقه به جایی نمی رسید زیرا دل هاتان با هم نیست».<sup>۳</sup> بعد می فرماید دشمنان شما چون با هم متحدند بر شما پیروز خواهند شد: «به خدا سوگند، گمان می کنم که این قوم (منافق) به زودی بر شما چیره شوند؛ زیرا آنان در باطن خود یکپارچه و متحدند و شما در حق خود دچار تفرقه و پراکندگی هستید».<sup>۴</sup>

موضوع وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب، از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می آید. تأکید قرآن کریم بر ضرورت وحدت مسلمانان با شعار «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» و «لا

۱. انفال: ۴۶.

۲. منافقون: ۸.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹.

۴. همان، خطبه ۳۵.

تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا» (به ریسمان الاهی چنگ زنید و پراکنده نشوید... چون کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند)؛ و تأکید پیشوایان دین بر برادری مسلمانان، از اصول بنیادی است. از نظر تاریخی، این امر به خوبی روشن است که پیشرفت مسلمانان در پرتو همدلی و وحدت آنها و عقب ماندگی و شکست آنان در عرصه های گوناگونی سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، نتیجه اختلافات و پراکندگی میان ایشان بوده است. اکنون با تشدید اقدامات دشمنان جهان اسلام در تفرقه افکنی و تعمیق شکاف میان مسلمانان و در نهایت ضربه زدن به آنها، اتحاد مذاهب و طوائف گوناگون منتسب به اسلام، بیش از گذشته ضرورت خود را نشان می دهد.

از موارد اشتراك همه مذاهب اسلامی، موضوع مهدویت است. همه مسلمین باور دارند در آخرالزمان، حضرت مهدی که از نسل پیامبر ﷺ است ظهور می کند و نیز عیسی ع رجعت نموده و او را یاری می دهد و توسط او جهان به عدالت و داد می گراید چنان که از ظلم و بیداد پر شده است. این آرمان واحد، موتور امید و انتظار و حرکت امت اسلامی است که آینده پژوهان به عنوان اصل قطعی در باور همه مذاهب اسلامی تأیید نموده اند. تأکید بر مهدویت در مجامع اسلامی به خصوص در جوامع غربی از طریق سمینارها و مجالس و فعالیت های رسانه ای باید گسترش یابد تا انرژی لازم در عروق مسلمین برای تلاش بیشتر پمپاژ گردد و آمادگی برای یاری عدالت گستر جهان فراگیر شود و جوامع مسیحی نیز که در انتظار بازگشت مسیح هستند با ما همراه و همدل برای آن بازگشت دعا

کنند. این است معنای وحدت و اتحاد امت. که پیوند بیشتر با  
امام مهربانی است که «جامع الكلمة علی التقوی» نام گرفته است  
یعنی جمع کننده امت بر محور تقوی.

اگر باور داریم که «يك دست، صدا ندارد!» و برای تولید صدا باید دو دست مشارکت کنند و با تعاون که همان مشارکت و یاریگری گروهی است، با هم همکاری نمایند، ضرورت مشارکت اقشار همسورا بیشتر درك می‌کنیم. مشارکت يك سرمایه اجتماعی است که در همه زمینه‌ها قابل تعمیم است. خداوند وقتی موسی عليه السلام را برای پیامبری برگزید، موسی از او خواست که در این مأموریت، برادرش هارون را با او مشارکت دهد و گفت: او را در کارم شريك نما (و اشرکه فی امری) و خداوند پذیرفت و هارون را شريك و وصی او نمود. پیامبر ما صلی الله علیه و آله نیز در حدیث منزلت، نقش علی را در کار خویش، نقش هارون برای موسی اعلام نمود (أنت منی بمنزلة هارون من موسی) <sup>۱</sup> که این مشارکت‌ها، موجب تحقق یافتن مأموریت‌های بزرگ الهی گردید. امروز دولتی را موفق می‌دانند که بتواند با مشارکت همه گروه‌ها و احزاب و سازمان‌ها و نهادهای مردمی يك جامعه (سمن‌ها)، امور کشور را به پیش برد. این فرایند البته نیاز به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی دقیق و نظارت، دارد. کار گروهی و مشارکتی به سعه صدر و تحمل و بردباری بالا، نیاز دارد؛ همان چیزی که موسی از خدا خواست و گفت: سینه‌ام را گشاده و کار را برایم آسان ساز (رب اشرح لی صدري ویسر لی امری). <sup>۲</sup>

۱. طه: ۳.

۲. صحیح بخاری ۴/۱۶۰۲: معانی الاخبار ۴/۷.

۳. طه: ۲۶ و ۲۷.

اما مراحل مشارکت: وقتی اهداف شما مشخص شد باید به دنبال شریک خوب و صالح بگردید که او هم در تمام یا بخشی از هدف با شما همسوست. شراکت لازم نیست حداکثری باشد؛ درصد شراکت می‌تواند ده درصد تا نود درصد متغیر باشد. باید تقسیم کار انجام و انتظارات از یکدیگر دقیقاً مشخص شود. از رقابت و تخریب یکدیگر پرهیز و صداقت و یکدلی حاکم باشد. اشتباهات طرفین، اغماض شود اما از هر اشتباه برای ادامه کار تجربه اندوزی شود تا اشتباه تکرار نشود. یکی از اصول مهم و حیاتی در هر مشارکتی انعطاف‌پذیری و توسعه‌طلبی است. زیرا میزان توانایی شما در گسترش منابع باعث می‌شود تا کارگزاران آزادی عمل بیشتری برای نوآوری و گشودن فضای جدید و توسعه داشته باشند. یک مشارکت ارزشمند باید از توانایی سازگاری با گذر زمان و اشتراک‌گذاری منابع برخوردار باشد. صداقت و شفافیت سبب می‌شود تا بتوانید از فرصت‌ها استفاده بهتری نموده و اعتماد بیشتر شریک خود را جلب نموده با آرامش و توان بیشتری به سوی اهداف خود حرکت کنید.

در فرهنگ دینی، مشارکت جایگاه والایی دارد. مشارکت درونی در جامعه اسلامی با عنوان تعاون در امور نیک و خداپسندانه، یک دستور است: «در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر تعاون و یاریگری داشته باشید نه در امور گناه و تجاوزگری» (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ).<sup>۱</sup> در مشارکت برونی یعنی با غیر همکیشان نیز می‌توان در امور مشترک همکاری نمود: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی روی آریم که میان ما

تعاون  
ب  
ن  
ن  
ن

و شما مشترك است: جز خداوند را نپرستیم و چیزی را شريك او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا صاحب اختیار نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خداییم.<sup>۱</sup> این همکاری با اهل کتاب در مشترکات، می تواند برای مقابله با تبلیغات ملحدان و خداناباوران از طریق همکاری های فرهنگی و تبلیغی و برگزاری همایش ها و فعالیت های مشترك مؤثر افتد و پیروان دو طرف را در برابر هجمه های شدید تبلیغی بی دینان و لاییک ها در فضای حقیقی و مجازی، حفظ نماید.

جلب مشارکت همه باورمندان به منجی عدالت گستر، از راهبردهای مهمی است که اگر بتوان آن را تحقق بخشید، صدایش به همه جا خواهد رسید! مگر مسیحیان و کلیمیان و زردشتیان و... به منجی، باور ندارند؟ آیا آن ها برای آمدن منجی دعا نمی کنند و ظهورش را نزدیک نمی خواهند؟ وقتی می توان در دعا برای تعجیل ظهور منجی، مشارکت آنان را جلب کرد، چطور نتوانیم در داخل جامعه اسلامی، با پرهیز از نزاع بر سر مختلفات، مشترکات را محور قرار داد و همکاری هایی را برنامه ریزی نمود؟ امروز با مشارکت همه باورمندان به موعود، هم صف واحدی در مقابل منکران و ملحدان، ترتیب می دهید و هم دل مولایتان را که همواره نگران تفرق هاست، شاد کرده و با او پیوند بیشتری خواهید یافت. این مشارکت ها در طیف های گوناگون قابل طراحی و برنامه ریزی است تا صدای آن به همه جهان برسد. هنر مشارکت می تواند نیروهای پراکنده را به لشکر عظیم منجی خواهان جهان، تبدیل نماید.

## مجالس مهدوی

برپا نمودن مجالسی که مولای زمان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام در آن‌ها ترویج و منتشر گردد و برای آن جناب دعا شود، در راستای پیوند با آن عزیز جان و جان جهان است. تلاش و کوشش با جان و مال در راه تشکیل این مجالس، ترویج دین خداوند و برتری دادن کلمه الله و یاری نمودن بر نیکی و تقوی و تعظیم شعائر الهی و نصرت ولی الله است. امام صادق علیه السلام فرمود: «یکدیگر را دیدار کنید که در دیدارها، زنده شدن دل‌هایتان و یادآوری احادیث ما هست. و احادیث ما شماها را نسبت به یکدیگر مهربان می‌سازند که اگر آن‌ها را بگیرید دستگارشده و نجات یافته‌اید و هرگاه آن‌ها را ترک گوئید گمراه شده و هلاک می‌گردید. پس به آن‌ها عمل کنید که من نجات شما را ضمانت می‌کنم.»<sup>۱</sup> همچنین به فضیله فرمود: «آیا می‌نشینید و روایت و حدیث می‌گویند؟ گفت: آری فدایت شوم. امام فرمود: همانا آن مجالس را دوست دارم: پس ای فضیله، امر ما را احیا کنید و خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند.»<sup>۲</sup> حضور و شرکت در مجالسی که در آن‌ها از فضائل و مناقب حضرت مهدی و اهل بیت سخن گفته میشود، از تکالیف مردم در عصر غیبت است. باید به این مجالس بها داد و آن‌ها را پر رونق کرد که این از علائم محبت به آن حضرت است.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، باب ۳۴؛ مکیال المکارم، ج ۲.



بی شک برپایی چنین مجالسی، سبب ترویج، نشر و توسعه دین و آموزه‌های مهدوی می‌شود. تعبیر زنده شدن امر ما و احیای امر اهل بیت عجله، نکته جالب و در خور توجهی است. اگر یاد آن‌ها زنده نشود، کم‌کم به فراموشی و سپس بی‌اعتقادی منجر می‌گردد؛ لذا در دعوت به برپایی مجالس ذکر و احیای یاد و خاطره اهل بیت، ذکر فضائل و مناقب شان، بیان دولت حقه شان با ظهور آخرین برگزیده از خاندان شان یعنی حضرت مهدی عجله، در هر مکان از جمله خانه‌های شخصی سفارش‌های فراوانی وارد شده است. پیامبر اکرم عجله فرمودند: «بر تو باد به برپایی مجالس ذکر (مجالس معارف دینی) و شرکت در آن»؛ و نیز فرمودند: «هرگاه به باغی از باغ‌های بهشت بر خورد کردید، در آن حاضر شوید. سؤال شد: باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر» (مانند اجتماعاتی که در آن یاد خدا و اهل بیت و حضرت مهدی عجله می‌شود و امر آنان زنده می‌شود).

یکی از یاران امام باقر عجله به نام خیشمه، می‌گوید: برای وداع، نزد آن حضرت آمدم، فرمود: «ای خیشمه! هر کس از دوستان ما را می‌بینی سلام برسان و آن‌ها را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و این‌که توانگرشان بر فقیرشان توجه کند و قوی‌شان بر ضعیف و زنده آن‌ها بر جنازه میت‌شان حاضر شوند و در خانه‌ها به ملاقات یکدیگر روند؛ زیرا ملاقات آن‌ها با یکدیگر موجب زنده ساختن امر ما است. خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده دارد»؛ و نیز

۱. امالی شیخ مفید/ ۲۲۲.

۲. ابن فهد حلی، عدة الداعی/ ۲۳۸.

۳. الکافی/ ۲/ ۱۷۵.

فرمود: «خدا ببخشد بنده‌ای را که نام ما را زنده بدارد». <sup>۱</sup> همچنین به میسر فرمود:

«آیا شما خلوت می‌کنید و گفت‌وگو می‌نمایید و هر چه خواهید می‌گویید؟ میسر گفت: آری به خدا که ما خلوت می‌کنیم و گفت‌وگو نموده هر چه خواهیم (از مبانی مکتب اهل بیت) مذاکره می‌کنیم، فرمود: «همانا به خدا من دوست دارم که در بعضی از آن مجالس با شما باشم، همانا به خدا که من بوی شما و نسیم شما را دوست دارم، و شما ببید که دین خدا و دین ملائکه او را دارید، پس (مرا به شفاعت و کفالت خود با) پرهیز از حرام و کوشش در طاعات کمک کنید». <sup>۲</sup>

در روزگاران غیبت، این مجالس به ویژه در جمع‌های کوچک و در خانه‌ها و ترجیحاً به شکل تعلیم و تعلم با حضور مربیان عالم و آگاه و آشنا به مبانی اعتقادی، ضروری است؛ زیرا امواج گمراهی از رسانه‌ها و فضای مجازی به درون خانه‌ها و مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، رسوخ کرده و همگان در معرض ترکش‌های انحرافات و هجوم شبهات قرار گرفته‌اند و اگر چاره جویی نشود، آسیب‌های فراوانی خواهد داشت. چاره هم همان است که فرمودند یعنی برپایی مجالس و کلاس‌های دینی و حلقه‌های مذاکره علمی برای آموختن مبانی اعتقادی و آشنایی با ساحت قدسی مهدوی با حضور معلمان و مربیان با تجربه و عالم. برای این کار مهم به ویژه باید والدین یا بزرگان فامیل اقدام نمایند و به‌طور مرتب و هفتگی و ماهانه، به رصد عقاید اعضا بپردازند که اگر ویروس شبهات در

۱. صدوق، مصادقة الإخوان/ ۳۴.

۲. الکافی ۲/۱۸۷.

افکار آنها وارد شده باشد، پاسخ دهند تا ایمان آنان راسخ‌تر و پیوندشان در این مجالس مهدوی با مولا و آقاشان، محکم‌تر شود و به یاری او قیام کنند.



جامع در جامعه ایجاد می‌شود و اوست وحدت بخش صنوف و از بین برنده پراکندگی‌ها و تفرقه‌ها و جدایی‌ها. در سلام به آن حضرت می‌گوییم: سلام بر مهدی عجل الله فرجه که وعده خداوند عزوجل به امت‌هاست، آن وجودی که به اختلافات پایان می‌بخشد و به واسطه وجود مقدسش پراکندگی اهل ایمان خاتمه می‌یابد (السلام علی المهدي الذی وعده الله عزوجل به الامم ان یجمع به الکلم و یلم به الشعث).<sup>۱</sup> وحدت کلمه و اتحاد و اجتماع، محور می‌خواهد. محور این اجتماع هم، تقوی است. در فراز دعای ندبه می‌خوانیم: کجاست آن که بر پایه و محور تقوی، همگان را مجتمع و متحد می‌سازد؟ (أین جامع الکلمة علی الثقوی).<sup>۲</sup> در زیارت دیگری، این‌گونه به آن حضرت سلام می‌کنیم: سلام بر مهدی هدایتگراست‌ها و تحقق بخش یگانگی و وحدت کلمه‌ها (السلام علی مهدي الأمم و جامع الکلم).

اگر دوستان امام زمان، آن جان جهان، در دوستی و پیوند با آن حضرت، صادق‌اند، نباید بین خود اختلاف و تفرقه داشته باشند؛ بلکه باید در راه دوستی و محبت امام خویش، با یکدیگر، همدل و متحد باشند این پیام خود آن حضرت است: «اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعت‌شان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، و دل‌های آنان با یکدیگر مجتمع و متحد بود، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت غیبت ما

۱. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه و سایر زیارات آن حضرت و دعای ندبه.

۲. همان.

۳. همان.

از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم». آیا وقتی آقا و مولای شما، محور اجتماع و اتحاد و یگانگی است، شایسته است که شما اهل تفرقه و جدایی و تکروی باشید و با بهانه ای کوچک و دلخوری اندک، از صفوف جماعت جدا شوید و آهنگ انشعاب یا انزوا زنید؟! آیا اگر چنین کنید، مولای خود را خشنود نموده اید یا دل خون؟ او شما را در مقابل دشمنان دین و آیین، متحد و قوی می‌خواهد نه زبون و ضعیف. باید تحمل خود را بالا ببرید و اختلافات را با حوصله و صبر و حلم برطرف کنیم و «ید واحده» باشید.

روزهای جمعه برای منتظران، روز حماسه است! چرا حماسه نباشد که روز مولای آنهاست که توقع ظهور در آن می‌رود؛ آنها، از پگاه، بیدارند و دعاها و زیارات این روز را می‌خوانند، با دعای «عهد» با امام، تجدید پیمان می‌کنند و بعد با دعای ندبه در جمع یاران، پس از بیان اعتقادات حقه، زیباترین و شورانگیزترین عبارات را برای محبوب‌شان با ندبه و با چشمان اشکبار، این چنین زمزمه می‌کنند: ... کجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران؟ کجاست خواهنده خون کشته شده در کربلا؟ کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد؟ کجاست آن مضطری که اجابت شود هنگامی که دعا کند؟ کجاست سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا؟ کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن جبین، و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادر و جانم فدایت شود، می‌خواهم برایت سپرو حصار باشم، ای فرزند سروران مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان

پیوند با  
جان جهان

راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای  
فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریا‌های  
بی‌کران بخشش، ای فرزند ماه‌های نورافشان، ای فرزند چراغ‌های  
تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان... و این  
حماسه‌ای است جاودان تا ظهور مولاشان.

## معجزات و کرامات

نقل معجزات و کرامات امام عصر علیه السلام برای مشتاقان و محبان ایشان، موجب ازدیاد محبت به آن وجود مسعود و تقویت یقین و ایمان آنان می شود. بعضی دانشمندان همچون شیخ مفید در کتاب «ارشاد»، معجزات هر یک از امامان را در باب مخصوص به امامت آن امام، به عنوان یکی از دلایل امامت او بیان کرده اند؛ همین گونه برای اثبات امامت امام زمان علیه السلام از دلایل عقلی و نقلی بهره گرفته و بابی را به نقل معجزات و کرامات آن حضرت، اختصاص داده است. شیخ الطائفه طوسی رحمته الله همین روش را کامل تر و دقیق تر برای استدلال بر امامت ولی عصر علیه السلام در کتاب «الغیبة» به کار برده و امامت آن حضرت را از سه راه اثبات کرده است: نخست از راه ضرورت وجود امام معصوم در هر زمانی به حکم عقل و ابطال دیدگاه های مذاهب اسلامی دیگر در باب امامت؛ دوم از راه نصوص متواتری که از پیامبر اکرم و امامان اهل بیت علیهم السلام بر امامت حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است و سوم از راه خوارق عادات و معجزاتی که توسط ایشان واقع شده است و سپس حدود سی نمونه از معجزات امام را نقل کرده و در پایان گفته است: این اخبار، بیانگر خبرهای غیبی و گزارشی از حوادث آینده به روش خارق العاده است که کسی نمی تواند از آنها آگاه شود، مگر این که خداوند از طریق پیامبر او را آگاه کرده باشد و چون خداوند معجزات را به دروغگویان نمی دهد، این معجزات، راست گویی امامان را در ادعای امامت اثبات می نماید.



چنان که تفتنازانی می‌گوید: جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند؛ پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم و از جمله امام زمان عجل الله فرجه که حجت‌های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و روایی، معجزات و کرامات فراوانی از سوی آن حضرات به وقوع پیوسته است. تولد شگفت آن حضرت در شرایط دشوار غلبه ظالمان؛ قرآن خواندن پس از تولد، معجزاتی که آن حضرت در دوران کودکی و غیبت، انجام دادند، شفای مریض لاعلاج، طلا شدن سنگریزه، خبر دادن از غیب وده‌ها معجزه دیگر که در کتب مربوط به آن حضرت آمده است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیاء نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم عجل الله فرجه برای اتمام حجت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد.»<sup>۲</sup> بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره قبل از غیبت و غیبت، ختم نمی‌شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرفی حقانیت خویش و اتمام حجت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

کرامات و دستگیری‌های آن امام مهربان در تشرفات در طول دوران غیبت کبری نیز فراوان است و در کتاب‌های زیادی گرد آمده است و البته آنچه ذکر شده آن‌هایی است که مأذون به نقل آن بوده و هزاران کرامت هم واقع شده که مکتوم باقی مانده است. این کرامات نیز مخصوص شیعیان نبوده و مواردی هم بوده که آن

۱. الإلهیات من شرح المواقف/ ۱۳۲.

۲. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعجز، ج ۸، ص ۲۶۱ و ۲۶۰؛ تبصرة الولی، ج ۱۸؛ بحار الأنوار ۵۱/۲۹۲ و...

۳. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر/ ۳۱۲.

حضرت به صاحبان مذاهب دیگر، کرامت فرموده‌اند چنانکه در مورد شیخ حسن عراقی، این چنین شده است. سخن ما این است که او را غوث و کهف حصین و ملجأ و پناه مکروبین و ترسیدگان و بی‌پناهان خوانده‌اند و گمان نمی‌رود که شیعه‌ای از سویدای دل به آن امام مهربان متوسل و متمسک شده باشد و شربتی از عنایات حضرتش، ننوشیده باشد. بیهوده نیست که در زیارت آن عزیز در روز جمعه، خطاب به او می‌گوییم: «مولای من! امروز روز جمعه است - که متعلق به شماست و من امروز مهمان و پناهنده به شما هستم؛ و شما از طرف پروردگار، مأمور به مهمان کردن و یاری نمودن و پناه دادن به کسانی هستید که به سوی شما متمایل شده و درخواست کمک نموده‌اند، پس مرا به مهمانی بپذیرید و پناهم دهید».

خواندن کتب کرامات و عنایات مهدوی، نقل آن کرامات در مجالس مهدوی، دل‌ها را به عنایات آن حضرت دلگرم و پیوندشان را با مولایشان مستحکم‌تر می‌کند. والدین این مطالب را برای فرزندان خود نقل کنند؛ مربیان و معلمان نیز در کنار تعلیم آموزه‌های مهدوی، به تناسب به نقل بعضی کرامات، اهتمام نمایند؛ طلاب و دانشجویان و عالمان نیز بدانند می‌توانند در مشکلات فکری و اعتقادی با توسل به ذیل عنایات مهدوی، از تنگناها و بحران‌ها، سالم عبور نمایند.

مردم نیز امیدوار باشند و بدانند بدون پشتیبان و فریادرس و منجی نیستند و در گره‌های کور زندگی با تمسک به امام، راه نجاتی برای آنان هست و فریادرس دارند؛ البته شرطش نیز این است که در

محبت به آن حضرت صادق باشند و تلاش کنند زندگی شان از  
آلودگی ها به دور باشد و رنگ مهدوی بگیرد.

داستان عاشورا تمام شدنی نیست و همچنان ادامه خواهد داشت تا شورشی که در خلق عالم برپا کرده به قیام طالب ثار سیدالشهداء و دیگر شهیدان بیانجامد. این معنی شعار «یا لثارات الحسین» است که منتظران سر می دهند تا امام شان بیاید و عاشورا را به ظهور و کربلا را به کعبه متصل و جاء الحق و زهق الباطل را سر دهد. او باید این قصه را به پایان برد و نهضت را به نتیجه برساند و فریاد خون را خاموش کند؛ او منتظر زمان موعود است: چشم به راه اذن ظهور است: منتظر یاورانی همچون یاوران جدش حسین است تا چون فراهم شود از کنار کعبه ندا بردارد یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه مظلوماً... و قیام را آغاز کند و ظالمان را به زیر کشد و هدف قیام عاشورا که برپایی نظام عدالت به جای نظام کفر یزیدی بود را محقق فرماید. هر بار که زیارت عاشورا می خوانید آن امام منصور که باید بیاید را یاد می کنید؛ هر بار که ندبه می خوانید آن طالب خون شهید کربلا را صدا می زنید، هر بار که به سجده می روید آن شفا بخش سینه سیدالشهداء را طلب می کنید و چون می خواهید به عزاداران تسلیت گوید از خدا می خواهید شما را از طالبان خون او همراه سالار این قیام یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار دهد چون مطمئن هستید نهضت ناتمام عاشورا فقط این گونه تمام خواهد شد.

شما، درس یآوری امامتان را از یاران سیدالشهداء علیهم السلام می گیرید که هر يك حماسه های جاودانی در یاری امامشان سرودند و هنگام



از خون من است.<sup>۱</sup> امیرمؤمنان علیه السلام روزی به حضرت اباعبدالله علیه السلام فرمود: نهمین فرزند تو ای حسین، قائم آل محمد علیهم السلام است او دین خدا را آشکار ساخته و عدالت را در سرتاسر زمین حاکمیت خواهد بخشید.<sup>۲</sup> در این باره خود امام حسین علیه السلام نیز فرمود: نهمین فرزند من، قائم به حق است خداوند به وسیله او زمین مرده را دوباره زنده خواهد ساخت و دین را حاکمیت خواهد بخشید. او حق را برخلاف میل مشرکان و دشمنان تحقق خواهد بخشید.<sup>۳</sup>

یاوران این نهضت جهانی، باید رنگ و بوی عاشورایی داشته باشند. هر روز یاد عاشورا را زنده نگهدارند و داستان جانفشانی انصار اباعبدالله را مرور نمایند و مشق یآوری کنند و از آنان آیین حمایت از امام را بیاموزند؛ صالح و پروا پیشه و کارآمد و فداکار و بصیر و خدوم و مرزبان و شجاع باشند؛ زنان از زینب کبری و مردان از ابوالفضل و جوانان از علی اکبر و پیران از حبیب و پهلوانان از زهیر و حرّ و مسلم و... درس گیرند و در تاریکی شب‌های غیبت، امام خود را تنها نگذارند و او را به دست و زبان و قلم و مال و جان و همت، یاری کنند. چهارده قرن است نهضت عاشورا عزاداران را به آمادگی برای اتمام قیام دعوت می‌کند. این است که به رسم میدان جنگ، علم و پرچم و طبل برمی‌گیرند و سیاهپوش به خیابان و میدان می‌شتابند و با شعار و نوحه و برسینه و سرزدن اعلام آمادگی می‌کنند تا به امامشان اعلام کنند که ما آماده تمام کردن نهضت همراه شما هستیم... اقامه عزا و حماسه حسینی، نشان گویای پیوند با ساحت قدسی مهدوی است.

۱. کشف الغمه ۳/۲۹۴.

۲. منتخب الاثر/۴۶۷.

۳. ۱۳۲. اعلام الوری/۳۸۴.

## طرد شیطان

هیچ کس بهتر از خداوند شیطان را نمی شناسد و نمی تواند به خوبی او، شیطان را به انسان معرفی نماید! پروردگار مهربان که ما را بسیار دوست می دارد، این گونه شیطان را معرفی می نماید: «ای انسان ها، شیطان، دشمن آشکار شماست»<sup>۱</sup>؛ «او دشمن شماست، او را دشمن خود قرار دهید»<sup>۲</sup>؛ «او بین مردم فتنه انگیزی می کند»<sup>۳</sup>؛ «او قصد اندوهگین کردن مؤمنان را دارد»<sup>۴</sup>؛ [مراقب باشید]، شیطان شما را از راه خدا باز ندارد»<sup>۵</sup>؛ «از گام های شیطان پیروی نکنید، آنجا که شیطان گام زده، نروید و قدم جای قدم او نگذارید»<sup>۶</sup>؛ «شیطان را عبادت نکنید، او دشمنی آشکار برای شماست»<sup>۷</sup>. خود شیطان هم به اغواگری خود افتخار کرده و برای اغواگری انسان ها، سوگند هم خورده است: «شیطان گفت: به عزت تو سوگند که همه انسانها را گمراه خواهم نمود»<sup>۸</sup>؛ لذا او را دشمن قسم خورده انسان ها نامیده اند و اصطلاح دشمن قسم خورده از شیطان نشأت گرفته است. این همه تأکید و هشدار از سوی خداوند مبنی بر دشمنی آشکار شیطان نسبت به انسان ها، می طلبد که بسیار مواظب باشیم تیرهای وسوسه های او به ما اصابت ننماید.

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. فاطر: ۶.

۳. اسراء: ۵۳.

۴. مجادله: ۱۰.

۵. زخرف: ۶۲.

۶. بقره: ۲۰۸.

۷. یس: ۶۰.

۸. ص: ۸۲.

ما نوعاً از شیطان و حیله‌های او غافل می‌شویم لذا در دام او گرفتار می‌گردیم. تمام هنر شیطان در این است که طوری وارد برنامه‌ها و افعال ما بشود که دیده نشود و ما بیندازیم حواسمان جمع است و شیطانی درکار نیست! بعضی از انسان‌ها چنان از شیطان و نقشه‌های او غافلند که گویی شیطان مرده است و دیگر اغواکننده‌ای نیست. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام فرمود: چهار سفارش به تو دارم در حفظ آن‌ها بکوش؛ مادام که گناهان خود را بخشوده نمی‌بینی، به عیوب دیگران سپردار! مادام که گنج‌های من را پایان یافته نمی‌بینی، برای روزیت غمناک مباش؛ مادام که حکومت مرا زائل نمی‌بینی، به دیگری جز من امید مبندا؛ مادامی که شیطان را مرده نمی‌بینی، از مکر و فریب و نقشه‌های او ایمن مباش!

يك استعاده نیز از پیشوایان ما رسیده که با خواندن آن در برهه‌ها و ساعات مختلف زندگی، خود را در پناه خدا و اولیای او قرار دهیم تا از گزند شیطان محفوظ بمانیم و آن استعاده‌ای است که امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل آموخته است: **أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ وَأَعُوذُ بِمُحَمَّدِ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قَدِرَ وَ قُضِيَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ**.

یقین داریم امروز شیطان، بزرگ‌ترین دشمن ولی خدا امام عصر علیه السلام (وارث آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و همه پیامبران و امامان) است که با کینه تاریخی‌اش تلاش می‌کند که مردم را از حجت خدا جدا کند و نگذارد تا راه و روش امام

۱. سفینه البحار، ۱/۵۰۱.

۲. بحار الأنوار، ۷۴/۲۷۱.



زمان **بِقِيَةِ اللَّهِ** عالم گیر شود. چرا که امام. نماد فرازین شکوه توحید  
 و عبودیت ذات ربوبی است و با تبعیت از او راه عبودیت حقیقی  
 نمایان و پیموده می شود. بر این اساس رفتن مردم به سوی امام  
 زمان **بِقِيَةِ اللَّهِ**، نقش بر آب شدن همه نقشه های شیطان را در پی  
 دارد لذا تلاش می کند در راه پیوند و تبعیت از بقیه الله، مانع و رادع  
 ایجاد کند و نگذارد تا مردم با ایشان آشنا و مأنوس گشته و به هدای  
 او، هدایت شوند. پس در پشت هراضلال، شیطان است و در رأس  
 همه اضلالتش جداسازی مردم از امام و حجت هر زمان، قرار دارد.  
 این است که اساتید و بزرگان توصیه می کردند (و خود نیز عامل  
 بودند) که در آغاز هر برنامه تبلیغی به صاحب الزمان متوسل شوند  
 تا در کنف حمایت او، شیطان را متواری و منزوی سازند که تنها  
 پناه ما در برابر چنین دشمن نیرومندی، مظهر قدرت الهی حضرت  
 بقیه الله است که کشف حصین و دژ استوار و سفینه نجات امت  
 است.

شیطان از آن امام مبین هراسناک است و جایی که او قرار دارد  
 جرأت حضور نداشته و به کسی که در پناه اوست توان حمله ندارد.  
 باید با توسل و تمسک به یدالله و حجة الله و بقیه الله - ارواحنا فداه  
 - امور فردی و اجتماعی و هدایتی مرزبانان، بیمه شود. راه پیوند  
 بیشتر با امام، جواب کردن شیطان است. شیطان، خود را شریک  
 ما در اموال و اولاد می داند و می خواهد سهم اصلی از او باشد و ثمره  
 عمر ما را مصادره کند و حتی در آن قسمتی هم که سهم ما می داند.  
 دخالت کند و آن را نیز تباه نماید! مرحبا به کسی که با درایت، این  
 دشمن نابکار را به زنجیر کشد و به ضجه اندازد و این نمی شود مگر  
 این که نقشه او در جدا کردن ما از امام، نقش بر آب شود. باید خود

پیوند با جان جهان

را در زمره ارادتمندان و خدمتگزاران ولی الله قرار دهیم تا او جرأت نکند، به طرف ما بیاید زیرا به حریم امام وارد شده ایم که شیطان را بدانجا راهی نیست و پیوندیان با امام از گزند وسوسه‌های او در امان هستند.

## کسب و کار پاک

اهمیت دادن به کسب و کار و تلاش برای تأمین معیشت خانواده، آن چنان مهم شمرده شده که این تلاشگران، مجاهدان راه خدا نام گرفته‌اند (الکاذ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله)<sup>۱</sup>. شرط وصول به این مقام بزرگ هم آن است که این کسب روزی از مسیر حلال باشد تا لقمه‌ای غیر حلال بر سفره‌ای قرار نگیرد که لقمه حرام آثار خطرناک دنیوی و اخروی برای خورندگانش دارد. این است که شناخت کسب و کارهای حلال و حرام پیش از ورود به کار امری الزامی است زیرا هر نوع درآمدی مجاز و حلال نیست! هم شغل باید مشروع باشد و هم درآمد ناشی از شغل؛ معیار حلال و حرام، حاکم بر انتخاب شغل و نوع درآمد است؛ باید این حد و حدود را شناخت. برای آن که کاسب، به ورطه حرام نغلتد بفرموده حضرت علی علیه السلام انسان، باید نخست احکام حلال و حرام فقهی را بشناسد سپس اقدام به تأسیس کسب و کاری کند، آن حضرت خطاب به بازرگانان، سه بار که نشان تأکید است، فرمود: «الفقه ثم المتجر»<sup>۲</sup> (نخست فقه تجارت را بیاموزید سپس به تجارت بپردازید).

در فقه ما بعضی کسب و کارها حرام هستند که عنوان «مکاسب محرمه» دارند و کاسب نباید به آنها آلوده شود زیرا آثار سوء عینی و وضعی مال حرام، فرد و جامعه را دچار آسیب‌های جدی و جبران ناپذیر می‌کند. خداوند فرموده است: «ای مؤمنان! در اموال یکدیگر از طریق باطل تصرف نکنید»<sup>۳</sup>. کسب و کارهای حرام مثل: ربا،

۱. الکافی ۵/۸۵.

۲. میزان الحکمه ۱/۵۲۰.

۳. نساء: ۲۹.

رشوه، کم فروشی، جعل و کلاه برداری، تبانی در معاملات، غش و تقلب در کالاهای و خدمات، احتکار ارزاق عمومی و کالاهای مورد نیاز جامعه برای افزایش قیمت، کم فروشی و دریافت پول برای انجام کارهای حرام و غیر مشروع، دزدی و خیانت، حیث و میل بیت المال، خوردن اموال ایتام، اتلاف و تضييع حقوق دیگران و منابع بیت المال، درآمد حاصل از قماربازی و یا واسطه‌گری در این امر، دلّالی و نیز خرید و فروش مشروبات الکلی، مواد مخدر، قاچاق کالاهای و خدمات، تولید و ساخت ابزار و ادوات و کالاهای یاد شده تجارت نسبت به امور یاد شده، خرید و فروش گوشت خوک و تولید و پرورش آن و دلّالی و واسطه‌گری در این امور، خرید و فروش اعیان نجسه، خرید و فروش آلات قمار و لهو و لعب، کسب درآمد از طریق غناء، کسب و کاری که مستلزم غیبت مسلمانان باشد.

پیامبر ﷺ از قول خداوند فرمود: «هر کس باکی نداشته باشد که دینار و درهم را از کجا به دست می آورد، من هم روز قیامت باکی ندارم که او را از کدام در وارد آتش جهنم کنم»؛ همچنین فرمود: «هر کس دوست دارد دعایش مستجاب شود، باید آنچه را می خورد و کسب می کند، پاکیزه نماید».<sup>۱</sup> مفسد اقتصادی که امروز گریبان گیر جوامع است، ناشی از همین عدم رعایت احکام الله است. یا آشنا به فقه تجارت و کسب و کار نیستند یا اعتقاد ندارند لذا به حرام می غلطند و فساد می آفرینند که شاهد هستیم. گاهی کسب روزی حلال، آن چنان دشوار می شود که باید با دعا از محضر ربوبی مسئلت نمود تا انسان را نگهدارد که در این زمینه دعاهایی

۱. بحار الأنوار، ۱۰۰/۱۱، ح ۴۶.

۲۱۳۸. عدة الداعی/ ۱۳۹.

وارد شده است.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام داستان آن مرد بنی اسرائیلی را بیان می‌فرماید که دو درهم حلال را برد و هزار درهم حلال ترجیح داد و خداوند دو درهم او را برکت داد که چهل هزار درهم نصیب او شد.<sup>۲</sup>

همچنین به خاطر حقوق شرعی مال (خمس و زکات)، خدا و ولی الله در منافع حاصل از کسب و کار شریک ما هستند، لذا باید بیشتر مراقب باشیم که حدود را رعایت کنیم و با طیب خاطر حقوق آنها را بپردازیم تا اموال تزکیه و پاک شود. کاسبان آگاه همواره از شریک منافع خویش یعنی صاحب الزمان علیه السلام استمداد می‌کنند تا آنها را موفق بدارد و از حرام مراقبت نماید. انسان منتظر، علاوه بر رعایت این اصول در مورد معیشت، ولی نعمت خود را صاحب الزمان علیه السلام می‌داند و از او برای روزی حلالی که نصیبش نموده ممنون و سپاسگزار است زیرا باور دارد «بیمنه رزق الوری»، به میمنت وجود ذی‌جود است که مردمان روزی می‌خورند<sup>۳</sup> و از مجرای فیوضات اوست که نظم آفرینش منتظم است لذا در طول ساعات معیشت، خود را وسیله‌ای برای رزق می‌شمرد و صاحب خود را در نظر دارد و خویش را در منظر او می‌بیند و این مراقبت او را از لغزش به حرام حفظ می‌نماید و در کنف حمایت ولی الله قرارش می‌دهد و پیوندش با امام، محکم‌تر می‌شود و با دعای آن حضرت کسب و کارش برکت می‌یابد.

۱. الکافی ۲/۵۵۰: «اللَّهُمَّ ارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْخَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا بَلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبًا صَبًا هَيِّئْ لِي مَرِيئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ» و نیز: اللهم اغننا بحلالك عن حرامك وبطاعتك عن معصيتك وبفضلك عن من سواك.

۲. وسائل الشیعه، ۲۵/۴۵۳.

۳. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

## کتاب‌های مهدوی

کتاب، یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین رسانه‌هاست. پیام جاودانه وحی در قالب کتاب بر بعضی از پیامبران نازل شده و معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کتاب قرآن است؛ و خداوند به قلم، سوگند یاد کرده<sup>۱</sup> و تعلیم قلم و نویسندگی را به خود نسبت داده است.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: «بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر ساز؛ و اگر از دنیا رفتی کتاب‌هایت را به ارث برای فرزندان بگذار، زیرا زمان پرفتنه ای می‌آید که مردم تنها به کتاب‌هایشان انس می‌گیرند»<sup>۳</sup> و نیز فرمود: خداوند بر مردم اعم از نیکان و بدان به وسیله نوشتن و حساب منت گذارده، و اگر کتاب و کتابت نبود، مردم به راه‌های نادرست کشیده می‌شدند»<sup>۴</sup>؛ و در حدیث معروف و مشهوری از پیامبر نقل فرمود: «روز قیامت مُرگب‌های قلم علما و دانشمندان با خون‌های شهیدان در ترازوی سنجش اعمال مقایسه می‌شود و مرگب‌های دانشمندان بر خون‌های شهیدان برتری می‌گیرد!»<sup>۵</sup>؛ چون زیر بنای خون شهید، معارف و عقایدی است که عمدتاً از قلم سرچشمه گرفته و پشتوانه بقای خون شهید نیز مرگب قلم دانشمندان است و اصولاً سرنوشت اجتماعات انسانی در درجه اول به نیش قلم‌ها و آثار علمی وابسته است.

۱. قلم: ۱.  
۲. علق: ۳-۵.  
۳. بحار الأنوار، ۲/۱۵۰.  
۴. فروع کافی، ۵/۱۵۵.  
۵. بحار الأنوار، ۲/۱۶ ح ۳۵.

کتاب‌های دینی مفید و روزآمد در حوزه مهدویت، کم نیست و نقش بسیار مهمی در توسعه فرهنگ مهدویت داشته است. خود امام عصر ارواحنا فداه، بعضی از دانشمندان را به نوشتن کتاب در موضوعات مهدویتی تشویق فرموده‌اند؛ همچون شیخ صدوق که کتاب کمال‌الدین را به دستور آن حضرت در موضوع غیبت تألیف نمود و چنان‌که گفته‌اند، موسوی اصفهانی نیز کتاب مکیال المکارم را در موضوع فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به توصیه امام، نوشته است. کتاب‌های بیشماری در طول دوران غیبت در موضوعات مختلف مهدویتی نوشته شده که لیست آن‌ها در بعضی کتاب‌نامه‌ها از دوهزار مجلد، فراتر رفته است.<sup>۱</sup> بسیاری از این کتاب‌ها نیز در فضای مجازی قابل دانلود است و در پایگاه‌های اینترنتی مثل «قائمیه بوک»، در دسترس علاقه‌مندان است. اهتمام به تولید و نشر این کتاب‌ها، از مهم‌ترین وظایف خدمتگزاری به آستان صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است زیرا توسط این کتاب‌ها، معرفت به امام توسعه یافته و سؤالات و شبهات پاسخ داده می‌شود.

کتاب‌های مهدوی باید عنصر اصلی کلاس‌ها و جشن‌ها و همایش‌ها و برنامه‌های تبلیغی مهدوی باشد. کتاب باید توسط سخنرانان و مجریان، معرفی و میزهای عرضه این کتاب‌ها در دسترس مخاطبان باشد. هدایا و جوایز مسابقات باید کتاب باشد که دانش افراد را در موضوع مهدویت، ارتقا دهد. نویسندگان باید با قلم و ادبیات روز، کتاب‌هایی برای اقشار مختلف، از کودکان تا

۱. کتاب مرجع مهدویت، بنیاد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایگاه اطلاع رسانی پارسا،

جوانان و دانشجویان و محققان، بنویسند و ناشران هم با اشتیاق فراوان این آثار را چاپ و نشر نمایند. در نمایشگاه‌های استانی و سراسری، غرفه‌های کتب مهدوی باید به‌طور شاخص در معرض دید بازدیدکنندگان باشد تا مطابق ذوق و سلیقه و نیاز خود، کتاب‌ها را تهیه نمایند. در برنامه‌های رسانه‌ای باید کتب مهدویتی به شکل جذاب معرفی و تبلیغ شود. در خانه، والدین با مطالعه کتاب‌های مهدویتی آن را به شکل یک فرهنگ درآورند تا فرزندان آن‌ها توسعه معرفت خود را از طریق مطالعه این کتاب‌ها به‌طور عملی از آن‌ها بیاموزند. برای نویسندگان این کتب، در برنامه‌های کتاب سال، تشویق‌هایی در نظر گرفته شود تا تألیف این کتب افزون‌تر شود.

برای نشر کتاب‌های مهدوی، طرح‌های ابتکاری فراوان ایجاد شده مثل برنامه کتابخوانی که فایل کتاب‌ها در دسترس افراد در فضای مجازی قرار می‌گیرد و از آن سؤال تهیه شده و پس از پاسخ، اصل کتاب هم برای افراد توسط پست با کتاب‌های دیگری اهدا و ارسال می‌شود. طرح نذر کتاب در قالب «نذر دانایی» هم در همین راستاست که افراد با نذر مالی برای اهدای کتاب، امکان داشتن کتاب را برای دیگران فراهم می‌کنند که از بهترین نذرهاست زیرا هیچ کاری به شرافت علم و دانایی نیست. و اهدای کتب مهدویتی به کتابخانه‌های روستایی و مدارس از همین طریق انجام می‌شود. وقف کتاب نیز یکی از انواع این طرح‌هاست که افراد کتاب‌هایی را تهیه و در اختیار افراد می‌گذارند با این شرط که پس از خواندن، آن را در اختیار یک فرد دیگر قرار دهند. ایجاد ایستگاه‌های مطالعه کتاب در مراکز عمومی مثل پارک‌ها و فروشگاه‌ها و متروها هم،

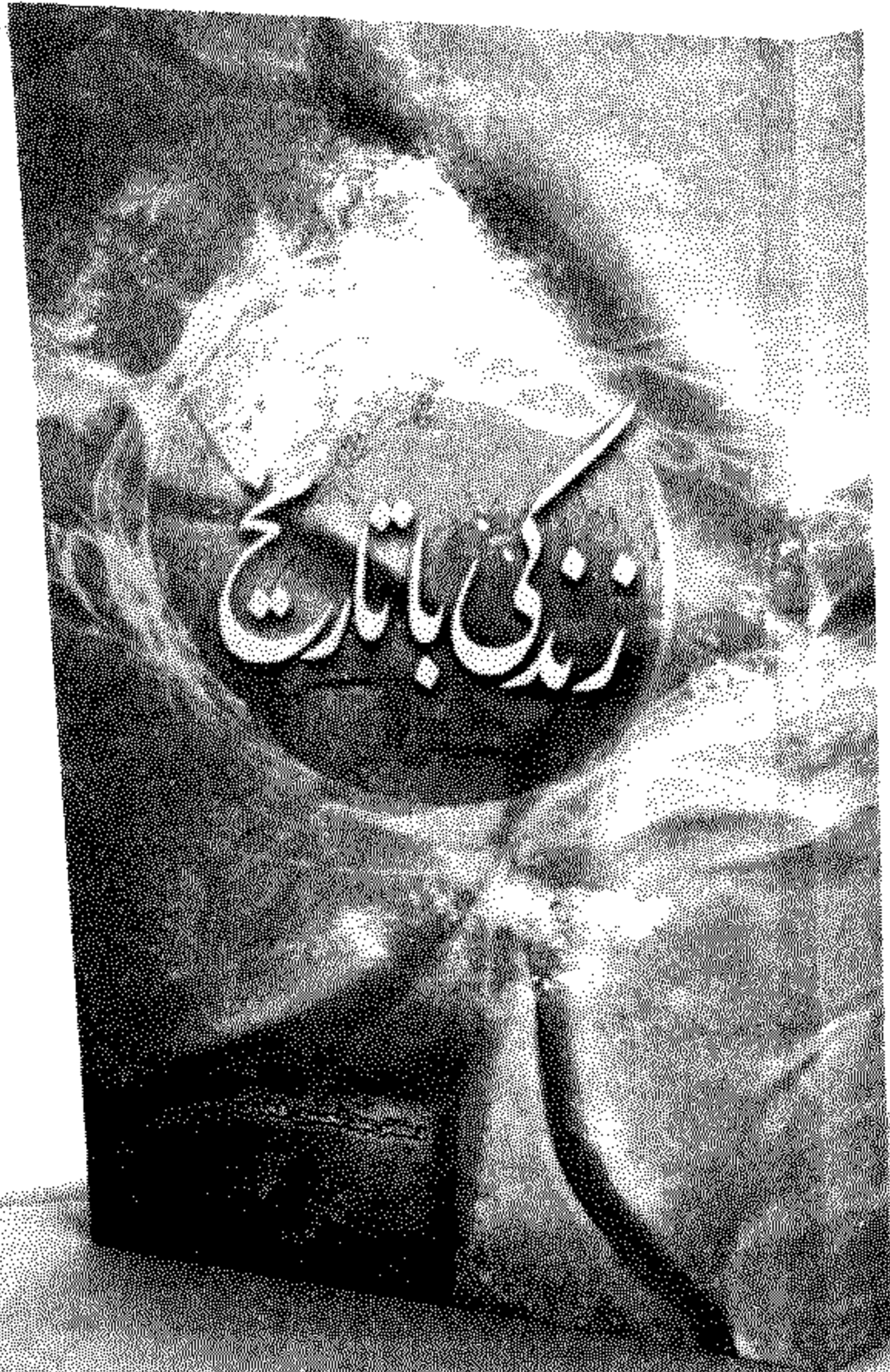


مؤثر است چنان‌که طرح اتوبوک، طرح کتاب نصف قیمت و... به همت بعضی ایجاد شده است. اهدای کتاب‌های خوانده شده در خانه‌ها به مراکزی که وظیفه اهدای کتاب به مراکز نیازمندان را دارند و ده‌ها کار دیگر در راستای ترویج کتاب و کتابخوانی مهدوی، از راه‌های تحکیم پیوند با ساحت قدسی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار است.

معرفی کتاب



# زندگی با تاریخ



دکتر عبدالحسین فخاری

”تاریخ“ کیست که می‌شود با او مصاحبه کرد و یا به کلاس درسش رفت یا از فلسفه تاریخ یا جبر تاریخی سخن گفت یا کسانی را به زباله‌دان آن فرستاد؟! این کتاب نظرات نظریه‌پردازان مهم تاریخ را از دوران باستان تا زمان ما در منظر شما قرار می‌دهد و پرده را از واقعیت تاریخ، کنار می‌زند.